

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روانشناسی قانونی





-
- سرشناسه : عاطف‌وحید، محمدکاظم، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور : روانشناسی قانونی
مشخصات نشر : تهران : میرماه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۱۱۶ ص: مصور (بخشی رنگی)
شلیک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۳-۱۶۶-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیبای مختصر
یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
شناسه افزوده : دادفر، محبوبه، ۱۳۴۶ -
شناسه افزوده : بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی خاتم‌الانبیاء (ص)
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۲۳۰۶۵
-

روانشناسی قانونی

تألیف:

محبوبه دادفر

دانشجوی دکترای روانشناسی بالینی
دانشگاه علوم پزشکی ایران - پردیس بین الملل

دکتر محمد کاظم عاطف وحید

روانشناس بالینی
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران
دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان



میراث

۱۳۹۴ شمسی



بیمارستان فوق تخصصی
خاتم الانبیاء (ص)

روانشناسی قانونی



مرکز
تحقیقات
علوم
اعصاب
شفا

تألیف: دکتر محمد کاظم عاطف وحید، محبوبه دادفر

ناشر: میرماه

گرافیک جلد و متن: مهدیه ناظم زاده

لیتوگرافی و چاپ: قائم چاپ جوربند

صحافی: عطف

نوبت و سال انتشار: نخست/ ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۲۳-۱۶۶-۲

تمام حقوق اثر برای مرکز تحقیقات علوم اعصاب شفا محفوظ است.

خیابان ولیعصر (عج) - خیابان رشید یاسمی - بیمارستان فوق تخصصی خاتم الانبیاء (ص)

تلفن: ۸۸۸۸۴۰۴۰

انتشارات میرماه: تخریش، دزاشیب، خیابان شهید رضانی، کوی شهید مرتضی عباسی، پلاک ۳، واحد ۲

تلفن: ۲۲۷۲۲۹۰۱-۲ و ۲۲۷۵۹۲۰۳-۴ فاکس: ۲۲۷۱۹۵۲۳

پیشگفتار

وقتی که در مورد روانشناسی قانونی و روانشناسان قانونی مطلبی می‌شنوید، چه چیزی به ذهن شما خطور می‌کند؟ آیا کارآگاه‌های مرموز و اسرارآمیزی را تصور می‌کنید که جرم و جنایت‌ها را حل و فصل می‌کنند؟ آیا به یک ترسیم‌کننده نیمرخ کیفری (Criminal profilers) فکر می‌کنید که جهت پیش‌بینی حرکت بعدی یک قاتل، به درون ذهن آن قاتل پی می‌برد؟ در عین اینکه احتمالاً تعداد معدودی از روانشناسان قانونی وجود دارند که با این تصورات قالبی و کلیشه‌ای تناسب دارند، این ایده‌های بسیار مسحورکننده و جذاب، بهنجار و معمول نیستند. پس روانشناسی قانونی به طور دقیق چیست و روانشناسان قانونی چه کارهایی را انجام می‌دهند؟

روانشناسی، علم کاربردی مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی بر اساس یافته‌های علمی و پژوهشی است. قانون مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها است که از سوی مجموعه‌ای از موسسات به اجرا گذاشته می‌شود و به عنوان میانجی در پیوندهای اجتماعی بین مردم عمل می‌کند. قانون معرب کلمه یونانی canon است که به فرانسه loi و به انگلیسی law ترجمه می‌شود. قانون به عنوان پی و ستون‌های یک جامعه پویا و مردم‌سالار است. مفهوم عام‌تری نیز نسبت به قانون وجود دارد. به عبارت دیگر هر چیزی که تنظیم‌کننده رفتار انسان باشد، قانون نام دارد. این قانون می‌تواند قوانین فیزیکی باشد که بر انسان تأثیر دارد یا قوانین اخلاقی و یا قانونی باشد که دولت یا قدرت فراتر یک کشور آن را به شیوه خاص و در جایگاه خاصی وضع نموده است (دانشنامه ویکی‌پدیا، ۲۰۱۴).

مطابق با بورد روانشناسی قانونی آمریکا (American Board of Forensic Psychology) (ABFP)، «روانشناسی قانونی کاربرد علم و تخصص روانشناسی برای پرسش‌ها و مسائل مربوط به قانون و نظام حقوقی است». کلمه «قانونی» (forensic) از کلمه لاتین «forensis»، به معنی «انجمن یا دیوان خانه یا محل اجتماع عموم» (of the forum) برآمده است، جایی که محکمه‌های قانون روم باستان تشکیل می‌شدند. کلمه قانونی به عنوان «روش علمی برای بررسی جرم» تعریف می‌شود. امروزه واژه قانونی (forensic) اشاره دارد به «کاربرد اصول و شیوه‌های علمی برای روند مغایر، جایی که دانشمندان

آگاه، هوشمند و زیرک به طور خاصی ایفای نقش می‌کنند» (چری، ۲۰۱۴). روانشناسی قانونی اغلب به عنوان ادغام قانون و روانشناسی توصیف می‌شود.

جرم غالباً یک مشکل عمده در بسیاری از مناطق دنیا، به خصوص مناطق پر جمعیت است. تا آنجا که ممکن است افراد آرزوی زندگی‌های صلح آمیز و فارغ از جرم را دارند، این آرزو به احتمال زیاد، به دلیل وقوع جرم‌های متنوعی که روزانه در دنیا اتفاق می‌افتند، به این زودی به‌وقوع نمی‌پیوندد. به طور معمول مجازات مجرمان یا جلوگیری از ارتکاب جرم آنها در وهله اول، برای حفاظت از جنایتکاران عادی از جرم و جنایت، ضروری است. روانشناسی قانونی اغلب در مجازات و جلوگیری از جرم و جنایت‌ها نقش ایفا می‌کند. این رشته روانشناسی اغلب بر خود مجرمین و جنایتکاران متمرکز می‌باشد. به متخصصان این رشته اغلب مسئولیت‌های مهم و سختی داده می‌شود. در تلاش کردن برای کشف اینکه چرا انواع خاصی از مردم مرتکب جرم می‌شوند، چه نوع شخصی مرتکب جرم می‌شود، و چگونه افراد از ارتکاب جرم پیشگیری می‌کنند.

روانشناسی قانونی هماهنگ کننده نظریات روانشناختی و روانی و بیماری شناسی لازم برای اجرای کیفر قانونی است. روانشناسی قانونی برای صدور حکم نهایی در مورد متهمان با توجه به نظرات روانشناسی و بیماری شناسی و همچنین قوانین مربوطه، به قضات و شوراها عالی قضایی کمک می‌کند. روانشناسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند اصول روانشناختی را در جنبه‌های قانونی به کار می‌بندند. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به مطالعه رفتارهای مجرمانه و درمان آنها و یا کار کردن در دستگاه‌های قضایی اشاره نمود.

روانشناسی قانونی یک شاخه تخصصی و کاربردی روانشناسی است و با موضوعات و مسائلی سر و کار دارد که روانشناسی و قانون را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در سال‌های اخیر با ارائه تصاویر متعدد در فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و کتاب‌ها، علاقه به روانشناسی قانونی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. فیلم‌های معروف، برنامه‌های تلویزیونی و کتاب‌ها، اغلب با به تصویر کشیدن قهرمانان زیرک و هوشمندی که جرم و جنایات شریر را حل و فصل می‌کنند یا قاتلان را با استفاده از روانشناسی ردیابی و پیگیری می‌کنند، به مشهور شدن و محبوبیت پیدا کردن این رشته کاربردی روانشناسی کمک کرده‌اند. در حالی که ترسیم روانشناسی قانونی در رسانه‌های عمومی به طور قطع چشمگیر و قابل توجه هستند، این تصاویر لزوماً دقیق نیستند. روانشناسان قانونی به طور مشخص نقش مهمی را در نظام

عدالت کیفری بازی می کنند، با این حال، این حرفه می تواند یک شغل هیجان انگیز برای دانشجویان علاقه مند به استفاده از اصول روانشناختی در نظام قانونی باشد. تعداد فزاینده‌ای از دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها مدارک دوگانه در روانشناسی و قانون را به منظور تخصصی کردن افراد در رشته روانشناسی قانونی عرضه می‌دارند.

در واقع، روانشناسی قانونی به عنوان یک حوزه تخصصی جدید در سال ۲۰۰۱ توسط انجمن روانشناسی آمریکا (American Psychological Association) (APA)، به رسمیت شناخته شد. در حالی که روانشناسی قانونی یک حوزه تخصصی جدید در روانشناسی در نظر گرفته می‌شود، قدمت آن به اولین روزهای تاریخ روانشناسی یعنی اولین آزمایشگاه روانشناسی ویلهلم وونت در شهر لایپزیک آلمان برمی‌گردد. طیف گسترده‌ای از گزینه‌های شغلی هیجان انگیز در رشته روانشناسی قانونی وجود دارد. برای مثال تعدادی از روانشناسان قانونی به طور مستقیم در نظام عدالت کیفری به منظور سنجش، ارزیابی و درمان افرادی که مرتکب جرم شده‌اند یا افرادی که قربانی جرم و جنایات بوده‌اند، کار می‌کنند. سایر روانشناسان قانونی به موارد اتهام کودک‌آزاری رسیدگی می‌کنند، با شاهدان کودک کار می‌کنند، افراد درگیر در اختلافات و مشاجرات حضانت فرزند را ارزیابی می‌کنند و صلاحیت روانی متهم برای محاکمه را می‌سنجند.

در کتاب حاضر اطلاعات بیشتری در مورد روانشناسی قانونی از جمله تاریخچه، رویدادها و افرادی که در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند، ارتباط روانشناسی قانونی با سایر حوزه‌های علمی، مباحث، حیطه‌ها، و حوزه‌های مرتبط با روانشناسی قانونی، مدرک تحصیلی مورد نیاز، فرصت‌ها، گزینه‌ها، مکان‌ها، مسئولیت‌های شغلی و ساعات کاری یک روانشناس قانونی، جنبه‌های مثبت و منفی و تلویحات اخلاقی حرفه روانشناسی قانونی ارائه شده است. امید است این کتاب بتواند به ارتقاء کیفیت ارائه خدمات تخصصی بهداشت روانی، روانشناختی و قانونی، و همچنین دریافت کنندگان این خدمات کمک نماید و زمینه ایجاد رشته روانشناسی قانونی را در مقاطع تحصیلی مختلف در دانشگاه‌های کشور فراهم سازد.

مؤلفین

۱۳۹۴ شمسی

فهرست

۱۳	تعریف روانشناسی قانونی
۱۶	علت نیاز به روانشناسی قانونی
۱۷	روانشناس معروف در حوزه روان شناسی قانونی
۱۷	افراد کلیدی در روان شناسی قانونی
۱۷	تاریخچه روان شناسی قانونی
۱۸	پژوهش های اولیه
۱۹	روان شناسی در دادگاه ها
۲۰	پس از جنگ جهانی دوم
۲۱	ارتباط روانشناسی قانونی با سایر حوزه های علمی
۲۲	روانشناسی اجتماعی
۲۳	روان شناسی جنایی
۲۶	روانشناسی قضایی
۲۷	روانشناسی زندانبانی
۲۸	علوم اجتماعی
۲۸	آسیب شناسی اجتماعی
۲۹	جرم شناسی روانی
۳۱	حیطه های مرتبط با روانشناسی قانونی
۳۱	حوزه های روانشناسی قانونی
۳۲	مباحث مرتبط با روانشناسی قانونی
۳۳	دادگاه و روان شناسی قانونی
۳۴	پدیده دروغ و روان شناسی قانونی
۳۴	اعتراف و روان شناسی قانونی
۳۶	مقررات اجتماعی و روان شناسی قانونی
۴۰	فرصت های شغلی در روانشناسی قانونی
۴۱	۱- پژوهشگر دانشگاهی
۴۱	۲- مشاور اجرای قانون
۴۲	۳- روانشناس تأدیبی
۴۲	۴- ارزیاب
۴۳	۵- شاهد متخصص
۴۴	۶- ارائه دهنده درمان
۴۴	۷- مشاور محاکمه یا دادگاه
۴۵	مدرک تحصیلی و آموزشی مورد نیاز برای حرفه روانشناس قانونی

۴۷	ساعات کاری و دستمزد یک روانشناس قانونی
۴۸	آنچه از یک روانشناس قانونی انتظار می‌رود
۵۰	تمایز بین ارزیابی قانونی و ارزیابی درمانی
۵۱	انواع مکان‌های شغلی روانشناس قانونی
۵۲	مسئولیت‌های شغلی روانشناس قانونی
۵۳	عمل روانشناس قانونی
۵۶	تعارض
۵۷	ارزیابی‌های صلاحیت
۵۸	ارزیابی‌های سلامت عقل
۵۹	تخفیف در حکم
۵۹	سایر ارزیابی‌ها
۶۰	تلویحات اخلاقی
۶۱	جنبه‌های مثبت و منفی حرفه روانشناسی قانونی
۶۲	روانشناس قانونی جنایی/کیفری: اطلاعات شغلی، وظایف و الزامات
۶۲	اطلاعات شغلی روانشناس قانونی جنایی/کیفری
۶۳	حقوق و دستمزد و اطلاعات رشد شغلی
۶۳	وظایف روانشناس قانونی جنایی/کیفری
۶۴	الزامات روانشناس قانونی جنایی/کیفری
۶۴	الزامات آموزشی
۶۵	دوره دکترای کار روانشناسی قانونی
۶۹	دروس مربوط به دکتری روانشناسی قانونی در امریکا
۷۱	توصیف دروس دکتری روانشناسی قانونی در امریکا
۸۱	راهنمایی‌های کلی‌ بورده روانشناسی امریکا (APA)
۹۲	انجمن بین‌المللی برای روانشناسی قانونی و تأدیبی
۹۳	مجله‌های مرتبط با روانشناسی قانونی
۹۴	لینک‌های مرتبط با روانشناسی قانونی
۹۵	عنوان‌های مرتبط با روانشناسی قانونی
۹۶	فهرست موارد دیوان عالی ایالات متحده فعال در بهداشت روانی
۱۰۵	آزمون تناسب علایق و نیازهای فردی برای حرفه روانشناسی قانونی
۱۰۷	منابع
۱۱۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۱۴	نمایه موضوعی

تعریف روانشناسی قانونی

علاقه به روانشناسی قانونی در سال‌های اخیر افزایش یافته است، در درجه اول، به علت نمایش برنامه‌های تلویزیونی مانند "ذهن‌های جنایی" (Criminal Minds) در غرب که در این برنامه‌ها ترسیم‌کننده‌های نیمرخ کیفری (Criminal profilers) یک توانایی روانی حداکثر برای به دقت و با جزئیات شرح دادن شخصیت و توصیف‌های رفتاری مجرمین و متخلفین "UNSUBs"¹ را دارند. این تصویری غلط از نقشی است که روانشناسان قانونی ایفاء می‌کنند و به سردرگمی در باره اینکه یک روانشناس قانونی چه کسی است، منجر می‌گردد. از آنجائی که روانشناسی قانونی رشته‌ای نسبتاً جدید در حوزه روانشناسی است، هنوز هم در حال رشد است (تایلور وارد، ۲۰۱۳).

اکثر نویسندگان کتاب درسی روانشناسی قانونی، روانشناسی قانونی را به عنوان داشتن یک تعریف گسترده و یک تعریف محدود توصیف می‌کنند. روانشناسی قانونی، که توسط انجمن روانشناسی آمریکا تعریف شده است، استفاده از تخصص‌های بالینی در عرصه قانونی است. این تعریف بر استفاده از روانشناسی بالینی در محیط قانونی تاکید دارد. کریستوفر کرونین (Christopher Cronin) که یک کتاب درسی به خوبی شناخته شده را درباره روانشناسی قانونی نوشته است، آن را به عنوان "استفاده از تخصص‌های بالینی در نهادها و موسسات قانونی و افرادی که در تماس با قانون هستند"، تعریف کرده است، یعنی تاکید مجدد بر استفاده از مهارت‌های بالینی مانند سنجش، درمان و ارزیابی در محیط‌های قانونی. این

¹ - Unknown or Unidentified Subject serials

تعریف به عنوان یک تعریف محدود در نظر گرفته می‌شود. تعریف گسترده روانشناسی قانونی بر استفاده از پژوهش و آزمایش در سایر حوزه‌های روانشناسی، برای مثال روانشناسی شناختی و روانشناسی اجتماعی، در عرصه قانونی است. این شامل استفاده از نتایج مطالعات انجام شده در حوزه‌هایی مانند روانشناسی شناختی در پرسش‌های قانونی است. دو مثال خوب شامل مطالعات زیاد الیزابت لوفتوس (Elizabeth Loftus) در شناسایی شاهدان عینی و پژوهش استفان سی سی (Stephen Ceci) بر روی حافظه کودکان، تلقین پذیری و صلاحیت آنها برای شهادت دادن هستند. کرونین این تعریف را مطرح نمود: "روانشناسی قانونی" (legal psychology) یا "مطالعه علمی تاثیر قانون بر مردم، و تاثیری که مردم بر قانون دارند" (تایلور وارد، ۲۰۱۳).

روانشناسی قانونی تقاطع بین روانشناسی و دستگاه قضایی یا قانون است. روانشناسی قانونی شامل درک اصول قانونی اساسی، به خصوص با توجه به شهادت شهود و حوزه محتوایی خاص مهم (به عنوان مثال، صلاحیت متهم برای محاکمه شدن، حضانت و دیدن فرزند، یا تبعیض در محل کار)، و همچنین ملاحظات اداری قضایی مربوطه (به عنوان مثال، در ایالات متحده آمریکا، تعریف جنون در محاکمات جنایی، از یک ایالت به ایالت دیگر متفاوت است) به منظور توانایی تعامل مناسب با قضات، وکلای مدافع و سایر متخصصان حقوقی است. یک جنبه مهم روانشناسی قانونی توانایی شهادت دادن در دادگاه به عنوان یک شاهد متخصص، فرمول‌بندی مجدد یافته‌های روانشناختی به زبان قانونی دادگاه، ارائه اطلاعات به پرسنل قانونی، به شیوه‌ای بتوانند درک کنند، می‌باشد (نیتزل، ۱۹۸۶). علاوه بر این، به منظور یک شاهد معتبر بودن، روانشناس قانونی باید فلسفه، قوانین و استانداردهای سیستم قضایی را درک کند. درک اولیه، درک سیستم متعارض است. همچنین قوانین مربوط به شواهد شایعات و از همه مهم تر، قانون انحصاری وجود دارند. عدم درک و فهم پایدار این روش‌ها منجر به از دست دادن اعتبار روانشناس قانونی در دادگاه خواهد شود (بلاو، ۱۹۸۴). یک روانشناس قانونی می‌تواند در شاخه بالینی، اجتماعی، سازمانی یا هر شاخه دیگری از روانشناسی آموزش ببیند (خطوط راهنمای اختصاصی برای روانشناسان قانونی، ۲۰۰۷).

روانشناسی قانونی مطالعه ابعاد رفتاری نظام قانونی جامعه و اثرات وضع ظاهر متهم بر قضاوت اعضای هیئت منصفه و ویژگی‌ها و نگرش‌های اعضای هیئت منصفه بر قضاوت آنها است. روانشناسی قانونی هماهنگ کننده نظریات روانشناختی و روانی و بیماری‌شناسی لازم برای اجرای کیفر قانونی است. روانشناسی قانونی به بررسی علل رفتار فردی و تغییر این رفتارها در حیطه قانون می‌پردازد و تلاش می‌کند رفتارهایی که از لحاظ قانونی نابهنجار به شمار می‌روند، را مورد بررسی و تفحص قرار دهد.

روانشناسی قانونی استفاده از روانشناسی در حوزه تحقیقات کیفری و قانون را در بر می‌گیرد. محبوبیت روانشناسی قانونی از لحاظ پدیداری در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است، تا حدودی به دلیل ارائه تصاویر هیجان برانگیز این حوزه در فیلم‌ها و تلویزیون، که همیشه دقیق نیستند. روانشناسان قانونی اغلب نیمرخ‌های جنایی را به تصویر می‌کشند که این نیمرخ‌ها از نظر روانی تقریباً توانایی استنتاج حرکت بعدی یک قاتل را دارند. در واقع، این متخصصان، کار روانشناسی را به عنوان یک علم در نظام عدالت کیفری و دادگاه‌های مدنی انجام می‌دهند (چری، ۲۰۱۴).

به طور کلی، یک روانشناس قانونی به عنوان یک متخصص در یک زمینه خاص مورد بررسی، تعیین می‌شود. تعدادی از حوزه‌های تجربه و تخصص که در آن یک روانشناس قانونی به عنوان یک متخصص توصیف می‌شود، تجربه و اعتبار را افزایش می‌دهد. به طور کلی از عصب روانشناسان قانونی درخواست می‌شود تا به عنوان یک شاهد متخصص برای بحث در مورد مواردی که مسائل مغزی یا آسیب مغزی را در بر می‌گیرند، در دادگاه حاضر شوند. آنها همچنین ممکن است به مسائل مربوط به اینکه آیا فرد متهم از نظر قانونی برای محاکمه شدن صلاحیت روانی دارد یا نه، بپردازند.

سوال‌هایی که از طرف دادگاه از یک روانشناس قانونی پرسیده می‌شوند به طور کلی سوال‌هایی در مورد روانشناسی نیستند، بلکه سوال‌های حقوقی و قانونی هستند و پاسخ باید به زبانی باشد که دادگاه درک کند. برای مثال، یک روانشناس قانونی اغلب از طرف دادگاه برای ارزیابی صلاحیت روانی متهم برای محاکمه شدن، تعیین می‌شود. دادگاه همچنین اغلب

یک روانشناس قانونی را برای ارزیابی وضعیت روانی متهم در زمان ارتکاب جرم تعیین می‌کند. این امر به ارزیابی سلامت عقل یا جنون متهم (که مربوط به مسئولیت کیفری است) در زمان ارتکاب جرم، اشاره می‌کند (گریسو، ۱۹۸۸). این سوال‌ها در درجه اول سوال‌های روانشناختی نیستند بلکه سوال‌های قانونی هستند. بنابراین، یک روانشناس قانونی باید قادر به ترجمه اطلاعات روانشناختی به یک چارچوب قانونی باشد (شاپیرو، ۱۹۸۴).

روانشناسان قانونی ممکن است برای ارائه توصیه‌های صدور حکم، توصیه‌های درمانی یا هر اطلاعات دیگر برای درخواست‌های قاضی از قبیل اطلاعات مربوط به عوامل تخفیف در مجازات، ارزیابی خطر آینده و ارزشیابی اعتبار شاهد، فراخوانده شوند. روانشناسی قانونی همچنین شامل آموزش و ارزیابی پلیس یا سایر پرسنل اجرای قانون، ارائه اجرای قانون با نیمرخ‌های کیفری و سایر شیوه‌های کار با ادارات پلیس می‌باشد. روانشناسان قانونی ممکن است با هر بخشی و در قانون جزا و خانواده کار کنند. در ایالات متحده آنها همچنین ممکن است به نظر و رای هیئت منصفه کمک کنند (اسمیت، ۱۹۸۸).

علت نیاز به روانشناسی قانونی

زمانی که تلاش برای حل و فصل یک مورد کیفری/جنایی صورت می‌گیرد، روانشناسی قانونی گاهی اوقات می‌تواند یک قطعه بسیار مهم این پازل باشد. متخصصان این رشته اغلب قادر به کمک در تضعیف، خنثی و باطل کردن فهرست مشکوک و مظنون، یا حداقل، ارائه انگیزه برای ارتکاب جرم و جنایت هستند. در برخی موارد، هنگامی که تلاش برای محکوم کردن یک مجرم صورت می‌گیرد، شهادت کارشناسانه یک روانشناس قانونی معتبر ممکن است آخرین قطعه از این پازل باشد.

همچنین رشته روانشناسی قانونی بخش بسیار مهمی از پیشگیری از جرم نیز هست. از متخصصان این رشته ممکن است درخواست شود تا برای توانبخشی و بازپروری مجرمان شرکت کنند، برای مثال، کمک به اطمینان حاصل کردن از اینکه آنها شهروندان دائمی و پایدار قانون بشوند. پژوهش در این رشته همچنین می‌تواند به طور دقیق به شناسایی انواع

خاصی از افرادی که ممکن است احتمالاً مرتکب جرم شوند، قبل از اینکه آنها به طور واقعی آن جرم را انجام دهند، کمک کند.

روانشناس معروف در حوزه روان‌شناسی قانونی

تئودور اچ بلو روان‌شناس قانونی، پلیسی و بالینی مشهور بود که در سال ۱۹۷۷ به عنوان رئیس انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) انتخاب شد او یک نویسنده بارور و پرثمر بود و کتاب معروف روان‌شناسی قانونی وی بسیار شناخته شده است. وی پیرو بی اف اسکینر و کلارک بود.

افراد کلیدی در روان‌شناسی قانونی

در ایجاد رشته روان‌شناسی قانونی پنج فرد کلیدی زیر مطرح هستند:

۱- مک کین کاتل (J. Mckeen Cattell): روان‌شناسی شهادت دادن را مورد مطالعه قرار داد.

۲- هوگو مانستربرگ (Hugo Munsterberg): غالباً به عنوان پدر روان‌شناسی کاربردی نامیده می‌شود.

۳- آلفرد بینه (Alfred Binet): کارهای او در زمینه آزمون‌های روان‌شناسی، پایه بسیاری از ارزیابی‌های نوین قرار گرفته است.

۴- ویلیام استرن (William Stern): به پژوهش در زمینه دقت اظهارات شهود پرداخت.

۵- ویلیام مارستون (William Marston): ارتباط بین فشارخون و دروغگویی را کشف کرد (سایت کلینیک الکترونیکی روان‌یار، ۱۳۸۷).

تاریخچه روان‌شناسی قانونی

رمان‌های جنایی، فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی، علاقه‌مندی به روان‌شناسی قانونی را در سال‌های اخیر به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. تعداد برنامه‌های دانشگاهی که به ارائه مدرک دوگانه در روان‌شناسی و حقوق می‌پردازند و تعداد

فارغ‌التحصیلان روان‌شناسی قانونی به طور مداوم رو به افزایش است. با وجودی که روان‌شناسی قانونی تنها چند سالی است که به عنوان یک رشته تخصصی مجزا از سوی انجمن روان‌شناسی آمریکا پذیرفته شده و به رسمیت شناخته شده است اما خاستگاه و ریشه‌های تاریخی این رشته تخصصی به تأسیس نخستین آزمایشگاه روان‌شناسی در آلمان توسط ویلهلم وونت باز می‌گردد (چری، ۲۰۱۴). در زیر به طور خلاصه با رویدادهای عمده و اشخاص کلیدی در این رشته رو به رشد آشنا می‌شویم.

پژوهش‌های اولیه

مک کین کاتل نخستین پژوهش‌ها را در زمینه روان‌شناسی شهادت دادن انجام داده است. او در سال ۱۸۹۵ چند مجموعه پرسش در اختیار دانشجویان دانشگاه کلمبیا قرار داد و از آنان خواست تا ضمن پاسخگویی به پرسش‌ها، میزان اطمینان خود به پاسخ‌هایشان را نیز برآورد کنند. نتایج به دست آمده، نشانگر میزان شگفت‌انگیزی از بی دقتی بود و همین امر سایر روان‌شناسان را ترغیب کرد که به آزمایش‌هایی در زمینه شهادت عینی بپردازند.

آلفرد بینه با الهام از کارهای کاتل، پژوهش او را تکرار کرد و نتایج آزمایش‌های دیگر روان‌شناسی که مربوط به رشته حقوق و دادگاه‌های جنایی بود را مورد مطالعه قرار داد. کارهای او در زمینه آزمایش هوش نیز در توسعه روان‌شناسی قانونی اهمیت به‌سزایی داشته است و بسیاری از ابزارهای ارزیابی که بعداً ساخته شدند بر پایه کارهای او بوده‌اند.

ویلیام استرن نیز موضوع اظهارات شهود را مورد مطالعه قرار داده است. در یک آزمایش از دانشجویان خواسته شد که نظرشان را در مورد دعوای دو همکلاسی که شاهدش بودند به طور خلاصه بنویسند. استرن دریافت که خطا در بین شاهدان بسیار شایع است و چنین نتیجه‌گیری کرد که هیجان‌ات و عواطف باعث کاهش دقت در اظهارات شهود می‌گردد.

استرن (۱۹۳۹) به مطالعه درباره شهادت دادن ادامه داد و پس از مدتی، نخستین مجله علمی در زمینه روان‌شناسی کاربردی را پایه‌گذاری کرد.

روان‌شناسی در دادگاه‌ها

همزمان در اروپا نیز روان‌شناسان به عنوان شاهد خبره در برخی دادگاه‌های جنایی حضور یافتند. در سال ۱۸۹۶ میلادی، روان‌شناسی تحت نام آلبرت فون شرنگک نوتزینگ (Albert von Schrenck-Notzing) در یک دادگاه جنایی درباره تأثیرات تلقین‌پذیری بر شهادت شهود، شهادت داد (برارتول، ۲۰۰۵).

اعتقاد عمیق هوگو مانستربرگ در باره این که روان‌شناسی دارای کاربردهای عملی در زندگی روزمره است نیز در توسعه روان‌شناسی قانونی نقش داشته است. در سال ۱۹۰۸، مانستربرگ کتاب خود تحت عنوان "در جایگاه شهود: کاوش‌ها در روانشناسی و جرم" (On the Witness Stand: Essays in Psychology and Crime) را منتشر نمود و از به کارگیری روان‌شناسی در موضوعات قانونی حمایت کرد. مانستربرگ علیرغم مشارکت‌هایش در این زمینه، مورد استقبال روان‌شناسان دیگر و همچنین جامعه قضایی قرار نگرفته است.

لوئیس ترمن (Lewis Terman)، روان‌شناس دانشگاه استنفورد، در سال ۱۹۱۶ شروع به به کار بستن روان‌شناسی در اعمال قانون نمود. او پس از تجدید نظر در آزمون هوش بینه، از آزمون جدید استنفورد بینه برای ارزیابی هوش متقاضیان کار در حرفه‌های مرتبط با اعمال قانون استفاده کرد.

در سال ۱۹۲۲، ویلیام مارستون (روان‌شناسی که قبلاً دانشجوی مانستربرگ بود) دریافت که فشارخون حداکثر شریانی (سیستولیک)، ارتباطی قوی با دروغ‌گویی دارد. این کشف بعداً به طراحی دستگاه‌های مدرن دروغ‌سنج (polygraph machine) یا تست دروغ‌سنج (Detector test) انجامید.

مارستون در سال ۱۹۲۳ میلادی در مورد دادگاهی فرای بر علیه ایالات متحده (Frye vs. United States) شهادت داد. این مورد قابل توجه است زیرا سابقه‌ای را برای استفاده از شهود متخصص در دادگاه‌ها به وجود آورد. دادگاه فدرال آپیلز (Federal Court of Appeals) تعیین کرد که به طور کلی روش، تکنیک یا ارزیابی، از این

جهت که بتوانند به عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد، باید پذیرفته و مورد قبول واقع شوند (چری، ۲۰۱۴).

پس از جنگ جهانی دوم

توسعه جدی و مهم در زمینه روان‌شناسی قانونی امریکا، پس از جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست. در بسیاری از دادگاه‌ها، روان‌شناسان به عنوان شاهد خبره به ادای شهادت و مشاوره پرداختند و نظر آنان در رأی دادگاه تاثیر گذار گشت. قبل از سال ۱۹۴۰، به روان‌شناسان به عنوان شهود متخصص در دادگاه احترام گذاشته نمی‌شد و پزشکان ترجیح داده می‌شدند. با این حال، در سال ۱۹۴۰ میلادی در مورد دادگاهی مردم بر علیه هاوتورن (People vs. Hawthorne)، دادگاه‌ها حکم صادر کردند که استاندارد برای شهود متخصص بودن در میزان دانش در مورد یک موضوع بود نه در اینکه شهود متخصص مدرک پزشکی داشتند یا نداشتند و عنوان شهود متخصص نسبت به وسعت دانش وی اهمیت کمتری دارد. نقطه عطف مورد دادگاهی براون بر علیه بورد آموزش (Brown vs. Board of Education) در سال ۱۹۵۴، چندین روان‌شناس هم برای شاکیان و هم برای متهمان شهادت دادند. پس از آن، در مورد دادگاهی جنکینز بر علیه ایالات متحده آمریکا (Jenkins vs. United States) در سال ۱۹۶۲، دادگاه‌ها از روان‌شناسانی که به عنوان متخصصان بیماری روانی خدمت رسانی می‌کردند، حمایت نمودند و حکم اینکه روان‌شناسان به عنوان شهود متخصص قابل قبول در دادگاه باشند صادر شد (چری، ۲۰۱۴).

تکامل روان‌شناسی قانونی ظرف سه دهه گذشته ادامه یافته است. افزایش تعداد برنامه‌های دانشگاهی که به ارائه مدرک دوگانه در روان‌شناسی و حقوق می‌پردازند و نیز پیدایش رشته تخصصی روان‌شناسی قانونی، دلیلی بر این ادعاست. در سال ۲۰۰۱، انجمن روان‌شناسی آمریکا رسماً روان‌شناسی قانونی را به عنوان یک رشته تخصصی در حوزه روان‌شناسی اعلام نمود. هم اکنون هفت مجله تخصصی در زمینه روان‌شناسی قانونی تنها در

کشور آمریکا به چاپ می‌رسد (سایت کلینیک الکترونیکی روان‌یار، ۱۳۸۷). فهرست این مجلات در ادامه خواهد آمد.

واحد علوم رفتاری آکادمی اف‌بی‌آی (Behavioral Science Unit (BSU), FBI Academy) با همکاری انجمن روانشناسی آمریکا (APA) و با حمایت دانشگاه پنسیلوانیا، دانشکده هنر و علوم و مرکز سولومن اش برای مطالعه تضاد قومی سیاسی، University of Pennsylvania, School of Arts & Sciences and the Solomon Asch Center for the Study of Ethno political Conflict در ۲۸ فوریه سال ۲۰۰۲ میلادی در کوانتیکو ویرجینیا Quantico Virginia، کنفرانس "مقابله با تروریسم: ادغام نظریه و عمل" (Countering terrorism: Integration of practice and theory) را برگزار کرد. این کنفرانس دانشگاهیان پیشرو و متخصصان خبره در حوزه‌هایی مانند روانشناسی اجتماعی، روانشناسی قانونی و روانشناسی عوامل انسانی، با سازمان‌های مختلف اجرای قانون را گرد هم آورد (پینی زوتو، ۲۰۱۴).

ارتباط روانشناسی قانونی با سایر حوزه‌های علمی

روانشناسی و پزشکی قانونی در مراحل رشد و تحول خود به اهداف یکدیگر نزدیک شده‌اند. در واقع هر دو رشته با مساله انحراف اجتماعی سر و کار دارند که موجب ایجاد امنیت در جامعه می‌شوند. هر چه نظرات کارشناسی پزشکان قانونی علمی‌تر باشد نتایج برای مراجع قضایی نیز مفیدتر خواهد بود. بسیاری از پرونده‌های مالی و جنایی با مسائل روانشناسی مرتبط است و بسیاری از مجرمان می‌خواهند با استفاده از رفتارهای جنون‌آمیز از جرم‌های خود فرار کنند که در این زمینه خلاءهای قانونی نیز در مبحث مسائل روانی پزشکی قانونی وجود دارد (توقیفی، ۱۳۹۱).

روانشناسی قانونی در حیطه روانشناسی با روانشناسی اجتماعی، روانشناسی جنایی، روانشناسی قضایی، روانشناسی زندانبانی، روانشناسی شخصیت، روانشناسی کودک و غیره

ارتباط دارد. همچنین در سایر حوزه‌ها با علوم اجتماعی، آسیب‌شناسی اجتماعی، جرم‌شناسی روانی، پزشکی و روانپزشکی ارتباط نزدیک دارد (دانشنامه رشد، ۱۳۸۹).

روانشناسی اجتماعی

روانشناسی اجتماعی مطالعه موضوعات، مشکلات و مسایل مرتبط با روانشناسی و جامعه است. روانشناسی اجتماعی ارتباط مستقیمی هم با روانشناسی و هم با جامعه‌شناسی دارد. این رشته تأثیر متقابل فرد با گروه یا جامعه را بررسی می‌کند. روانشناسی اجتماعی اثری را که جامعه یا گروه بر فرد باقی می‌گذارد مورد مطالعه قرار می‌دهد. روان‌شناسی اجتماعی علاقمند است بداند چگونه هر یک از اعضای جامعه از محرک‌های محیط اطراف تأثیر می‌پذیرند. به رفتارهایی که مخالف با قوانین جامعه است رفتار جنایی گفته می‌شود. رفتار جنایی خود نوعی رفتار اجتماعی است. رفتارهای اجتماعی بر اساس لیست بی‌پایانی از متغیرها شکل می‌گیرند. تعداد زیادی عوامل مخصوص وجود دارد که تعاملات اجتماعی را به وجود می‌آورند. این عوامل به طور کلی در پنج دسته اصلی جای می‌گیرند: ۱- رفتار و منش افراد دیگر. ۲- شناخت‌های اجتماعی یعنی افکار، نگرش‌ها و حافظه‌ی ما در مورد افرادی که در اطراف ما هستند، ۳- متغیرهای بوم‌شناختی که به طور مستقیم و غیر مستقیم شامل محیط فیزیکی می‌شوند، ۴- زمینه‌های فرهنگی اجتماعی که هنگام رفتار اجتماعی رخ می‌دهد و ۵- جنبه‌های ماهیت زیست‌شناختی افراد که مربوط به رفتار اجتماعی می‌شوند. روان‌شناسان اجتماعی درگیری فزاینده‌ای در مطالعه مسائلی دارند که از دستگاه‌های قانونی و نظام‌های دادرسی سرچشمه می‌گیرد. در این حیطه روان‌شناسان اجتماعی به فرایند محاکمه، روانشناسی شهادت، اعتراف و غیره پرداخته‌اند. همچنین در فرایند طرح و اجرای مقررات اجتماعی برای مثال مقررات راهنمایی رانندگی از یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی استفاده بهینه‌ای به عمل آمده است (دانشنامه رشد، ۱۳۹۳، دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، ۱۳۹۳).

روان‌شناسی جنایی

روانشناسی جنایی علم مطالعه‌ی شخصیت تبهکار و شناخت دلایل و انگیزه‌های تبهکاری است که این دلایل و انگیزه‌ها به شیوه‌های جامعه‌پذیری، اجتماعی شدن، تجربه‌های دوران کودکی و محیط زندگی و همچنین نقش ژنتیک و اختلال‌های روان‌شناختی در ایجاد شخصیت فرد تبهکار در هنگام اعمال جرم اشاره می‌کند. روانشناسی جنایی مطالعه‌ی علمی رفتار جنایی و فرایندهای ذهنی‌ای که در ارتکاب جرم نقش دارند، است. موضوع روانشناسی جنایی با توجه به مسائل کلی‌تر روانشناسی عمومی، روانشناسی بالینی، روانکاو، روانپزشکی مطالعه‌ی چگونگی تشکیل شخصیت مجرم و علل و انگیزه‌های آن‌ها به هنگام وقوع جرم می‌باشد. کار کردن در ارتباط با روانشناسان جنایی می‌تواند نیمرخ‌های موثرتری از مجرم را ارائه دهد (گادوین، ۲۰۰۰).

روانشناسی جنایی، دانشی است که در مورد قضاوت کیفری کاربرد دارد. روانشناسی جنایی، یک قسمت از این سوال را که چرا آدمی مرتکب جرم می‌شود و بر علیه گروه و جامعه خود طغیان می‌کند جواب می‌دهد. روانشناسی جنایی نیروی فراست قضاوت و دیگر پژوهندگان را رشد می‌دهد و به درک قوانین و یافتن محتوای ظریف و دقیق آن یا فهم روح قانون مساعدت می‌نماید. روانشناسی جنایی به شناخت منش فرد تبهکار، تشخیص رفتارهای ضداجتماعی او و ارزیابی عوامل نهادی و اکتسابی چنین گرایشی و سیر تکوینی آن از قوه تا به فعل اکتفا نمی‌کند بلکه راه‌گشای بشردوستان در پرورش درمانی و بازسازی اجتماعی مجرم خواهد بود. روانشناسی جنایی به مسئولان عالی مقام کشور در تدوین سیاست جنایی که از تنظیم سیاست کلی کشور جدا نیست یاری می‌دهد. برای قانون‌گذاران، پدران و مادران، مدیران و مسئولان و متصدیان امور اجتماعی مفید است زیرا در تجزیه و تحلیل مشکلات و دستیابی بر عوامل تشکیل دهنده آن، طرق مناسب علمی و عملی را توصیه می‌کند. شناخت منش فرد تبهکار، تشخیص گرایش‌های رفتار ضداجتماعی در آدمی و ارزیابی عوامل نهادی و اکتسابی چنین گرایشی و سیر تکوینی آن از مرحله قوه تا به فعل، ارزیابی میزان مسئولیت و خودآگاهی در ارتکاب جرم و نقش ناخودآگاهی در فقدان یا زوال مسئولیت کیفری، پرورش

درمانی مجرم و نوسازگاری اجتماعی او و رفع حالت خطر از تبهکاران خطرناک و تشکیل اداره بازداشتگاه‌ها و سازمان‌های نوپرووری و نوتوانی و بهسازی روانی بزهکار، تدوین برنامه بهداشت جنایی، توسعه بینش و تقویت حس تشخیص و درک متصدیان امور کیفری و غیره از رسالت‌های مهم روان‌شناسی جنایی است. روان‌شناسی جنایی با تحقیق درباره کیفیت تشکیل شخصیت جنایتکاران و یافتن علل و موجبات بروز جرم، خاصه عوامل روانی جرم‌زا، به پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرم می‌پردازد و در تامین سعادت فردی و اجتماعی نقش مهمی بر عهده دارد. روان‌شناسی جنایی از جرم‌شناسی روانی و روان‌شناسی قضایی متمایز است. روان‌شناسی جنایی در مقام شناخت عوامل روانی موثر در بروز تبهکاری است. یکی از موثرترین وسایل برای نیل به این هدف توسط روانکاوی است. از این رو در میان بزه‌شناسان که درباره تبهکاران و جنایتکاران به تحقیق علمی روانی می‌پردازند طرفداران توجیه و تبیین تبهکاری به مدد روانکاوی زیاد هستند. روانکاوان در این نقطه وحدت نظر دارند که ریشه تبهکاری مشکل هیجانی ناخودآگاه است. سائق‌ها یا فشارهای نهاد یا او با زندگی اجتماعی سازگار نیستند تا مهار شوند و در مجرای صحیحی به جریان افتند یا از نظر اجتماعی به گونه‌ای قابل قبول درآیند تا این که شخص بتواند در زندگی اجتماعی شرکت جوید. من برتر، تجسم ارزش‌های اخلاقی جامعه است و سائق‌ها که جایگاه آنها در او است تحت نفوذ من برتر به وسیله من هدایت می‌شوند و بدین ترتیب که من قوی آنها را به عقب می‌راند و به ناخودآگاه پس می‌زند. جنایتکار فردی است که موفق نشده است به طور کافی بر سائق‌های خود استیلا یابد، یا آنکه توفیق نیافته است آنها را به صورت رفتارهای قابل قبول اجتماعی توسعه و اعتلا دهد. پس رفتار جنایی می‌تواند بیان مستقیم نیازهای غریزی باشد یا بیان سمبولیک تمایلات سرکوفته باشد یا عاقبت کار من ضعیف باشد که در اثر کشاکش‌های بین خواسته‌های متناقض او و من برتر از دو سو تحت فشار قرار گرفته است. تشخیص حالت خطرناک اعم از مزمن یا قریب الوقوع، یا آگاهی فرد برای ارتکاب جنایت یا تکرار جرم، سنجش ظرفیت جنایی بزهکار از راه شناخت و ارزیابی مولفه‌های هسته مرکزی شخصیت جنایی یعنی خصایل چهارگانه خودمداری یا خودبینی، نوانی یا ناپایداری یا گهگیری، پرخاشگری یا بی تفاوتی

عاطفی از یک سو و بررسی میزان قابلیت انطباق و سازگاری تبه‌کار با جامعه از سوی دیگر که از مباحث جرم‌شناسی بالینی، منحصرأ از موضوعات مهم روان‌شناسی جنایی است. چون تشخیص حالت خطرناکی بزه‌کار و ارزیابی میزان اصلاح‌پذیری او با روان‌شناسی جنایی است از این رو مطالعه سوابق بزه‌کار اعم از سوابق اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی، شغلی، ازدواج، طلاق، فرزندان، سوابق بیماری و سوابق کیفری با مراجعه به شناسنامه کیفری و پرونده‌های جنایی او کاملاً ضرورت دارد بخصوص اگر پرونده‌ها متضمن پرونده شخصیت بزه‌کار یعنی حاوی خصوصیات روانی یا نیمرخ روانی و خصوصیات اخلاقی او باشد. روان‌شناسی جنایی در شناخت شخصیت و ارزیابی نقش روان آگاه و روان ناآگاه در ارتکاب عمل جنایی و درمان و احیای تبه‌کاران و بازگشت آنان به سوی زندگی شرافت‌مندانه و همکاری اجتماعی و گام برداشتن در صراط مستقیم از راه دگرگونی روانی و به‌گرایی، نقش اساسی بر عهده دارد. روان‌شناسی جنایی دانشی است که هم به عدالت و هم به انسان توجه دارد. روان‌شناسی جنایی در اخلاق فردی تأثیر می‌نهد و آدمی را منصف بار می‌آورد و او را بر آن می‌دارد تا به شخصیت دیگران احترام گذارد و روابط عاطفی و معقول با هموعان برقرار سازد (کی‌نیا، ۱۳۷۴). اهداف روان‌شناسی جنایی شامل موارد زیر هستند:

۱- اولین هدف روان‌شناسی جنایی شامل موضوع آن یعنی مطالعه و شناخت شخصیت مجرمان و علل و انگیزه‌های آن‌ها به هنگام وقوع جرم می‌شود. این خود سبب هدف بعدی روان‌شناسی جنایی که در ادامه آمده است می‌شود.

۲- پیشگیری از وقوع احتمالی جرم به منظور کاهش تکرار جرم توسط افراد دیگر و همچنین تکرار جرم توسط مجرم فعلی که خود شامل موارد زیر می‌شود: الف- بازسازی، بازپروری و درمان مجرمان، ب- بازپذیری اجتماعی و ادامه‌ی درمان مجرمان، و پ- سعی در برطرف نمودن عوامل اجتماعی مولد جرم. این سه مورد باید همزمان و به موازات هم به وسیله‌ی حمایت سازمان‌های مسئول اجرا شوند.

۳- کمک به مراجع قضایی برای به وجود آوردن قوانین جدید با توجه به مسائل اجتماعی، روانشناسی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و بین‌المللی برای بهبود نسبی وضعیت جرم‌خیزی جامعه و مجرمین.

اهمیت شهادت و نقش روانشناسی در تعیین ارزش و اعتبار شهادت، حافظه شاهد عینی و ادای شهادت، حافظه شهود عینی در سطح دریافت‌های حسی و ادراک داده‌ها، عوامل مؤثر بر یادآوری رویدادها، ارزشیابی‌های روانشناختی شرایط ادای شهادت، فرایند بازپرسی‌ها، بحث دوگانه صحت (دوری از اشتباه) و صداقت (احتراز از دروغ) شاهد از دیدگاه روانشناختی، ارزشیابی اظهارات شهود و ارزشیابی اعتبار شاهد در بحث صحت و صداقت، نقش تجربی، بالینی، آماری و مشورتی روانشناس به عنوان کارشناس در دادگاه از جمله مسائل مورد توجه در رشته روانشناسی جنایی می‌باشند (دادستان، ۱۳۸۲، دلخوش، ۱۳۸۳).

روانشناسی جنایی با رشته‌های انسان‌شناسی جنایی (علم مطالعه‌ی ویژگی‌های جسمانی و اعمال و اعضای بدن در هنگام وقوع جرم)، زیست‌شناسی جنایی (علم بررسی جنبه‌های ژنتیک، سنخ‌شناسی زیستی و اثرات هورمون‌ها در هنگام ارتکاب جرم)، جامعه‌شناسی جنایی (علم مطالعه جمعیت، نژاد، محیط و علل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جرم مجرم، و علم زندانبانی یا کیفر‌شناسی (علم شناخت جرم و رده بندی آن و مدیریت زندان‌ها و فضاهای تأدیب و بازپروری مجرمین) همپوشی دارد.

روانشناسی قضایی

روانشناسی قضایی قلمروی وسیع‌تر از روان‌شناسی جنایی دارد. روان‌شناسی قضایی شاخه‌ای از روان‌شناسی است که عوامل خودآگاه و ناخودآگاهی را که ممکن است در همه افراد در دعوی جنایی تأثیر داشته باشند، بررسی می‌کند. روانشناسی قضایی به مطالعه‌ی رفتارهای متهمان، شاهدان، تماشاگران و دیگر افراد حاضر در جلسات دادگاه و جلسات بازپرسی قبل از دادگاه می‌پردازد. روان‌شناسی قضایی یا حقوقی در رفتار قاضی، متهم، مدعی، دفاع، شاهد، جامعه و اوضاع و احوال گوناگونی که در نظر و استدلال و رأی قاضی مؤثرند

مطالعه می‌کند همچنین، به مطالعه عوامل روانی که متهم را به پنهان کردن حقیقت یا درخواست ترحم و تخفیف مجازات وامی‌دارد و مطالعه رأی عامه مردم و جرایم می‌پردازد (شعاری نژاد، ۱۳۹۱). روان‌شناسی قضایی در تمام شئون قضایی رسوخ دارد. هدف کشف آن حقیقت و تشخیص و تفکیک راست از دروغ است و می‌کوشد با دقیق‌ترین تجزیه و تحلیل علمی و روان‌شناختی دروغ را تعریف کند و بر ارکان آن دست یابد و در پرتو آن میزانی برای ارزیابی علمی دلایل شهادت و اقرار بدست آورد تا حکم عدالت اعم از محکومیت یا برائت مبنایی استوار و خدشه‌ناپذیر داشته باشد (ویلا، ۱۳۸۹). روان‌شناسی قضایی علمی جدید و کاربردی در امور قضایی و پلیسی است. این علم به دست اندرکاران کشف جرائم کمک می‌کند تا مراحل دادرسی و بازجویی را به درستی هدایت کنند و با ارائه‌ی روش‌های نوین علمی از به کارگیری روش‌های خشن و غیر انسانی پرهیز کنند. روان‌شناسی قضایی همچنین این امکان را به متصدیان امور قضایی می‌دهد تا با شناخت تیپ‌های شخصیتی اصلی و مسلم افراد و فرایند استدلال آنها راهی نو به سوی حقیقت بگشاید (امینی، ۱۳۹۱).

حیطه‌های فعالیت روان‌شناسان قضایی شامل موارد استعمال و کاربرد روان‌شناسی در قضاوت، ویژگی روان‌شناسی عملی در قضاوت، روش‌های مختلف بازجویی، کاربرد آزمون‌های مختلف روان‌شناسی در قضاوت، موضوع و هدف آزمایش‌های روان‌شناختی، کیفیت کاربرد و موارد استعمال، روان‌شناسی شهادت و شاهدان عینی، انواع اصلی شاهدان، روان‌شناسی متهمین و بازجویی، روان‌شناسی بزهکاران و تیپ‌های جنایی، شناخت شخصیت جنایی، تعیین و شناخت تیپ‌های جنایی هستند (گورف، ۱۳۸۳، امینی، ۱۳۹۱).

روانشناسی زندانبانی

روانشناسی زندانبانی با به وجود آوردن برنامه‌های تغییر رفتار به اصلاح و تربیت محکومین می‌پردازد و آنها را برای بازگشت به محیط اجتماعی و زندگی مطلوب‌تر آماده می‌کند (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، ۱۳۹۳).

علوم اجتماعی

علوم اجتماعی به گروهی از رشته‌های دانشگاهی گفته می‌شود که به مطالعه جنبه‌های اجتماعی انسان می‌پردازند. علوم اجتماعی بخشی از علوم انسانی است که به بعد اجتماعی انسان می‌پردازد. برخی از علوم اجتماعی عبارتند از جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی، جغرافیای انسانی، اقتصاد، مدیریت و علوم ارتباطات اجتماعی. روانشناسی قانونی با حوزه‌های علوم اجتماعی ارتباط دارد (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، ۱۳۹۳).

آسیب‌شناسی اجتماعی

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌گردد. به همین دلیل، کجروان سعی دارند کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان کنند زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند. آسیب اجتماعی در مفهومی مترادف با کجروی به کار می‌رود. آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه آسیب‌های وارد شده به جامعه و گروه‌های انسانی است. آسیب‌شناسی اجتماعی شاخه‌ای در روانشناسی اجتماعی و علم مطالعه و بررسی ریشه‌های بی‌نظمی اجتماعی، درد، و نابسامانی‌های آن و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن است. آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه خاستگاه اختلال‌ها و بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی است. آسیب‌های اجتماعی شامل انحرافات اجتماعی نیز می‌شود. آسیب‌شناسی اجتماعی عبارت است از شناخت علمی اختلالات، بی‌نظمی‌ها و مشکلات اجتماعی و موضوع این علم دردها، نابسامانی‌ها، جرایم و جنایات، فقر، اعتیاد، فحشا، الکلیسم، خودکشی‌ها، خصومت طبقات و گروه‌های اجتماعی است که بر اساس مدرک و معیار معین آن را انحراف یا کجروی خوانده‌اند (لبافیان، ۱۳۹۲).

آسیب‌شناسی اجتماعی با رشته علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی ارتباط دارد. آسیب‌شناسی اجتماعی عمدتاً به عنوان یک شاخه میان رشته‌ای معرفی می‌شود، اما در واقع یکی از مباحث اساسی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. آسیب‌شناسی اجتماعی ارتباط بسیار نزدیکی با علوم پزشکی، حقوق و روانشناسی دارد. از آنجایی که عمل فردی و روانی نقش بسزایی در بروز جرم و انحراف دارند، آسیب‌شناسی اجتماعی از ارتباط نزدیکی با روانشناسی بهره می‌برد و تلاش می‌کند در یافته‌ها و دیدگاه‌های روانشناسی برای بررسی‌های خود استفاده کند. یافته‌های روانشناسی اجتماعی نیز کمک‌های شایان توجهی در نظریات مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی دارد. در برخی از پدیده‌ها نظریات مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی در کنار اطلاعات پزشکی و اطلاعات روانشناختی قرار می‌گیرند (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، ۱۳۹۳). آسیب‌های اجتماعی پدیده‌هایی واقعی، متغیر، قانونمند و قابل کنترل و پیش‌گیری، متنوع، نسبی و متغیر هستند. در آسیب‌شناسی اجتماعی، رابطه متقابل بین طبقات ناهنجار، از مهم‌ترین واقعیت‌ها است (لبافیان، ۱۳۹۲).

جرم‌شناسی روانی

سه علم جرم‌شناسی زیستی (زیست‌شناسی کیفری/جنایی)، جرم‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی کیفری/جنایی)، و جرم‌شناسی روانی (روان‌شناسی کیفری/جنایی) از علمی هستند که در شناخت شخصیت و روان، محیط زندگی و ویژگی جسمی بزهکار به جرم‌شناسی بهره می‌رسانند و ساختار جرم‌شناسی را تشکیل می‌دهند. جرم‌شناسی روانی خصوصیات روانی بزهکاران از قبیل اختلالات رفتاری، شخصیتی و بیماری‌های روانی آنها را مطالعه می‌کند. جرم‌شناسی روانی خصوصیات روانی بزهکار شامل هوش، استعداد، کمبودهای روانی بزهکار، جهت‌شناخت شخصیت او و ارائه روش‌های درمان برای ناسازگاری‌های شخصیتی و روانی وی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

شیخ (۱۳۹۲) طی انجام یک پژوهش به روش سیستماتیک با تأکید بر تحلیل و توصیف موضوعی اصول حقوقی و نظریات علمی و پزشکی به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای، و استفاده از

دیالکتیک نظری در میان دکترین‌های موجود گزارش داد که در اغلب بیماری‌های روان‌تنی ریشه‌های مشترک "گناهان سرکوب شده" و "خصومت" به عنوان عامل اصلی بروز بیماری حضور دارند که در این گونه موارد می‌توان از هیپنوتراپی برای ایجاد محیطی متعادل و موزون در درون خسته بیمار استفاده کرد و بسیاری از بیماران پس از دست‌یابی به این مرحله، بهبودی می‌یابند. در یک طرف این اختلالات روان‌تنی، فشار نیروی متقابل روان‌ناآگاه قرار دارد که با از بین بردن آن می‌توان تعادل درونی را دوباره برقرار کرد و در این حالت یا بیماری روان‌تنی از بین می‌رود و یا شدت آن به میزان بسیار زیادی کاهش می‌یابد.

شیخ (۱۳۹۲) طی انجام یک پژوهش توصیفی تحلیلی و به شیوه مطالعه میدانی بر روی ۳۰ فرد مرتکب جرایم جنسی گزارش داد که حدود ۶۵ درصد از این اشخاص نشانه‌های اختلالات روان‌تنی را در خود مشاهده می‌نمایند. بیش از ۷۰ درصد این افراد، اختلالات روان‌تنی را موثر در ارتکاب جرایم خویش دانستند. در حدود ۵۳ درصد این افراد علایم استرس، ۴۳ درصد اضطراب، ۱۵ درصد آسم، ۴۰ درصد فشارخون و ۱۵ درصد دیابت را در خود شناسایی نمودند. وی نتیجه‌گیری نمود که اختلالات روانی موجود در مجرمین، محرک اصلی آنان به سوی ارتکاب جرایم جنسی می‌باشد، لذا لزوم تدوین قوانین حمایتی مناسب در راستای توان بخشی مجرمین و فراهم نمودن امکانات مالی و پزشکی مورد نیاز در جهت درمان افراد مبتلا به اینگونه اختلالات روانی احساس می‌شود.

رشته جرم‌شناسی روانی به مطالعه علل اعمال ناخودآگاه و تظاهر آنها و شناسایی وجدان آگاه و ناخودآگاه و در نهایت با در نظر گرفتن جنبه‌های روانی بزهکار برای تشخیص بیماری و رفتار بزهکارانه، به بررسی واکنش‌های بزهکار می‌پردازد تا به کشف واقعیت جنایی و علت جرم نائل آید. این علم بیشتر به مدد روانکاوی و روانپزشکی، و با استفاده از آزمون، به علل رفتارهای جنایی و یا ناسازگاری افراد توجه، و سعی در شناخت انگیزه‌های روانی این ناهنجاری‌ها دارد. از متفکران نامدار این رشته گملی (Gemelli) استاد دانشگاه کاتولیک میلان است (مظلومان، ۱۳۵۳، رحیمی نژاد، ۱۳۷۸، شامبیاتی، ۱۳۸۲، کی‌نیا، ۱۳۸۲).

حیطه‌های مرتبط با روانشناسی قانونی

روانشناسی قانونی حاوی ۳ زیر رده بچه‌خواهی، دروغ‌یابی و سایکوپاتی است. سایکوپاتی دارای سه زیر رده اختلال شخصیت ضد اجتماعی، جرم‌شناسی و دروغ‌یابی می‌باشد (ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، ۲۰۱۴). روانشناسی قانونی حیطه‌ها و موضوعات زیر را در بر می‌گیرد:

- ارزیابی قانونی در حوزه کیفری و مدنی
- شناسایی شاهدان عینی
- تحقیقات پلیس، بازجویی‌ها و اعترافات
- روانشناسی تأدیبی
- روانشناسی، قانون و سیاست عمومی
- مسائل اخلاقی و حرفه‌ای (روش، زاف و هارت، ۲۰۰۹).

حوزه‌های روانشناسی قانونی

روانشناسی قانونی تقاطع بین روانشناسی و قانون تعریف شده است. اما روانشناسان می‌توانند نقش‌های زیادی را ایفاء کنند بنابراین این تعریف می‌تواند تنوع پیدا کند. در بسیاری از موارد، افراد مشغول به کار در روانشناسی قانونی لزوماً "روانشناسان قانونی" نیستند. این افراد ممکن است روانشناسان بالینی، روانشناسان مدرسه، متخصصین اعصاب یا مشاورانی باشند که تخصص روانشناختی خود را برای ارائه شهادت، تجزیه و تحلیل یا توصیه و پیشنهادها در موارد قانونی یا جنایی / کیفری به کار می‌گیرند. به عنوان مثال، یک روانشناس بالینی ممکن است خدمات بهداشت روانی مانند ارزیابی، تشخیص و درمان را برای افرادی که در تماس با نظام عدالت کیفری هستند، فراهم کند. از متخصصین بالینی ممکن است خواسته شود تا تعیین کنند که آیا یک مجرم دچار سوء ظن از یک بیماری روانی رنج می‌برد، یا ممکن است از آنها خواسته شود تا درمان را به افرادی که از سوء مصرف مواد و مسائل اعتیادی رنج می‌برند ارائه دهند. یک مثال دیگر یک روانشناس مدرسه است. در حالی که افراد در این حرفه به طور

معمول با کودکان در محیط‌های مدرسه کار می‌کنند، یک روانشناس مدرسه شاغل در روانشناسی قانونی ممکن است کودکان را برای موارد مشکوک به آزار و سوء استفاده ارزیابی کند، به آماده سازی کودکان برای شهادت دادن در دادگاه کمک کند یا در اختلافات و مشاجرات حضانت فرزند شهادت دهد.

برخی از اقداماتی که به طور معمول در روانشناسی قانونی انجام می‌گیرد عبارتند از:

- ارزیابی‌های صلاحیت روانی متهم برای محاکمه شدن (Competency evaluations)

- توصیه‌های محکومیت (Sentencing recommendations)

- ارزیابی خطر تخلف مجدد مجرم (Evaluations of the risk of reoffending)

- شهادت به عنوان یک شاهد متخصص (Testimony as an expert witness)

- ارزیابی‌های حضانت فرزند (Child custody evaluations)

مطابق با نظر روبرت جی گریگوری (Robert J. Gregory) در کتاب بررسی

روانشناختی: تاریخچه، اصول و کاربرد، نقش‌های اصلی یک روانشناس در سیستم دادگاه

شامل هشت مورد زیر هستند:

• ارزیابی تمارض احتمالی

• ارزیابی وضعیت روانی برای ادعای جنون

• صلاحیت روانی متهم برای حضور در جلسات محاکمه

• پیش بینی خشونت و ارزیابی خطر

• ارزیابی حضانت فرزند در طلاق

• ارزیابی آسیب‌های شخصی

• تفسیر داده‌های پلی گراف/نسخه برداری

• ارزیابی قانونی تخصصی شخصیت

مباحث مرتبط با روانشناسی قانونی

مباحث مرتبط با روانشناسی قانونی شامل موارد زیر هستند:

- انحراف اجتماعی
- بزهکاری و جرم
- پزشکی قانونی
- جامعه‌شناسی جنایی
- جرم‌شناسی
- جرم‌شناسی روانی
- دروغ‌سنج
- روانپزشکی
- روانشناسی
- روانشناسی اجتماعی
- روانشناسی تبلیغ
- روانشناسی جنایی
- روانشناسی قضایی
- یادگیری اجتماعی

دادگاه و روان‌شناسی قانونی

یافته‌های روانشناسی کاربرد گسترده‌ای در حوزه عملکرد دادگاه پیدا می‌کنند. هر چند برخی از این یافته‌ها روابط مستقیمی با مسائل قانونی ندارند اما در اکثریت این مسائل چنین روابطی را می‌توان مشاهده کرد. بررسی اظهارات شاهدین، اعترافات و دفاع‌های متهم از دیدگاه روانشناسی شکل دیگری می‌تواند به خود بگیرد. در این راستا در اکثر جوامع از متخصصین روانشناسی و روانپزشکی برای همین موارد استفاده می‌شود. این متخصصان می‌توانند کمک شایان توجهی در تعیین رای نهایی داشته باشند.

پدیده دروغ و روان‌شناسی قانونی

یکی از مسائل مورد توجه در حیطه مسائل مربوط به روانشناسی قانونی مساله دروغ است. این پدیده که تنها به حوزه قانون و مقررات دادگاهی مربوط نمی‌شود و بطور شایعی در روابط عادی انسان‌ها دیده می‌شود گاه برای تعیین یک تکلیف حقوقی بسیار حائز اهمیت و قابل توجه می‌نماید. بر این اساس تعیین علائم دروغ و بررسی صحت و سقم مسائلی که در دادگاه مطرح می‌شود مهم است. در حیطه روان‌شناسی شاید شگردهای مختلفی وجود داشته باشد که در جریان مصاحبه مورد استفاده قرار می‌گیرد. معتبرتر از این شگردها، آزمون‌های مختلفی است که با تکیه بر شواهد بدنی به تعیین احتمال دروغ در افراد می‌پردازد.

یکی از این آزمون‌ها ابزار است به نام دروغ‌سنج که از روی تغییرات فیزیولوژیک بدنی که از طریق الکترودهایی که در نقاط مختلف بدن کار گذاشته می‌شود صحت سخنان فرد مورد نظر را تعیین می‌کند. این دستگاه به تغییراتی چون تغییرات گالوانیکی پوست حساس است. امروزه با تحقیقات مختلفی که در این زمینه صورت گرفته پیشرفت‌های مختلفی در استفاده از ابزارهای پیشرفته‌تر بدست آمده است. به طوری که تلاش شده است تا انتقادات وارده بر استفاده از این ابزار را تا حدی مرتفع سازد. بدیهی است یافته‌های روانشناسی، مثلاً در حوزه روانشناسی فیزیولوژیک، روانشناسی احساس و روانشناسی ادراک و غیره بیشترین کاربرد را در این زمینه داشته است.

اعتراف و روان‌شناسی قانونی

وادار کردن افراد به بیان آنچه به صورت ارادی از آن امتناع می‌کنند کار بسیار دشواری است. در این راستا یافته‌های روانشناسی به کمک بازپرسان، اعتراف‌گیران و غیره آمده است. هر چند به نظر می‌رسد اعمال زور و خشونت بدنی می‌تواند ساده‌ترین نوع اعتراف‌گیری باشد که نیاز چندانی هم به تخصص روانشناختی ندارد. اما با توجه به قوانین حقوق بشر، حتماً راه‌های دیگری باید باشد که چندان خشونت بار به نظر نرسد. روان‌شناسی با در نظر گرفتن

آستانه تحمل افراد در زمینه‌های مختلف، مواردی که می‌تواند برای افراد از لحاظ روان‌شناختی آزار دهنده و غیر قابل تحمل باشد را شناسایی کرده است.

یافته‌های روانشناسی نشان می‌دهند که بی‌خواب گذاشتن افراد به مدت معینی چارچوب اراده افراد را درهم می‌شکند و بازداری آنها را کاهش می‌دهد. همچنین ایجاد شرایط محرومیت حسی که در آزمایش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته بسیار برای فرد آزاردهنده و غیر قابل تحمل است. در این حالت فرد در فضایی قرار داده می‌شود که هیچگونه احساس شنوایی، بینایی و لمس در او تحریک نشود. این حالت برای اکثر آزمودنی‌ها غیر قابل تحمل بوده، بطوری که حاضر شدند از وجه قابل توجهی که در صورت تحمل چنین حالتی به آنها پرداخت می‌شد، چشم پوشی کنند.

اقرار متهم به جرم انواع مختلفی دارد و به شرح زیر هستند:

- اقرار به خاطر رهایی: این اقرار تابع یک ضرورت است و آن تسلیم در مبارزه با بازجوست، که فوق العاده خسته کننده و موجب اضطراب و پریشانی است. تردید سوهان روح است و آدمی را بیش از یک اطمینان مصیبت آمیز به تحلیل می‌برد. دغدغه خاطر برملا شدن راز بیش از یقین آدمی را عذاب می‌دهد. اقرار نتیجه‌ای جبران ناپذیر دارد که به جنجال و آشوب اضطراب آور انتظار پایان می‌دهد.

- اقرار بر اثر ندامت: ریشه اخلاقی هیجانی دارد. ندامت حالت تائیری است که توبه را در پی دارد و آن رنجی است که موجب توبه می‌شود. توبه کاشف از یک احساس اخلاقی است، ندامت مبین یک احساس هیجانی است.

- اقرار آخرین برگ برنده متهم برای تخفیف جرم است.

- اقرار با نیاز به توضیح: این اقرار برای رهایی نیست، متهم جرم خود را بیان می‌کند تا با توضیحاتی آن را انسانی جلوه دهد و از شدت آن بکاهد. این هدف تخفیف جویی احتمال صداقت را تقلیل می‌دهد.

- اقرار و منطق: یک متهم با هوش به بیهودگی برخی انکارها پی می‌برد و این خطر را هم احساس می‌کند که در نتیجه افکار بی جا نتواند از وسایل دفاعی خود بجا استفاده کند.

- اقرار و غرور: گاهی همراه با بروز احساسی بجا و انگیزه آن علو طبع است و گاهی ناشی از خودستایی مرضی است.
- اقرار ناشی از امید یا ترس: امید به بهبود یافتن وضع و ترس از بدتر شدن آن در برخی‌ها به اقرار منجر می‌شود.
- اقرار برای نجات یک یا چند نفر دیگر
اقرارهای نادرست نیز وجود دارند که در موارد زیر مشاهده می‌شوند:
 - بیماران روانی: افراد مبتلا به مالیخولیا و هذیان گناهکاری که به جرم خیالی اقرار می‌کنند.
 - اقرار دروغین برای رنج کشیدن یا مردن: در خود متهم سازان (مازوخیسم یا آزار خواهی) مشاهده می‌شود.
 - اقرار دروغ بر اثر تلقین: اقرار این افراد در حافظه‌شان مانند یک خاطره حقیقی جای مخصوصی پیدا می‌کند که در فواصل طولانی، گاه با جزئیات دقیق آنها را شرح می‌دهند.
 - اقرارهای دروغین مآخوذ به اجبار: بر اثر تحریک و تهدید و یا ضرب و شتم صورت می‌گیرد.
 - اقرار دروغ برای حفظ دیگری
 - اقرارهای دروغ با نظر سودجویی
 - اقرار دروغ با هدف دفاعی: دوستی سرقت می‌کند و اثر انگشت ایکس × را با هماهنگی در سر محیط جا می‌گذارد. در همان ساعت ایکس × فردی را به قتل می‌رساند (ویلا، ۱۳۸۹).

مقررات اجتماعی و روان‌شناسی قانونی

- در مورد قوانین اجتماعی سوالاتی مانند موارد زیر مطرح می‌گیرند: چه قوانینی مورد نیاز یک جامعه است؟ این قوانین چگونه باید طرح شوند؟ و چگونه اجرا شوند؟
اینها سوالاتی هستند که پاسخ دادن به آنها تنها در حوزه متخصصین قانون نیست. در جوامع پیشرفته عمدتاً از نظریه روانشناسان برای چنین اقداماتی استفاده می‌شود، تا نتایج بهتری حاصل شود و از اتلاف وقت و نیرو و سایر زمینه‌ها جلوگیری شود. به عنوان مثال چگونه

می‌توان افراد را وادار به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی ساخت. روان‌شناسان چندین دهه پیش با توجه به نیاز جوامع این مساله را مورد بررسی قرار دادند.

نتایج یافته‌های آنها علاوه بر استفاده از تنبیه‌های بیرونی مثل جریمه به شیوه درست و کامل که از اصول تشویق و تنبیه و کنترل در روان‌شناسی نشات می‌گرفت، استفاده از راهکارهایی که موجبات تقویت انگیزه درونی افراد برای رعایت قوانین می‌شد را پیشنهاد کردند. در بین این راهکارها مشاهده شد استفاده از تبلیغات که به صورت کارتون (انیمیشن) تهیه می‌شد و شکل داستانی به خود می‌گرفت عمیق‌ترین تاثیر را در بینندگان به جای می‌گذاشت. این روش به تازگی در جامعه ما مورد استفاده قرار گرفته است.

وجود قوانین کارآمد و پیش‌برنده در هر کشور همیشه باعث ترغیب افراد برای رعایت کردن آن قوانین می‌شود اما بنظر می‌رسد گاهی برخی از قوانین برای شکستن وضع می‌شوند چرا که در عمل فقط باعث کندی انجام امور و نارضایتی عمومی می‌گردند. نکته مهم این است که اصلاح رفتار مردم یک جامعه مستلزم وجود قوانین بروز، منطقی و درخور شأن آن جامعه است. هشت دلیل عمده عدم تمایل مردم به اجرای قوانین به شرح زیر می‌باشند (دارابی، ۱۳۹۰).

۱- نداشتن ضمانت اجرایی: وضع قوانین بدون داشتن ضمانت اجرایی قابل قبول و مجازات‌های متناسب و مطابق با میزان خسارت وارده در صورت عدم اجرای آن قوانین، عملاً نتایج ناامیدکننده‌ای در بر خواهد داشت. ممکن است خود قانون از لحاظ ماهیتی با ارزش و پیش‌گیرنده باشد اما وقتی مجری قانون پشتوانه محکمی برای اجرای آن در نظر نگرفته باشد، بطور طبیعی، افراد آن قوانین را نادیده گرفته و یا اهمیت زیادی برای آنها قائل نخواهند بود. هرچقدر اجرای قانون جدی‌تر گرفته شود، مردم نیز خود را برای پیروی از آن آماده‌تر می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به قوانین ترافیکی اشاره کرد که به دلیل نبودن ضابطین اجرایی به تعداد کافی و عدم وجود امکانات پیشرفته برای ثبت تخلفات و نیز متناسب نبودن مبلغ جرائم با نوع جرائم ارتكابی، بعضاً از طرف رانندگان نادیده انگاشته شده و سالیانه باعث به وجود آمدن خسارات مالی و جانی فراوان می‌گردد. در حالیکه برخی از کشورها برای تخلفاتی که باعث تهدید

جانی دیگر اتومبیل‌ها می‌شود، مجازات‌های مالی بسیار سنگین و حبس در نظر گرفته‌اند، در کشور ما قانون گذار به چندین هزار تومان جریمه بسنده کرده است.

۲- **مستهلك بودن قوانین:** قوانین وضع شده در هر کشور بیشتر از هر مسئله دیگری نیاز به بروز رسانی و اصلاح دارند. قانونی که چندین سال پیش کاربرد داشت و مفید هم واقع می‌شد، نه تنها ممکن است با توجه به شرایط فعلی جامعه و تغییر و تحولات ایجاد شده دیگر کارایی نداشته باشد، بلکه می‌تواند باعث دردسر و زحمت مردم گردد. سرعت حیرت آور تغییر و تحول در شرایط زندگی، پیشرفت روزافزون تکنولوژی، بالا رفتن سطح آگاهی افراد، پویایی و تغییر قوانین را غیر قابل اجتناب می‌کند. به عنوان نمونه قوانین اقتصادی، مالیاتی، تامین اجتماعی و قوانین مربوط به تبعیض جنسیتی و ازدواج‌های نامتعارف، از جمله مواردی می‌باشند که باید همگام با موقعیت‌های جدید بروز شوند. در چنین شرایطی که قوانین کهنه و فرسوده شده‌اند و بنظر نمی‌رسد بتوانند با شرایط کنونی خودشان را تطبیق دهند، نباید انتظار داشت اشخاص رغبتی به اجرای قانون داشته باشند و ممکن است تنها از روی ناچاری تن به این کار دهند.

۳- **منطقی نبودن قوانین:** طبیعی است که قوانین باید در راستای پیشبرد اهداف مرفعی و منطقی یک جامعه وضع شوند و هرگونه رنگ و بوی غیر واقع بینانه و خلاف مصالح و منافع ملی در قوانین باعث می‌شود روند اجرای آنها توسط مردم رو به سردی گراید. قوانین خوب انگیزه لازم را برای اجرا در بین افراد جامعه افزایش می‌دهد و بالعکس.

۴- **تضاد با آزادی‌های معقول فردی و اجتماعی:** افراد هر جامعه دارای آزادی‌های فردی و اجتماعی تعریف شده‌ای می‌باشند و باید از این حقوق اولیه برخوردار گردند. آزادی‌های فردی باید حد و مرز مشخصی داشته باشند و تا زمانی موجه شمرده می‌شوند که به حقوق دیگران و عرف جامعه لطمه‌ای وارد نکنند. مسائلی همچون آزادی بیان و ابراز عقیده، انتقادات سالم و سازنده، حق انتخاب نوع زندگی، حفظ حریم خصوصی و شخصی باید به رسمیت شناخته شوند. هر نوع قانونی که حریم خصوصی و آزادی‌های معقول فردی را نقض کند

معمولاً از جانب مردم جدی گرفته نمی‌شود. برخی قوانین نژاد پرستانه در کشورهای غربی از این نوع قوانین محسوب می‌گردند.

۵- **عادت به بی قانونی:** اگر مردم کشوری نسبت به یک قانون بی اهمیت شوند و عدم پیروی از آن به صورت یک عادت درآید، به تدریج قبح قانون شکنی از بین رفته و اکثریت تمایلی به اجرای آن قانون پیدا نمی‌کنند. این امر در مواردی که افراد سرشناس و شناخته شده جامعه قانونی را اجرا نمی‌کنند نمود بسیار بیشتری پیدا می‌کند چرا که آنها به نحوی الگوی دیگران شمرده می‌شوند. گذشته از این، آموزش رعایت قوانین در سنین کودکی به فرزندان می‌تواند فرهنگ رعایت قانون را در بین اشخاص نهادینه کند. والدین، معلمان و مربیان مدارس نقش بسیار مهمی در این زمینه می‌توانند داشته باشند.

۶- **قوانین آزمون و خطایی:** بدترین شکل وضع یک قانون این است که قانونگذار صحت و سقم آن را از طریق آزمون و خطا تشخیص دهد، به این معنی که قانونی بدون کارشناسی و بررسی تبعات و نتایج آن وضع شود و وقتی به مرحله اجرا درآمد مشخص گردد که آیا آن قانون خوب بوده یا خیر. تغییرات مکرر مقررات و الصاق تبصره‌های عجولانه و بعضاً متناقض به بدنه قوانین سبب می‌شود مردم در سردرگمی فرو روند و نسبت به اجرای آن قوانین دچار تردید شوند. پیش بینی علمی در نتایج وضع یک قانون و اجتناب از به کارگیری روش‌های آزمون و خطا تضمین کننده سلامت و کارایی قوانین می‌باشد.

۷- **شخصیت افراد جامعه:** جوامعی مثل ایران که اغلب فرزندان را خودشیفته پرورش می‌دهند در اجرا و رعایت قوانین مشکل دارند زیرا فرد خودشیفته خود را فراتر از قانون و دیگران می‌داند. باید از کودکی به فرزندان آموخت که حقوق دیگران را رعایت نماید. مثلاً اگر کودک به زور اسباب بازی کودک دیگر را می‌گیرد و به گریه‌های کودک اهمیتی نمی‌دهد، والدین باید در اینگونه مواقع به کودک خاطی آموزش دهند که برای این کار باید از کودک دیگر اجازه بگیرد تا با اسباب بازی او بازی کند.

۸- **عدم رعایت قانون توسط مجریان قانون:** در یک جامعه مدرن همه در مقابل قانون یکسان هستند و هیچ فردی استثنا نیست (دارابی، ۱۳۹۰).

فرصت‌های شغلی در روانشناسی قانونی

روانشناسی قانونی می‌تواند چالش برانگیز باشد اما اگر فرد انعطاف‌پذیر و مایل به کمک و درک مجرم باشد، می‌تواند در این حوزه کار کند. کار یک روانشناس قانونی عمدتاً مربوط به ارزیابی و درمان رفتار مجرمانه خواهد بود. یک روانشناس قانونی نه تنها با زندانیان و مجرمین کار می‌کند، بلکه با سایر متخصصان درگیر سیستم‌های قضایی و کیفری، و با قربانیان جرم و جنایت کار می‌کند. در عین حال که یک روانشناس قانونی درگیر نیمرخ مجرمانه هست، نقش یک روانشناس قانونی فراتر از این موضوع خواهد بود. وی به شدت درگیر ارائه شواهد مبتنی بر پژوهش برای توسعه سیاست‌ها و شیوه‌های کار خواهد شد و شواهد را به دادگاه ارائه خواهد داد و هیئت‌بورد عفو مشروط و دادگاه و محکمه بهداشت روان را راهنمایی خواهد کرد. کار یک روانشناس قانونی به بازپروری زندانیان کمک خواهد کرد و شانس حمایت و آموزش سایر کارکنان را بدست خواهد آورد (انجمن خدمات مشورتی فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان (AGCAS)، ۲۰۱۴).

موقعیت‌های تخصصی و امکانات شغلی زیادی برای روانشناسان قانونی وجود دارد. آنها می‌توانند در چندین محیط کاری مختلف شامل موارد زیر کار کنند:

- ۱- پژوهشگر دانشگاهی (Academic researcher)
- ۲- مشاور اجرای قانون (Consultant to law enforcement)
- ۳- روانشناس تادیبی (Correctional psychologist)
- ۴- ارزیاب (Evaluator)
- ۵- شاهد متخصص (Expert witness)
- ۶- ارائه دهنده درمان (Treatment provider)
- ۷- مشاور محاکمه یا دادگاه (Trial consultant)

۱- پژوهشگر دانشگاهی

روانشناسان قانونی دانشگاهی به تدریس، پژوهش، آموزش و نظارت دانشجویان، و سایر فعالیت‌های مربوط به آموزش مشغول هستند این متخصصان معمولاً یک مدرک پیشرفته در روانشناسی (به احتمال زیاد دکترا) دارند. در حالی که تمرکز اصلی آنها بر پژوهش است، برای آنها داشتن سایر موقعیت‌های روانشناسان قانونی غیر معمول نیست. این متخصصان ممکن است در محیط‌های مختلف شامل کالج‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها، موسسات تحقیقاتی، سازمان‌های دولتی یا خصوصی و سازمان‌های بهداشت روانی به کار مشغول باشند. پژوهش در روانشناسی قانونی مربوط به روانشناسی و قانون - کیفری یا مدنی - می‌باشد (نقش‌ها و مسئولیت‌های یک روانشناس قانونی چیستند؟، ۲۰۱۳). پژوهشگران فرضیه‌ها را به طور تجربی به آزمایش می‌گذارند و پژوهش بر روی مسائل مربوط به روانشناسی و قانون را به کار می‌گیرند (وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵). آنها همچنین ممکن است بر روی قانون و ارزیابی سیاست‌گذاری بهداشت روان پژوهش انجام دهند (نقش‌ها و مسئولیت‌های یک روانشناس قانونی چیستند؟، ۲۰۱۳). برخی از روانشناسان معروف در این حوزه سائول کاسین (Saul Kassin) - که به طور بسیار گسترده‌ای برای مطالعه اعترافات دروغ شناخته شده است - و الیزابت لوفتوس (Elizabeth Loftus) - که به دلیل تحقیقاتش بر روی حافظه شاهدان عینی شناخته شده است، می‌باشند. لوفتوس شهادت شهود متخصص را برای بسیاری از موارد ارائه داده است.

۲- مشاور اجرای قانون

روانشناسان قانونی همچنین به اجرای قانون کمک می‌کنند. آنها در همکاری با نیروی پلیس یا سایر سازمان‌های اجرای قانون کار می‌کنند. روانشناسان اجرای قانون مسئول کمک به پرسنل اجرای قانون هستند. آنها غالباً برای کمک به مداخله در بحران از جمله پس از تروما و خودکشی آموزش می‌بینند. سایر وظایف روانشناسان اجرای قانون شامل توسعه برنامه‌های آموزشی پلیس، مدیریت استرس، مدیریت پرسنل، و ارجاع پرسنل دپارتمان همچنین

خانواده‌های آنها برای درمان و مشاوره تخصصی و مشاوره هستند (روانشناسی قانونی، ۲۰۱۳). البته، ممکن است مسائل اخلاقی به وجود بیایند مانند این سوال که چه کسی مراجع است (افسر پلیس مراجعه کرده یا گروه، در رابطه با محرمانه بودن) (وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵).

۳- روانشناس تأدیبی

روانشناسان تأدیبی با زندانیان و مجرمین در محیط‌های اصلاحی کار می‌کنند. آنها هم در نقش ارزیاب و هم در نقش یک ارائه دهنده درمان به افرادی که زندانی یا در آزادی مشروط یا عفو مشروط بوده‌اند، خدمت رسانی می‌کنند. روانشناسان تأدیبی همچنین ممکن است پژوهشگر یا شاهد متخصص باشند.

۴- ارزیاب

این روانشناسان قانونی نقش بخش‌های ارزیابی کننده در موارد کیفری یا مدنی در مورد مسائل بهداشت روانی مرتبط با پرونده خود را دارند. برای موارد جنایی، آنها ممکن است برای ارزیابی از جمله صلاحیت روانی متهمان برای حضور در جلسات محاکمه، وضعیت روانی آنها در زمان ارتکاب جرم (جنون)، و خطر آنها برای اعمال خشونت آمیز آینده، اما نه فقط محدود به این موارد، فراخوانده شوند. برای موارد مدنی، آنها ممکن است برای ارزیابی از جمله وضعیت روانشناختی فرد پس از یک حادثه یا خانواده‌های موارد حضانت، اما نه فقط محدود به این موارد، فراخوانده شوند (نقش‌ها و مسئولیت‌های یک روانشناس قانونی چیستند؟، ۲۰۱۳). هر ارزیابی صورت گرفته توسط ارزیاب یک جلسه مشاوره در نظر گرفته نمی‌شود، و بنابراین هر چه گفته شده یا انجام شده است، محرمانه نیست. وظیفه ارزیاب است که بخش‌هایی که همه چیز را در این جلسه برای بررسی دقیق در یک گزارش قانونی یا شهادت متخصص باز خواهد کرد، مطلع سازد (وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵). ارزیاب‌ها از نزدیک با شهود متخصص (در زیر مورد بحث قرار می‌گیرند) کار می‌کنند به طوری که بسیاری از آنها برای شهادت دادن در مورد آنچه از ارزیابی‌هایشان نتیجه گرفته‌اند، به دادگاه فراخوانده می‌شوند. آنها تنوعی از انواع محیط‌های شغلی را دارند مانند بیمارستان‌های روانپزشکی ایالتی

و قانونی، مراکز بهداشت روانی و کار خصوصی. ارزیاب‌ها معمولاً به عنوان روانشناسان بالینی آموزش و تعلیم دیده هستند (نقش‌ها و مسئولیت‌های یک روانشناس قانونی چیستند؟، ۲۰۱۳).

۵- شاهد متخصص

بر خلاف شاهدان واقعی، که محدود می‌شوند به افرادی که در مورد آنچه که می‌دانند یا مشاهده کرده‌اند، شهادت می‌دهند، شاهدان متخصص توانایی اظهار نظر دارند، به دلیل اینکه همانطور که نام آنها نشان می‌دهد، آنها در یک موضوع خاص "متخصص" تصور می‌شوند. آنها دارای دانش تخصصی در مورد موضوع هستند. شاهدان متخصص برای شهادت دادن در مورد مسائل بهداشت روانی (تخصص بالینی) یا سایر حوزه‌های تخصص مانند حوزه‌های اجتماعی، تجربی، شناختی، یا رشدی/تکاملی به دادگاه فراخوانده می‌شوند (وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵). نقش یک شاهد متخصص بودن، یک نقش اولیه نیست و این نقش معمولاً در رابطه با سایر نقش‌ها ایفا می‌شود مانند نقش یک فرد پژوهشگر، دانشگاهی، ارزیاب، یا روانشناس بالینی. روانشناسان بالینی قانونی متهم را ارزیابی می‌کنند و سپس به عنوان شاهدان متخصص برای شهادت دادن در باره وضعیت روانی متهم به دادگاه می‌آیند (نقش‌ها و مسئولیت‌های یک روانشناس قانونی چیستند؟، ۲۰۱۳).

در گذشته، شاهدان متخصص در درجه اول در دادگاه خدمت می‌کردند تا با شاکیان و طرفین دعوا. امروزه، این کار به ندرت اتفاق می‌افتد و استخدام بسیاری از شاهدان متخصص توسط وکلای دادگاه انجام می‌شود. اما صرف نظر از اینکه کارشناس نامیده می‌شوند، این قاضی است که مقبولیت شاهد متخصص را تعیین می‌کند (وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵).

همه شاهدان متخصص اخلاقی باید قادر به حل و فصل موضوع مربوط به مورد و یک مدافع بودن را داشته باشند. آنها باید بین وفاداری به رشته تخصصی با برای پیامد کار برای مورد خود تصمیم بگیرند (وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵).

۶- ارائه دهنده درمان

ارائه دهندگان درمان روانشناسان قانونی هستند که مداخله روانشناختی یا درمان را برای افراد، هم در موارد کیفری و هم مدنی که به این خدمات نیاز دارند یا این خدمات را درخواست می‌کنند، انجام می‌دهند. در اقدامات کیفری، ممکن است از ارائه دهندگان درمان درخواست شود برای ارائه مداخلات روانشناختی به افرادی که برای اعاده و تجدید صلاحیت، پس از آنکه توسط دادگاه به عنوان عدم صلاحیت برای محاکمه شدن مشخص شده‌اند، نیاز به درمان دارند، خدمات درمانی را ارائه دهند. از آنها ممکن است درخواست ارائه درمان شود برای بیماری روانی افرادی که در حین ارتکاب جرم و جنایت دیوانه تلقی می‌شدند. از آنها همچنین ممکن است برای انجام درمان، جهت حداقل رساندن احتمال اعمال خشونت آمیز در آینده، برای افرادی که در معرض خطر بالایی از ارتکاب یک جرم خشونت آمیز هستند، درخواست شود. برای اقدامات و دعاوی مدنی، ارائه دهندگان درمان ممکن است به درمان خانواده‌های در حال طلاق یا موارد حضانت بپردازند. آنها همچنین ممکن است به افرادی که از آسیب‌های روانشناختی ناشی از برخی از انواع تروما رنج برده‌اند، درمان را ارائه دهند. ارائه دهندگان درمان و ارزیاب‌ها در انواعی از محیط‌ها کار می‌کنند: بیمارستان‌های روانپزشکی ایالتی و قانونی و دولت روانی، مراکز بهداشت روانی، و کار خصوصی. جای تعجب نیست که کار آنها تا حد زیادی ممکن است همپوشانی داشته باشد. اگر چه به لحاظ اخلاقی مورد تشویق نیست، یک روانشناس قانونی ممکن است برای یک مراجع هم نقش یک ارائه دهنده درمان را ایفا کند و هم نقش یک ارزیاب را (نقش‌ها و مسئولیت‌های یک روانشناس قانونی چیستند؟، ۲۰۱۳).

۷- مشاور محاکمه یا دادگاه

روانشناسان قانونی معمولاً درگیر در مشاوره دادگاه یا محاکمه هستند و آنها بخشی از روانشناسی قانونی هستند. یک مشاور محاکمه یا دادگاه، یک مشاور هیئت منصفه، یا یک مشاور دادخواهی، دانشمندان اجتماعی هستند که با متخصصان حقوقی مانند وکلای مدافع،

برای کمک به آماده سازی مورد که شامل انتخاب هیئت منصفه، ایجاد راهبرد موردی، و آماده سازی شاهد هستند، کار می کنند (نقش ها و مسئولیت های یک روانشناس قانونی چیستند؟، ۲۰۱۳، وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵). آنها به شدت بر پژوهش تاکید می کنند. مشاوران محاکمه یا دادگاه همچنین ممکن است در سمینارهای معطوف به بهتر شدن انتخاب هیئت منصفه و مهارت های ارائه محاکمه شرکت کنند. تبدیل شدن به یک مشاور محاکمه یا دادگاه لزوماً نیاز به مدرک دکترا یا حتی مدرک کارشناسی ندارد. همه آنچه که واقعاً مورد نیاز است، داشتن حدودی از سطح آموزش است (وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵).

مشاوران دادگاه ها یا محاکمه ها با بسیاری از مسائل اخلاقی مواجه می شوند. آنها نه تنها دانشمندان اجتماعی هستند؛ بلکه آنها ممکن است از کارآفرینان خوب، بازاریاب تجارت خود و نگهدار هزینه های ثابت باشند. این یک چالش برای مسئولیت های اخلاقی شان است، به عنوان پژوهشگران کاربردی که به دستورالعمل های متعاقب پژوهش اخلاقی نیاز دارند. مشاوران دادگاه یا محاکمه توسط وکلای مدافع استخدام می شوند، و تعارض ها ممکن است زمانی به وجود بیایند که هر یک از طرفین در باره یک موضوع خاص دارای یک دیدگاه مختلف باشد مانند اینکه هیأت منصفه آینده نگر باید تبرئه کند، چه ترجیحات هیئت منصفه برای این مورد مناسب باشند یا نباشند، و غیره، آنها باید همیشه در نظر داشته باشند که آنها کارمندان وکلای مدافع هستند و قادر به تصمیم گیری نهایی در مورد وضعیت مورد نمی باشند (وریگستمان و فولرو، ۲۰۰۵).

مدرک تحصیلی و آموزشی مورد نیاز برای حرفه روانشناس قانونی

در کشور امریکا، در حالی که یک روانشناس قانونی ممکن است تنها با مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد یا دکتری روانشناسی کار پژوهشی انجام دهد، نیاز به صدور مجوز یا گواهینامه دارد. صدور مجوز برای همه روانشناسان در حال کار ضروری است و صدور مجوز روانشناس می تواند با دادن امتحانات از طریق بورد ایالتی به دست آید. بورد روانشناسی تخصصی امریکا (ABPP) (The American Board of Professional

Psychology) روانشناسی قانونی را به عنوان یک تخصص شناخته شده طبقه بندی می‌کند و امتحانات برای صدور مجوز و گواهینامه را برگزار می‌کند (روانشناسی قانونی: الزامات آموزشی و اطلاعات شغلی، ۲۰۱۴).

برای یک روانشناس قانونی شدن، داشتن یک اطلاعات جزئی از قانون سودمند و مفید است. برخی از روانشناسان قانونی دارای مدرک دکترای هم در روانشناسی و هم در قانون هستند. به این دلیل که به کارگیری روانشناسی قانونی به طور خاص به این موضوع می‌پردازد که روانشناسی با قانون چگونه کار می‌کند، اکثر مشاغل نیاز به سطوح مختلف مطالعات قانونی دارند. این یک جنبه نسبتاً جدید از روانشناسی است و روانشناسان قانونی به شرکت در برنامه‌های آموزشی مداوم در طول حرفه خود تشویق می‌شوند (روانشناسی قانونی: الزامات آموزشی و اطلاعات شغلی، ۲۰۱۴).

معمولاً کسب مدرک کارشناسی ۴ سال، کسب مدرک کارشناسی ارشد ۲ سال و کسب مدرک دکترا PhD یا PsyD ۴-۲ سال به طول می‌انجامد. به طور کلی، افرادی که به دنبال مشاغل روانشناسی قانونی هستند باید تحصیلات شان متمرکز بر روانشناسی، جرم‌شناسی و پزشکی قانونی باشد. روش‌های مختلف بهم پیوسته‌ای برای دنبال کردن این نوع آموزش وجود دارند. ابتدا، یک دانشجو می‌تواند مدرک کارشناسی را در رشته روانشناسی، با تمرکز بر جرم‌شناسی یا عدالت کیفری، کسب کند. دانشجو همچنین می‌تواند مدرک کارشناسی را در عدالت کیفری یا جرم‌شناسی، با تمرکز بر روانشناسی، کسب کند. برخی از دروسی که یک روانشناس قانونی علاقه‌مند ممکن است اخذ کند شامل دروس پزشکی قانونی، روانشناسی مرضی و روانشناسی انحراف یا کج رفتاری هستند.

اگر چه مدرک سطح کارشناسی ارشد در روانشناسی قانونی وجود دارد، همه روانشناسان قانونی باید مدرک دکترا PhD یا مدرک PsyD از برنامه دکتری مورد تایید انجمن روانشناسی آمریکا (APA) یا مورد تایید انجمن روانشناسی کانادا (CPA) (Canadian Psychological Association) را داشته باشند. آنها همچنین باید معادل دو سال تجربه تخصصی نظارت شده، پیاپی و سازمان یافته داشته باشند، یک سال از آن شامل یک دوره

کارورزی پیش دکتری مورد تایید APA یا CPA می‌باشد. اغلب ملزومات دیگری نیز وجود دارند. داوطلب می‌تواند برای اخذ پروانه و دادن یک امتحان شفاهی یا کتبی (بسته به وضعیت شغلی محلی که داوطلب کار خواهد کرد) درخواست بدهد. متخصصان همچنین می‌توانند به عنوان برگزارکنندگان امتحان مورد (دیپلمات‌ها)، توسط هیئت مورد آمریکایی روانشناسی قانونی (ABFP)، مناسب تشخیص داده شوند (تایلور وارد، ۲۰۱۳).

مدارک کارشناسی اغلب برای دنبال کردن حرفه روانشناسی قانونی کافی نیست. مدارک کارشناسی ارشد و مدارک دکتری در روانشناسی قانونی معمولاً لازم هستند. روانشناسان قانونی نیاز به مدارک دکتری در روانشناسی، معمولاً در روانشناسی بالینی یا روانشناسی مشاوره دارند. تعدادی از دانشگاه‌ها مانند دانشگاه آریزونا و دانشگاه ویرجینیا مدارک تحصیلی بویژه متمرکز بر روانشناسی قانونی را ارائه می‌دهند که دروس را هم در روانشناسی و هم در قانون ترکیب می‌کند. چنین درجه تحصیلی به طور معمول ۵ تا ۷ سال تحصیلی طول می‌کشد تا کامل شود و ورود به دوره دکتری به شدت رقابتی است. پس از آموزش، تعلیم و تجربه مناسب، روانشناس قانونی می‌تواند برای دریافت گواهی هیئت مورد اقدام کند. هیئت مورد روانشناسی قانونی آمریکا متخصصانی را پیشنهاد می‌کند که شانس مجوز دیپلم روانشناس قانونی برای آنها صادر شده است (چری، ۲۰۱۴).

ساعات کاری و دستمزد یک روانشناس قانونی

ساعات کاری یک روانشناس قانونی در آمریکا، با انعطاف پذیری مورد نیاز، معمولاً ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر است. کار بعد از ظهر و آخر هفته گاهی اوقات ممکن است ضروری باشد، برای مثال اگر یک روانشناس قانونی گروه‌ها را در آخر هفته یا در بعد از ظهر اداره می‌کند، اما به طور معمول باید ۳۷ ساعت در هفته کار کند (انجمن خدمات مشورتی فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان (AGCAS)، ۲۰۱۴).

دفتر آمار کار ایالات متحده آمریکا (U.S. Bureau of Labor Statistics (U.S.BLS) داده‌های حقوق و دستمزد به ویژه برای روانشناسان قانونی را منتشر نمی‌کند، با این حال،

دستمزد نزدیک ترین حرفه مرتبط، یعنی دستمزد یک روانشناس سنتی، در سال ۲۰۱۰، ۵۱۰ دلار گزارش شده است. PayScale.com دامنه حقوق و دستمزد روانشناسان قانونی را از ۳۵، ۳۳۳ دلار به ۵۷۶، ۱۰۳ دلار فهرست می‌کند.

در امریکا حق الزحمه‌ها در روانشناسی قانونی، بسته به بخش و محل اشتغال، تا حدود زیادی می‌تواند تغییر کند، اگر چه اکثر حقوق افراد دارای مدرک دکترای در بدو شروع ورود به کار، بین ۶۰۰۰۰ و ۷۰۰۰۰ دلار در سال می‌باشد. افراد دارای مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد در کل به عنوان دستیار روانشناختی یا همکار روانشناختی هستند. شروع سطح حقوق برای این موقعیت‌ها به طور کلی حول و حوش ۳۵۰۰۰ یا ۴۰۰۰۰ دلار است. اشخاصی دارای کار خصوصی که خدمات مشاوره‌ای را ارائه می‌دهند به طور معمول درآمد بیشتری، اغلب در محدوده ۸۵.۰۰۰ تا ۹۵۰۰۰ دلار را کسب می‌کنند (چری، ۲۰۱۴).

آنچه از یک روانشناس قانونی انتظار می‌رود

روانشناسی قانونی در ۲۰ سال گذشته رشد پیدا کرده است. روانشناسی قانونی یک رشته کاربردی گسترده است که فرصت‌های متعددی را برای متخصص فراهم می‌کند. روانشناسان قانونی در بسیاری از محیط‌های قانونی مختلف، نوشتن گزارش‌ها، دادن شهادت، انجام درمان مستقیم یا کار با جوامع درمانی کار می‌کنند. چارلز پاتریک اوینگ (Charles Patrick Ewing) در کتاب خود تحت عنوان "محاكمه یک روانشناس قانونی: کتاب موردی (Trials of a forensic psychologist: A casebook) تصویر روشنی از آنچه وجود دارد مانند ارزیابی، نوشتن و شهادت دادن در دادگاه در موارد کیفری دشوار را ارائه داده است. در بسیاری از مطالعات استفان سی سی (Stephen Ceci) و الیزابت لوفتوس (Elizabeth Loftus) دغدغه‌های قانونی ماهیت این موضوع را تغییر می‌دهند که ما چگونه حافظه و بد ارتباطی (Miscommunication) را مفهوم سازی می‌کنیم. به طور قطع روانشناسی قانونی در اینجا به کار می‌آید (تایلور وارد، ۲۰۱۳).

روانشناسان قانونی یک جزء ضروری از نظام قانونی شده‌اند. آنها تعیین می‌کنند که آیا شخص قادر به محاکمه است یا نه. روانشناس قانونی همچنین به تصمیم قاضی در مورد بحث و جدل والدین برای حضانت فرزند کمک می‌کند. روانشناسان قانونی اغلب در پشت صحنه در مشاوره هم با قربانیان و هم با عاملین جرم‌ها کار می‌کنند (روانشناسی قانونی: الزامات آموزشی و اطلاعات شغلی، ۲۰۱۴).

آنچه از یک روانشناس قانونی انتظار می‌رود موارد زیر را در بر می‌گیرد:

- روانشناسی قانونی می‌تواند حرفه‌ای استرس‌زا باشد، زیرا این متخصصین در موقعیت‌های چالش برانگیز با زندانیان یا مجرمین سابقه‌دار که ممکن است مایل نباشند که به آنها کمک شود، کار خواهند کرد. ممکن است مقدار کمی خطر شخصی وجود داشته باشد و روانشناس قانونی باید انعطاف پذیر باشد.
- محیط‌های کاری متفاوت هستند. برای مثال، در زندان‌ها، یک روانشناس قانونی لازم است به رفتارهای پر سر و صدا و آشوب و توقیف/حبس/بازداشت عادت کند. برخی موسسه‌ها مشاهده با دوربین و ثبت بازرسی در محیط‌های قانونی را اجباری می‌کنند.
- گزینه‌های کاری تمام وقت و نیمه وقت امکان پذیر است و روانشناس قانونی ممکن است قادر به گرفتن یک استراحت شغلی، بسته به کارفرما، باشد. بر اساس تجربه کاری، اگر یک روانشناس قانونی به سمت مشاوره و راهنمایی پیش برود، امکان خود-کارفرمایی (Self-employed) یا انجام کار آزاد وجود دارد.
- سفر برای کار و دور شدن گاهی اوقات برای یک روانشناس قانونی ضروری است. کار در خارج از کشور یا سفر خارج از کشور غیر معمول نیست (انجمن خدمات مشاورتی فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان (AGCAS)، ۲۰۱۴).

تمایز بین ارزیابی قانونی و ارزیابی درمانی

تعاملات یک روانشناس قانونی دارای مسئولیت‌های اخلاقی نسبت به مراجع، تا حد زیادی با برخورد یک روانشناس با یک مراجع در یک محیط بالینی، متفاوت است (گری، ۱۹۹۷). تمایز بین ارزیابی قانونی و ارزیابی درمانی بر اساس موارد زیر می‌باشد:

• **محدوده (Scope)**. به جای مجموعه گسترده‌ای از مسائل که یک روانشناس در یک محیط بالینی بر آن تاکید دارد، یک روانشناس قانونی بر مجموعه‌ای معین از رویدادها یا تعاملات با یک ماهیت غیر بالینی تاکید می‌کند.

• **اهمیت دیدگاه مراجع (Importance of client's perspective)**. یک متخصص بالینی اهمیت اولیه را بر درک نقطه نظر منحصر به فرد مراجع می‌گذارد، در حالی که یک روانشناس قانونی علاقه مند به صحت و دقت است، و نقطه نظر مراجع ثانویه است.

• **داوطلبانه بودن (Voluntariness)**. معمولاً در یک محیط بالینی یک روانشناس به یک مراجع داوطلب می‌پردازد. یک روانشناس قانونی مراجعان را به دستور یک قاضی یا به دستور یک وکیل ارزیابی می‌کند. برخلاف محیط بالینی معمولی که در آن یک مراجع به طور داوطلبانه به دنبال کمک یا ارزیابی است، یک روانشناس قانونی معمولاً با مراجعانی سر و کار دارد که اراده آزادانه خود را ندارند. این امر باعث می‌شود که ارزیابی، تشخیص و درمان بسیار مشکل‌تر شود، زیرا تعدادی از مراجعان به طور خودسرانه در برابر تلاش به کمک مقاومت می‌کنند.

• **استقلال (Autonomy)**. مراجعان داوطلب آزادی عمل و استقلال بیشتری در خصوص اهداف ارزیابی دارند. هر گونه ارزیابی معمولاً نگرانی‌های آنها را در نظر می‌گیرد. اهداف یک روانشناس قانونی توسط قوانین قابل اجرا یا عناصر مشترک قانون مشخص می‌شوند که مربوط به مسئله قانونی مورد سوال است.

• **تهدید برای اعتبار (Threats to validity)**. در حالی که مراجع و درمانگر به سمت یک هدف مشترک در حال کار کردن هستند، هر چند تحریف ناخودآگاه ممکن است رخ دهد، در چارچوب قانونی احتمال قابل ملاحظه‌ای بیشتری از تحریف عمدی و آگاهانه وجود دارد.

• **روش و موقعیت (Pace and setting).** بر خلاف تعاملات درمانی که ممکن است به واسطه عوامل زیادی هدایت شوند، محیط قانونی با برنامه‌ها و زمان بندی‌های دادگاهی، منابع محدود و سایر عوامل بیرونی‌اش، محدودیت‌های زمانی زیادی را بر ارزیابی، بدون دادن فرصت‌هایی برای ارزیابی مجدد، قرار می‌دهد. آزماینده قانونی بر اهمیت صحت، دقت و قطعیت وضعیت‌های قانونی و قضایی تمرکز می‌کند.

انواع مکان‌های شغلی روانشناس قانونی

افرادی که به دنبال شغل روانشناسی قانونی هستند، اغلب قادر به پیدا کردن کار در مراکز پلیس، دادگاه‌ها و موسسات قانونی/حقوقی خواهند بود. زندان‌ها، تأدیبات‌گاه‌ها، و مراکز بازداشتگاه نوجوانان نیز روانشناسان قانونی را استخدام می‌کنند.

افرادی که به دنبال حرفه روانشناسی قانونی هستند، همچنین ممکن است فرصت‌هایی را برای تبدیل کردن خود- اشتغالی داشته باشند. برخی ممکن است برای مثال به عنوان مشاوران کار کنند، یا ممکن است این شغل را جهت دریافت دستمزد، برای شهادت دادن به عنوان شهود متخصص، انتخاب کنند.

در انگلیس یک روانشناس قانونی عمدتاً در سرویس زندان کار می‌کند اما ممکن است در مکان‌های زیر نیز کار کند:

- خدمات عفو مشروط
- بیمه خدمات درمانی و بیمارستان‌های خصوصی
- خدمات پلیس
- خدمات اجتماعی
- موسسات آموزش عالی (انجمن خدمات مشورتی فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان

(AGCAS)، (۲۰۱۴).

مسئولیت‌های شغلی روانشناس قانونی

- بخش اصلی کار با مجرمان متمرکز بر درمان در محیط‌های قانونی است که در اینجا وظایف یک روانشناس قانونی شامل موارد زیر خواهند بود:
- انجام ارزیابی‌های یک به یک (One-to-one assessments)، غالباً برای ارزیابی خطر تخلف مجدد (مثلاً برای محکومین در حال ورود به جامعه یا مجرمان جنسی پس از برنامه درمانی) یا خودکشی، خودآسیبی یا سایر رفتارهای پرخطر
 - ایجاد، اجرا و مرور برنامه‌های توانبخشی و درمانی مناسب برای متخلف یا مجرم از جمله مدیریت خشم، درمان اعتیاد به مواد و الکل و آموزش مهارت‌های اجتماعی و شناختی
 - انجام پروژه‌های تحقیقاتی برای ارزیابی موقعیت‌های تاثیرگذار بر زندانیان برای مثال بررسی تاثیر قلدری و در زندان‌ها یا اثربخشی یک برنامه مدیریت خشم
 - انجام تجزیه و تحلیل آماری برای نيمرخ قانونی مراجع
 - ارائه آموزش جهت حمایت از کارکنان قانونی در زمینه‌هایی مانند مدیریت استرس، یا آموزش در مورد چگونگی مقابله با درک قلدری و روش‌ها برای مذاکره در بحران (خطرناک)
 - ارائه شهادت شاهدان متخصص در دادگاه برای هیئت عفو مشروط و دادگاه‌ها و محکمه‌های بهداشت روانی
 - کمک به سیاست و راهبرد توسعه جهت اطمینان پیدا کردن از بهبود خدمات مستمر یک روانشناس قانونی ممکن است درگیر موارد زیر گردد:
 - کار با قربانیان جرم و جنایت و عموم مردم در رابطه با ترس‌های آنها حول و حوش جرم و جنایت
 - انجام پژوهش‌های کاربردی
 - طراحی و اداره آموزش
 - مشاوره و راهنمایی سازمانی (انجمن خدمات مشورتی فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان (AGCAS)، ۲۰۱۴).

عمل روانشناس قانونی

قبل از اینکه شخص برای انتخاب حرفه روانشناسی قانونی تصمیم گیری کند، چندین عامل مانند لذت بردن از کار با دیگران، چالش با مشکلات، و علاقه همزمان به مطالعه در هر دو حوزه قانون و روانشناسی را باید در نظر بگیرد. آیا شخص از کار کردن با دیگران لذت می‌برد؟ روانشناسان قانونی معمولاً علاوه بر کار مستقیم با مراجعین یا مجرمین جنایی، با تیمی از سایر متخصصین نیز کار می‌کنند. آیا شخص از چالش کردن با مشکلات لذت می‌برد؟ در اکثر مواقع، افراد در حال تجربه مشکلاتی هستند که به آسانی یا به سرعت نمی‌توانند برطرف شوند. روانشناسان قانونی نیاز به صبر، خلاقیت و تعهد دارند. آیا شخص علاقه مند به مطالعه هر دو حوزه، هم قانون و هم روانشناسی، می‌باشد؟ دانشجویانی که از مطالعه در هر دو حوزه لذت می‌برند ممکن است دریابند که روانشناسی قانونی یک گزینه حرفه‌ای کامل است (چری، ۲۰۱۴).

تنوعی از مسیرهای شغلی وجود دارند که یک روانشناسی قانونی ممکن است در آنها کار کند. برخی به طور خاص با قربانیان جرم کار می‌کنند. یک روانشناس قانونی یا قربانیان تجاوز به عنف و سوء استفاده در تمام سنین، قبل، حین و پس از محاکمه در دادگاه مشاوره می‌کند. آنها همچنین به قربانیان در برخورد با استرس‌رهایی از جرم، زمانی که قربانیان شاهد جرم به نظر می‌رسند، کمک می‌کنند. گاهی، روانشناس قانونی به عنوان یک شاهد متخصص در دادگاه برای توضیح دادن تاثیرات جرم بر قربانی به قاضی و هیئت منصفه، شهادت می‌دهند (روانشناسی قانونی: الزامات آموزشی و اطلاعات شغلی، ۲۰۱۴).

سایر روانشناسان قانونی با متهم کار می‌کنند. این روانشناسان با افراد متهم به ارتکاب جرایم مشاوره می‌کنند و سطوح صلاحیت روانی متهم را برای حضور در جلسات محاکمه ارزیابی می‌کنند. روانشناس قانونی اغلب تعیین می‌کند که آیا متهم به اندازه کافی درک واضح و روشنی از درستی و نادرستی برای محاکمه شدن در دادگاه دارد یا نه. آنها ممکن است به قاضی توصیه و پیشنهاد کنند که متهم برای درمان قبل از یا در حین محاکمه در دادگاه به یک موسسه فرستاده شوند. این روانشناسان با اشخاصی که به ارتکاب جرم‌ها محکوم

شده‌اند، در صورتی که بخشی از این حکم شامل درمان توانبخشی باشد، نیز کار می‌کنند (روانشناسی قانونی: الزامات آموزشی و اطلاعات شغلی، ۲۰۱۴).

روان‌شناسانی که در حوزه روانشناسی قانونی فعالیت می‌کنند، اصول روان‌شناختی را در جنبه‌های قانونی به کار می‌بندند. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به مطالعه رفتارهای مجرمانه و درمان آن‌ها و یا کار در دستگاه قضایی اشاره کرد. این روان‌شناسان معمولاً به عنوان شاهد در دادگاه‌ها حضور می‌یابند. لذا بسیاری از روانشناسان قانونی همچنین به عنوان شهود متخصص در طول محکمه‌ها و دادگاه‌های کیفری کار می‌کنند. آنها اغلب در مورد اینکه چرا یک جرم ممکن است رخ داده باشد، شهادت‌هایی را ارائه می‌دهند، یا اینکه آیا آنها معتقدند که متهم احتمالاً مرتکب جرم مورد سوال شده است یا نه. یک روانشناس قانونی همچنین ممکن است بر صدور حکم کیفری تاثیر بگذارد.

همچنین یک روانشناس قانونی اغلب صحنه‌های جرم را بررسی خواهد کرد. شواهد و مدارک، یا حتی فقدان شواهد و مدارک، در یک صحنه جرم اغلب می‌تواند به منظور ایجاد یک نیمرخ جنایی/کیفری مورد استفاده قرار گیرد. این نیمرخ بعداً می‌تواند برای تعیین و مشخص کردن فهرست مظنونین مورد استفاده قرار بگیرد.

روانشناس قانونی نسبت به یک روانشناس بالینی سنتی، مراجع یا متهم را از یک دیدگاه متفاوت می‌بیند. نگاه به موقعیت از نقطه نظر مراجع یا همدلی کردن (empathizing)، وظیفه یک روانشناس قانونی نیست. آزمون‌های سنتی روانشناختی و روش مصاحبه، وقتی برای موقعیت قانونی به کار برده می‌شوند، کافی نیستند. در ارزیابی‌های قانونی، ارزیابی ثبات اطلاعات واقعی در سراسر منابع متعدد حائز اهمیت است. ارزیابی‌های قانونی باید قادر به ارائه منبعی باشند که هر گونه اطلاعات، مبتنی بر آن است. روانشناسان درمانگر به طور معمول سوگیری پاسخ یا اعتبار عملکرد را ارزیابی نمی‌کنند، در حالی که روانشناس قانونی معمولاً این کار را انجام می‌دهد.

روانشناسان قانونی اغلب درگیر مشاجرات حبس و بازداشت، ادعاها و پرونده‌های حقوقی هستند و طیف گسترده‌ای از وظایف را در سیستم عدالت کیفری انجام می‌دهند. برخی

از روانشناسان قانونی در دادگاه‌های خانواده کار می‌کنند و خدمات روان درمانی ارائه می‌دهند، ارزیابی‌های حضانت فرزند را انجام می‌دهند، گزارش‌های سوء استفاده از کودکان را بررسی می‌کنند و ارزیابی‌های خطر ملاقات را انجام می‌دهند. روانشناسان قانونی که مشغول به کار در دادگاه‌های مدنی هستند اغلب صلاحیت را ارزیابی می‌کنند، نظریات ثانویه را مطرح می‌کنند و روان درمانی برای قربانیان جرم و جنایت را انجام می‌دهند. روانشناسان قانونی مشغول به کار در دادگاه‌های کیفری ارزیابی صلاحیت روانی متهم برای حضور در جلسات محاکمه را انجام می‌دهند، با شاهدان کودک کار می‌کنند، و ارزیابی نوجوانان و بزرگسالان مجرم را انجام می‌دهند (چری، ۲۰۱۴).

پژوهش اغلب بخش بزرگی از حرفه روانشناسی قانونی است. روانشناسان قانونی اغلب پژوهش سایر متخصصان را مطالعه و تحلیل خواهند کرد، همچنین پژوهش‌های خود را انجام خواهند داد. آنها ممکن است مجرمان و جرم‌هایشان را بررسی کنند، برای مثال، تعیین اینکه مجرمان چه نوع خاصی از صفات را دارند. این وظایف ممکن است شامل مصاحبه با مجرمان، همراه با نزدیکان آنها و قربانیان باشد.

بنابراین، عمل روانشناسی قانونی، و شاید شایع‌ترین وظیفه روانشناسان قانونی، ارزیابی روانشناختی افرادی است که به یک شیوه‌ای یا روشی دیگر، با نظام قانونی درگیر هستند. بنابراین، اگر چه آموزش در قانون و روانشناسی قانونی لازم است، مهم‌ترین مهارت‌های یک روانشناس قانونی باید دارا بودن مهارت‌های بالینی قوی باشد. یعنی مهارت‌هایی مانند ارزیابی بالینی، مصاحبه، گزارش نویسی، مهارت‌های ارتباطی کلامی قوی (به‌ویژه اگر یک شاهد متخصص در دادگاه است) و معرفی/ارائه مورد همه در محیط پایه و اساس عمل روانشناسی قانونی بسیار مهم هستند. با این مهارت‌ها روانشناسان قانونی وظایفی مانند ارزیابی تهدید برای مدارس، ارزیابی‌های حضانت فرزند، ارزیابی‌های صلاحیت متهمان و سالمندان، خدمات مشاوره‌ای برای قربانیان جرم، روش‌های اطلاع رسانی مرگ (Death notification procedures)، غربالگری و انتخاب درخواست کنندگان اجرای قانون، ارزیابی اختلال استرس پس از سانحه و تفسیر و ارزیابی برنامه‌های مداخله‌ای و درمانی برای مجرمین نوجوانان و

بزرگسالان را انجام می‌دهند. کار روانشناسی قانونی شامل تحقیقات، مطالعات پژوهشی، ارزیابی‌ها، مشاوره، طراحی و اجرای برنامه‌های درمانی و شهادت شاهد متخصص دادگاه هستند.

مسلماً یکی از جالب‌ترین ارزیابی‌ها برای یک روانشناس قانونی ارزیابی در موارد جنون (Insanity) است. در ایالات متحده، یک فرد نمی‌تواند مسئول جرم باشد اگر در زمانی که عمل مجرمانه مرتکب شده است "عقل مجرمانه" (Guilty mind) نبوده است. چندین وضعیت وجود دارند که در آن قانون مشخص می‌کند که "عقل مجرمانه" وجود ندارد (برای مثال دفاع از خود). "جنون" (Insanity) یک اصطلاح روانشناختی نیست بلکه یک اصطلاح قانونی است. در امریکا استاندارد برای جنون توسط هر ایالت تعیین می‌شود، و همچنین یک استاندارد فدرال وجود دارد. یک استاندارد مشترک این است که آیا فرد می‌داند کاری که او در حال انجام آن بود، اشتباه بوده است. روانشناس قانونی باید وضعیت روانی مجرم را در زمان ارتکاب جرم مشخص کند نه اینکه مجرم در حال حاضر چه عملکردی دارد. بنابراین، بسیاری از کارهای روانشناس قانونی گذشته نگر هستند و باید متکی بر اطلاعات شخص سوم، قباله‌های وثیقه‌ای و ارتباطات مکتوب (برای مثال، اظهارات مطرح شده در زمان ارتکاب جرم) باشند (تایلور وارد، ۲۰۱۳).

تمارض

یک موضوع مهم در هر نوع ارزیابی قانونی موضوع تمارض و فریب است. ارزیاب شوندگان ممکن است علائم اختلال روانی را به طور عمدی اغراق یا وانمود کنند. روانشناس قانونی باید همیشه این احتمال را در ذهن خود نگه دارد. اگر روانشناس قانونی فرصت مشاهده ارزیاب شوندگان را در طول زمان و یا در محیط‌های مختلف دارد، احتمال این که او فریب را کشف و شناسایی کند، افزایش می‌یابد زیرا ارزیاب شوندگان معمولاً در حفظ علائم دروغین، به طور مداوم در طول زمان و در طی موقعیت‌ها، دچار اشکال هستند (راجرز، ۱۹۹۷). در برخی از پرونده‌های جنایی، دادگاه تمارض یا بیماری وانمود شده را به عنوان جلوگیری از

عدالت تلقی می‌کند و بر طبق آن متهم را محکوم می‌کند. در مورد دادگاه ایالات متحده بر علیه بینون (United States v. Binion)، تمارض یا بیماری وانمود شده در طول یک ارزیابی صلاحیت برگزار شد و منجر به یک حکم فزاینده گردید. به این ترتیب، بیماری‌های روانی دروغین در یک ارزیابی صلاحیت متهم - تا - محاکمه متهم در حال حاضر می‌تواند برای ارتقاء سطح صدور حکم متعاقب دادخواست مجرم یا گناهکار به وجود بیاید (دارانی، ۲۰۰۶).

ارزیابی‌های صلاحیت

به طور معمول، وظایف یک روانشناس قانونی تا حد زیادی به موضوعات محدود/دامنه و مدت زمان محدود می‌شوند. از یک روانشناس قانونی خواسته می‌شود تا وظیفه بسیار خاصی را در هر مورد فردی بر عهده بگیرد مانند مشخص کردن اینکه آیا یک مظنون از نظر روانی صلاحیت رویارو شدن با اتهامات وارده را دارد. در صورتی که سوالی از صلاحیت روانی متهم برای محاکمه شدن وجود دارد، یک روانشناس قانونی توسط دادگاه برای بررسی و ارزیابی فرد متهم تعیین می‌شود. فرد ممکن است در بازداشت باشد یا ممکن است به قید وثیقه آزاد شده باشد. بر اساس ارزیابی قانونی، به دادگاه توصیه شده است چه متهم و چه غیر متهم، برای ادامه محاکمه صلاحیت داشته باشد. اگر متهم برای ادامه محاکمه فاقد صلاحیت در نظر گرفته شده است، گزارش یا شهادت شامل توصیه‌هایی برای دوره‌ای موقت خواهند بود که طی آن تلاش برای اعاده صلاحیت فرد برای درک رسیدگی‌های دادگاهی و قانونی صورت می‌گیرد، همچنین شرکت مناسب در دفاع از خودشان انجام خواهد شد (شاپیرو، ۱۹۹۱). اغلب، این موضوع متعهدانه، در مشاوره یک روانشناس قانونی، برای یک تسهیلات درمان روانپزشکی تا زمانی که فرد دارای صلاحیت تشخیص داده شود، در نظر گرفته شده است (گریسو، ۱۹۸۸).

در نتیجه مورد دادگاه فورد بر علیه وین رایت (Ford v. Wainwright)، یک زندانی محکوم به اعدام فلوریدا که حکم وی قبل از اینکه به دیوان عالی ایالات متحده آورده شود،

اجرا گردید، روانشناسان قانونی برای ارزیابی صلاحیت زندانی برای موارد اجرای مجازات محکوم به اعدام، تعیین شدند (مجازات اعدام بیمار روانی: نظام عدالت کیفری و مورد آلوین فورد، ۲۰۰۷، مجازات اعدام بیمار روانی، ۲۰۰۷، فورد بر علیه وین رایت، ۲۰۰۷).

بررسی‌های انجام شده حاکی از گسترش برابری فرصت‌ها برای اشخاص مبتلا به اختلال یا دچار معلولیت و لزوم مشارکت کامل آنها در زندگی اجتماعی می‌باشد (رفیعی وردنجانی و پرم، ۱۳۹۲).

ارزیابی‌های سلامت عقل

روانشناس قانونی همچنین ممکن است برای ارزیابی وضعیت ذهنی متهم در زمان ارتکاب جرم توسط دادگاه تعیین شود. اینها متهمانی هستند که قاضی، دادستان یا وکیل مدافع، از طریق تعامل شخصی با متهم یا از طریق خواندن گزارش پلیس، معتقدند که ممکن است در زمان ارتکاب جرم به طور قابل توجهی دچار اختلال بوده‌اند. در سایر موقعیت‌ها، وکیل مدافع ممکن است تصمیم بگیرد برای ارتکاب جرم به دلیل جنون درخواست کند. در این مورد، معمولاً دادگاه ارزیاب قانونی تعیین می‌کند و در دفاع ممکن است متخصص قانونی خود را به کار بگیرد. در اقدام واقعی، دادخواست جنون در یک محاکمه به ندرت وجود دارد. در واقع یک دادخواست برای جنون تنها از ۱ در ۱۰۰۰ از موارد مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزیابی‌هایی که مورد استفاده قرار خواهند گرفت می‌توانند شامل این موارد باشند: وضعیت روانی به هنگام ارتکاب جرم (MSO) (Mental State at time of Offense)، ارزیابی‌ای که در مورد وضعیت روانی فرد در زمانی که مرتکب جرم شده است، قضاوت می‌کند و کمک کردن برای تصمیم‌گیری‌ای که آنها باید در برابر این جرم بکنند. فرد همچنین می‌تواند دادخواست گناهکار نبودن/مجرم نبودن به واسطه دلیل جنون (NGRI) (Not Guilty by Reason of Insanity) یا گناهکار/مجرم اما بیماری روانی (GBMI) (Guilty but Mentally Ill) کند، در مواردی که افراد محکومیت خود را در یک مرکز بهداشت روانی شروع و سپس آن را در یک مرکز تأدیبی کامل خواهند کرد. معمولاً همه

قضاوت‌ها درباره وضعیت ذهنی متهم در زمان ارتکاب جرم، قبل از اینکه فرایند محاکمه آغاز شود، توسط دادگاه انجام می‌شوند (راجرز، ۱۹۸۶).

تخفیف در حکم

حتی در موقعیت‌هایی که اختلال روانی متهم معیارهای گناهکار نبودن را به واسطه دلیل دفاع جنون کامل نمی‌کنند، وضعیت ذهنی متهم در زمان ارتکاب جرم، همچنین سابقه قبلی اختلال روانی و سوء استفاده روانشناختی می‌تواند برای تلاش در تخفیف در حکم به کار برده شود. ارزیابی و گزارش روانشناس قانونی یک عنصر مهم در ارائه شواهد برای تخفیف در حکم متهم است. در مورد دادگاه هامبلین بر علیه میتچل (Hamblin v. Mitchell)، ششمین دادگاه تجدیدنظر سیر کوئیت (The Sixth Circuit Court of Appeals)، تصمیم یک دادگاه پایین‌تر را به دلیل اینکه رایزنی دادگاه به طور کامل تاریخچه روانی متهم در آماده سازی برای مرحله صدور حکم مجازات را بررسی نکرده بود، تغییر داد (هامبلین بر علیه میتچل، ۲۰۰۳). به طور خاص، دادگاه اظهار داشت که چنین بررسی باید اعضای خانواده فعلی و گسترده متهم، سابقه پزشکی و سابقه خانوادگی و اجتماعی (از جمله سوء استفاده جسمی و روانی، خشونت خانگی، مواجهه با حوادث تروماتیک و خشونت جنایی) را در بر گیرد. این مسئله بیشتر در موارد دادگاه ویگینز بر علیه اسمیت (Wiggins v. Smith) و بیگی بر علیه دریتکی (Bigby v. Dretke) مورد تاکید قرار گرفت.

سایر ارزیابی‌ها

از روانشناسان قانونی غالباً برای ارزیابی از خطرناک بودن فرد یا خطر تخلف مجدد فرد درخواست می‌شود. آنها ممکن است اطلاعات و توصیه‌های لازم برای مقاصد صدور حکم، تضمین مالی عفو مشروط، و فرمول بندی شرایط عفو مشروط را فراهم کنند که اغلب شامل ارزیابی توانایی مجرم برای یازتوانی می‌باشد. همچنین از روانشناسان قانونی سوال‌هایی در مورد قابل قبول بودن و اعتبار شاهد و تمارض پرسیده می‌شود (راجرز، ۱۹۹۷). گاهی اوقات،

آنها همچنین ممکن است نیمرخ‌های کیفری را برای اجرای قانون ارائه دهند (رسلر، ۱۹۸۸، هولمز، ۱۹۹۰، میلوی، ۱۹۹۸).

به دلیل تصمیم دیوان عالی قوانین تعهد غیرارادی حمایتی برای مجرمان جنسی درنده‌خو در مورد کانزاس بر علیه هندریکس (Kansas v. Hendricks)، این احتمال وجود دارد که روانشناسان قانونی برای تهیه توصیه‌نامه‌ها، در موارد فردی تصمیم‌های تعهد مدنی پایان حکم، درگیر بشوند.

تلویحات اخلاقی

یک روانشناس قانونی به طور کلی در محدوده دادگاه، امکانات حبس و سایر محیط‌های قانونی عمل می‌کند. یادآوری این موضوع حائز اهمیت است که یک روانشناس قانونی احتمالاً برای شهادت دادن مشابه با دادستان برای وکیل مدافع است. یک روانشناس قانونی، آن طور که روانشناسان توصیف شده در زیر انجام می‌دهند، یک طرف قضیه را در نظر نمی‌گیرد (برودسکای، ۱۹۹۱). استانداردهای اخلاقی برای یک روانشناس قانونی متفاوت از استانداردهای اخلاقی برای روانشناسان بالینی یا سایر روانشناسان تمرین دیده است زیرا روانشناس قانونی برای مراجع یک مدافع نیست و هیچ مطلبی که محرمانه نگه داشتن اطلاعات را تضمین کند به مراجع نمی‌گوید. این باعث می‌شود تا ارزیابی مراجع مشکل شود، آن چیزی که روانشناس قانونی نیاز دارد و می‌خواهد به دست آوردن کلیه اطلاعات است، در حین اینکه ارائه اطلاعات اغلب مورد علاقه‌ترین موضوع برای مراجع نیست. مراجع بر روی این موضوع که از این اطلاعات چگونه استفاده می‌شود، هیچ کنترلی ندارد (داتز، ۱۹۸۹). با وجود امضای چشم پوشی از محرمانه بودن اطلاعات، اکثر مراجعان درکی از ماهیت موقعیت ارزشیابی ندارند (گری، ۱۹۹۷). وانگهی، روش‌های مصاحبه یک روانشناس قانونی از روش‌های معمول مصاحبه یک روانشناس بالینی متفاوت است و نیاز به درک درستی از ذهن جنایی و رفتار مجرمانه و خشونت آمیز دارد (تاچ، ۱۹۹۲). برای مثال، حتی اشاره کردن یک روانشناس قانونی به یک متهم در حال مصاحبه، در خصوص اینکه وی جهت دریافت کمک تخصصی

برای متهم تلاش خواهد کرد، ممکن است زمینه کنار گذاشتن شهادت کارشناسانه وی توسط دادگاه گردد (بلاو، ۲۰۰۸).

علاوه بر این، روانشناس قانونی بر خلاف روانشناسی که به طور متوسط در کار تمرین می‌بینند، با طیف وسیعی از مراجعان مواجهه است. به این دلیل که بنیان مراجع بر اساس انجام رفتار جنایی وسیع است، یک روانشناس قانونی در یک دنیای مرضی غوطه ور است (تاچ، ۱۹۸۹). به این ترتیب، جمعیت مورد ارزیابی توسط روانشناس قانونی، به شدت با اختلال‌های شخصیتی خاصی وزن داده می‌شود (کلکلی، ۱۹۸۲، میلون، ۱۹۹۶، میلیوی، ۱۹۹۶).

زمینه‌های معمول برای دادخواست‌های عمل سوء مانند تعهد غیر قانونی، رضایت آگاهانه ناکافی، وظیفه و نقض وظیفه و استانداردهای مسائل مربوط به مراقبت همچنین برای روانشناس قانونی به کار برده می‌شود. برخی از موقعیت‌ها برای روانشناس قانونی واضح‌تر و صریح‌تر هستند. وظیفه هشدار دادن که توسط بسیاری از ایالت‌ها حکم داده شده است، به طور کلی یک مشکل نیست، زیرا مراجع یا متهم قبلاً پخش اطلاعات را امضا کرده است، مگر اینکه قربانی به وضوح شناسایی نشود و این موضوع باعث تشخیص هویت قربانی می‌شود. با این حال، به طور کلی یک روانشناس قانونی کمتر از یک روانشناس بالینی احتمال دارد با دادخواست‌های عمل سوء مواجهه شود. روانشناس قانونی برخی مسائل مسئولیت تخصصی اضافی را انجام می‌دهد. همانطور که در بالا ذکر شد، محرمانه بودن اطلاعات نسبت به یک محیط بالینی پیچیده‌تر است، به طوری که مراجع یا متهم علیرغم هشدار دادن و امضاء کردن پخش اطلاعات، متمایل به تفسیر غلط محدودیت‌های محرمانه بودن اطلاعات است (شاپیرو، ۱۹۹۱).

جنبه‌های مثبت و منفی حرفه روانشناسی قانونی

حرفه روانشناسی قانونی دارای جنبه‌های مثبت و منفی به شرح زیر است:

مزایای حرفه روانشناسی قانونی

جنبه‌های مثبت حرفه روانشناسی قانونی عبارتند از:

- فرصت کمک به دیگران
- مسیرهای شغلی متنوع (مانند دادگاه‌های کیفری، مشاوره، دولت، آموزش)
- یک حرفه چالش برانگیز و پاداش دهنده

جنبه‌های منفی حرفه روانشناسی قانونی

- جنبه‌های منفی حرفه روانشناسی قانونی عبارتند از:
- مستلزم یک تعهد زمانی قابل توجه (۷-۵ سال تحصیلی) است.
- پرداخت حق الزحمه معمولاً بر حسب میزان آموزش و کار مورد نیاز پایین است.
- ناکامی، استرس و فرسودگی شغلی می‌تواند رخ دهند (چری، ۲۰۱۴).

روانشناس قانونی جنایی/کیفری: اطلاعات شغلی، وظایف و الزامات

هنگامی که نظام قانونی به تخصص روانشناختی، چه در ارزیابی زندانیان، چه برای شهادت در دادگاه یا برخورد با رفتار تروریستی نیاز دارد، برای کمک کردن نوبت به روانشناسان قانونی جنایی/کیفری (Criminal forensic psychologists) می‌رسد. این روانشناسان به طور خاص در استفاده از اصول و شیوه‌های روانشناسی برای موضوعات برخورد با قوانین و نظام قانونی آموزش می‌بینند (روانشناسی قانونی: الزامات آموزشی و اطلاعات شغلی، ۲۰۱۴).

اطلاعات شغلی روانشناس قانونی جنایی/کیفری

روانشناسی قانونی جنایی/کیفری (Criminal forensic psychology) یک زیر رشته از یک حوزه تخصصی روانشناسی است به نام روانشناسی قانونی که به افراد و نهادهای درگیر در نظام قانونی، خدماتی را ارائه می‌دهد. روانشناسان قانونی جنایی در درجه اول در نظام عدالت کیفری کار می‌کنند، در حالی که عدالت مدنی و نظام‌های دادگاه خانواده توسط روانشناسان در سایر زیر رشته‌های روانشناسی قانونی اشغال می‌شوند (روانشناسی قانونی: الزامات آموزشی و اطلاعات شغلی، ۲۰۱۴).

روانشناسان قانونی جنایی/کیفری ممکن است با کار کردن به عنوان مشاوران مستقل برای وکلا، دادگاه‌ها، زندان‌ها، بیمارستان‌های دولتی، سازمان‌های اجرای قانون، سازمان‌های عفو مشروط یا سایر عناصر نظام قانونی کیفری، خود-اشتغال شوند. برخی از روانشناسان قانونی توسط سازمانی که آنها در آن به خدمت مشغول هستند، به کار گرفته می‌شوند. برای مثال آنها ممکن است کارکنان بیمارستان‌های زندان یا واحدهای سازمان سیا بشوند. هم سازمان‌های فدرال و هم سازمان‌های اجرای قانون ایالتی روانشناسان قانونی جنایی را استخدام می‌کنند (روانشناسی قانونی: الزامات آموزشی و اطلاعات شغلی، ۲۰۱۴).

حقوق و دستمزد و اطلاعات رشد شغلی

در حالی که دفتر آمار کار ایالات متحده آمریکا (BLS) رشد شغلی یا داده‌های حقوق و دستمزد به طور خاصی را برای روانشناسان قانونی جنایی/کیفری جدا نمی‌سازد، به این موضوع توجه دارد که تعداد مشاغل برای روانشناسان به طور کلی انتظار می‌رود رو به رشد باشد (یک رشد ۱۲ درصدی از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۲۲). BLS همچنین گزارش می‌دهد که انتظار می‌رود که بهترین چشم اندازهای کاری برای افراد دارای مدرک دکتری در تخصص‌هایی مانند روانشناسی قانونی باشد. اطلاعات حقوق و دستمزد BLS در ماه مه ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که روانشناسان در زیر شاخه‌ای که شامل روانشناسان قانونی می‌شوند، متوسط حقوق و دستمزد سالانه ۹۱،۱۴۰ دلار در آن سال را دریافت کردند.

وظایف روانشناس قانونی جنایی/کیفری

وظایف شغلی روانشناسان قانونی جنایی/کیفری طیف گسترده‌ای، بسته به مورد درگیر و خدمات درخواست شده را تحت پوشش قرار می‌دهد. روانشناسان ممکن است به منظور تهیه نیمرخ‌های روانشناختی مظنونین، مذاکره در بحران‌هایی مانند موقعیت‌های گروگان‌گیری، اجرای آزمون‌های دروغ سنج و ارزیابی شهادت‌های شاهدان عینی با سازمان‌های اجرای قانون کار کنند.

هم دادستان‌ها و هم وکلای مدافع از روانشناسان قانونی می‌خواهند تا در ارزیابی بالقوه هیئت منصفه، ارزیابی رفتار هیئت منصفه و ارائه شهادت تخصصی طی روندهای محاکمه جنایی/کیفری کمک کنند. علاوه بر این، دادگاه از روانشناسان برای ارزیابی صلاحیت روانی مظنونین، جهت تعیین اینکه آیا آنها برای محاکمه شدن در دادگاه مناسب هستند یا نه، و همچنین برای تعیین مسائل مربوط به بهداشت روانی مجرمان محکومی که طی دوره محکومیت لازم است مورد خطاب قرار گیرند، استفاده می‌کنند.

در تکمیل درخواست کار از روانشناسان قانونی، آنها معمولاً پژوهش انجام می‌دهند، آزمون‌ها و ارزیابی‌ها را اجرا می‌کنند، مصاحبه می‌کنند، رفتارهای مظنون/شاهد را مورد مشاهده قرار می‌دهند، یافته‌های خود را به صورت مکتوب مستند می‌کنند و در دادگاه شهادت می‌دهند. آنها همچنین ممکن است وظایف میانجی‌گری و مشاوره قربانی را انجام دهند.

الزامات روانشناس قانونی جنایی/کیفری

روانشناسان شاغل در رشته قانونی نیاز به حداقل درجه کارشناسی ارشد در روانشناسی همراه با تجربه یا آموزش در نظام قانونی دارند. روانشناسان قانونی جنایی/کیفری نیاز به درک این مسئله دارند که نظام قانونی به عنوان یک کل چگونه کار می‌کند و نظام قانونی با گزارش‌های ارزیابی، خلاصه پرونده قانونی و شهادت‌های متخصص چگونه ارتباط پیدا می‌کند. آنها همچنین نیاز به آشنایی با قوانین مربوط به موضوعات بهداشت روانی دارند.

الزامات آموزشی

تعداد فزاینده‌ای از دانشگاه‌ها برنامه‌های کارشناسی ارشد به طور خاص در روانشناسی قانونی را ارائه می‌دهند. علاوه بر آموزش اصول کلی روانشناسی، پژوهش و کار بالینی، این برنامه‌های تخصصی دروسی در مورد مسائلی مانند جنون و عدم صلاحیت، روانشناسی رفتار مجرمانه، مداخله در بحران و خشونت خانگی را ارائه می‌دهند. این برنامه‌ها به طور معمول فرصت‌های کار میدانی یا کارورزی در محل‌های دادرسی قانونی را فراهم می‌کنند. برنامه‌های کارشناسی ارشد معمولاً دو سال آموزشی تمام وقت طول می‌کشد.

روانشناسان قانونی دارای درجه‌های دکتری طیف وسیع‌تری از فرصت‌های شغلی را ارائه می‌دهند. به‌خصوص مشاوران خود-اشتغالی که شهادت تخصصی می‌دهند و در موقعیت‌های بحرانی مانند مذاکرات گروگان‌گیری یا ارزیابی‌های تروریستی کار می‌کنند، معمولاً دارای درجه دکترای در روانشناسی قانونی هستند. برنامه‌های دکترا که می‌توانند پنج سال یا بیشتر کار تمام وقت را تکمیل کنند، به‌طور معمول هم شامل تجربیات کار بالینی و هم شامل تجربیات پژوهشی هستند. برنامه‌های دکتری Ph.D. به‌طور معمول تأکید بیشتری بر پژوهش و به‌حد اعلاء رسانیدن یک پایان‌نامه دکتری دارند، در حالی که برنامه‌های دکتری روانشناسی Doctor of Psychology (Psy.D.) تمرکز بیشتری بر تجربیات بالینی دارند. فارغ‌التحصیلان پس از اخذ درجه دکترای خود ممکن است وارد برنامه‌های آموزشی فوق دکترای یک‌ساله شوند که در این برنامه‌ها آموزش بالینی و پژوهشی جامع و کامل را در روانشناسی قانونی دریافت می‌کنند.

دوره دکترای کار روانشناسی قانونی

Forensic Psychology Practice Doctorate (ForenPsyD)

این برنامه تمام وقت ترکیبی از آموزش‌های دانشگاهی، پژوهشی و تخصصی در طول کارهای قانونی می‌باشد و توسط مرکز روانشناسی جرم‌شناسی و قانونی (Centre for Forensic and Criminological Psychology) ارائه شده است. این برنامه فقط برای فارغ‌التحصیلان روانشناسی که با انجمن روانشناسی بریتانیا (BPS) (British Psychological Society) ثبت نام می‌شوند، باز است. پس از اتمام برنامه فرد واجد شرایط وضعیت روانشناسی خبره BPS (BPS Chartered Psychology status) و عضویت کامل در بخش روانشناسی قانونی (Division of Forensic Psychology) می‌باشد. همچنین فرد واجد شرایط درخواست برای ثبت نام در شورای حرفه‌های بهداشت و مراقبت (Health and Care Professions Council) یا بدنه تنظیمی/نظارتی قانونی برای

روانشناسی (the statutory regulating body for Psychology) به عنوان یک روانشناس قانونی می‌باشد.

در دانشگاه بیرمنگام انگلیس نوع دوره دکتری پژوهشی، به صورت تمام وقت و نیمه وقت است. طول دوره ۳ سال تمام وقت، و ۴ سال پاره وقت برای افراد مشغول به کار در محیط قانونی، کارمندانی که به لحاظ مالی حمایت می‌شوند (Employee sponsored) یا کارمندانی که هزینه دوره تحصیلی را خودشان تامین می‌کنند (Self-funded)، است.

اهداف برنامه

اهداف این برنامه شامل ارائه دانش و مهارت‌ها برای کار کردن به عنوان یک روانشناس قانونی، تجزیه و تحلیل رفتار مجرم و تاثیر آن بر قربانیان، مدیریت، ارزیابی و برنامه ریزی راهبردهای درمان هم برای قربانیان و هم برای مجرمین، و کار کردن به عنوان یک متخصص ارائه دهنده آموزش و گزارش‌های تخصصی هستند. رویکرد مبتنی بر شواهد به کار/عمل قانونی، با هدف رشد مهارت‌ها در پژوهش و ارزیابی، مورد تاکید است. مطالعات موردی تخصصی، مطالعات پژوهشی و گزارش‌های کار قانونی انجام می‌شوند.

دوره پاره وقت

این برنامه پاره وقت بیش از چهار سال، برای کارمندانی که به لحاظ مالی حمایت می‌شوند یا کارمندانی که هزینه دوره تحصیلی را خودشان تامین می‌کنند توسط کارفرمایانی که مایل به نظارت بر کارمندان در محل کار در طول دوره دکتری می‌باشند، به اجرا گذاشته می‌شود. مانند دوره تمام وقت، مدرک دکترای کار روانشناسی قانونی (ForenPsyD) به این افراد اعطا می‌شود و واجد شرایط برای وضعیت روانشناسی خبره BPS و عضویت در بخش روانشناسی قانونی هستند. همچنین فرد واجد شرایط درخواست برای ثبت نام شورای تخصصی بهداشت و مراقبت (بدنه تنظیمی/نظارتی قانونی برای روانشناسی)، به عنوان یک روانشناس قانونی می‌باشد.

دلیل تحصیل در این دوره

مرکز روانشناسی جرم‌شناسی و قانونی دانشگاه یک رویکرد خطر، تئوری و عمل را برای بررسی علل و عواقب جرم شدید، خشونت خانوادگی و بدرفتاری کودک اتخاذ می‌کند. توسعه ارزیابی خطر، تئوری و عمل، کار با زندان، جامعه، متخصصان بهداشت روانی قانونی و پلیس را مورد تاکید قرار می‌دهند.

مرکز ایجاد شده اولین دوره دکتری تخصصی در روانشناسی قانونی (First Practitioner Doctorate in Forensic Psychology) توسط انجمن روانشناسی بریتانیا (BPS) معتبر شناخته شد. در حال حاضر مفتخر به ارائه تعیین مسیر توسعه حرفه‌ای مداوم برای این وضعیت است. بیرمنگام به عنوان یکی از دانشگاه‌های پیشرو در انگلستان تلقی می‌شود و در ارزیابی تحقیقاتی سال ۲۰۰۸ دانشکده روانشناسی اخیرا جزء سه گروه برتر در انگلستان رتبه بندی شد.

مدل‌ها (Modules)

هم تئوری و هم عمل در چارچوب نظام‌های قانونی و موسسه‌ای قرار می‌گیرند که از طریق آن مجرمین و قربانیان مدیریت می‌شوند. مدل‌های برنامه تدریس عبارتند از موارد زیر:

- روانشناسی و درک جرم (Psychology and the understanding of crime)
 - روانشناسی، اجرای قانون و عدالت کیفری (Psychology, law enforcement and criminal justice)
 - کار با مجرمین جرایم شدید (Working with offenders of serious crime)
 - ارزیابی (مجرمین و قربانیان) Assessment (offenders and victims)
 - روانشناسی و نظام دادگاه (Psychology and the court system)
 - روان درمانی قانونی و مسائل حرفه‌ای (Forensic psychotherapy and professional issues)
- مدل‌های سطح پیشرفته (Advanced-level modules) موارد زیر را پوشش می‌دهند:
- ارزیابی عملکرد قانونی (Forensic practice assessment)

- روش‌های مطالعه موردی (Case study methods)
- روش‌های ارزیابی و پژوهش (Research and evaluation methods)
- ارزیابی انتقادی (Critical appraisal)
- توسعه اندازه‌گیری‌های روان‌سنجی (Development of psychometric measures)
- نوشته، آموزش و ارائه تخصصی (Professional writing, training and presentation)

هزینه‌ها و بودجه

بورس‌های تحصیلی ممکن است قابل دسترس باشد. دانشجویان بین‌المللی اغلب می‌توانند کمک‌های مالی از طریق بورس‌های تحصیلی پژوهشی در خارج از کشور، کمک هزینه تحصیلی مشترک المنافع (Commonwealth scholarships) یا دولت کشور خود را دریافت نمایند. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توان به طور مستقیم با دانشکده یا دفتر بودجه دانشجویی (Student Funding Office) از طریق سیستم جستجوهای آنلاین تماس گرفت.

شرایط ورود

شرایط ورود تمام وقت

- یک مدرک افتخاری خوب (۲:۱ یا بالاتر) در روانشناسی که پایه تحصیلات تکمیلی برای امتیاز (Graduate Basis for Chartership) (GBC) به‌وسیله انجمن روانشناسی بریتانیا (BPS) و تجربه کار کردن در یک محیط قانونی را اعطا می‌کند.
- تعلیم گیرنده‌ها باید بررسی فاش‌سازی پیشرفته و خدمات پیشگیری (DBS) (Enhanced Disclosure and Barring Service)، بررسی دفتر سوابق کیفری سابق (previously the Criminal Records Bureau check) را قبل از حضور در هر محلی تکمیل کنند. این دوره عاری از توانبخشی عمل مجرمین (Rehabilitation of Offenders Act) و هیچ محکومیتی "رها شده" (Spent) در نظر گرفته نمی‌شود.
- تجربه قانونی مرتبط یا جایگزین مشابه

شرایط ورود پاره وقت

- یک مدرک افتخاری خوب (۲:۱ یا بالاتر) در روانشناسی که پایه تحصیلات تکمیلی برای امتیاز (GBC) به وسیله انجمن روانشناسی بریتانیا (BPS) را اعطا می‌کند و باید در یک محیط قانونی شاغل باشد.
- تعلیم گیرنده‌ها باید بررسی فاش سازی پیشرفته و خدمات پیشگیری (DBS)، بررسی دفتر سوابق کیفری سابق را قبل از حضور در هر محلی تکمیل کنند. این دوره عاری از توانبخشی عمل مجرمین و هیچ محکومیتی "رها شده" در نظر گرفته نمی‌شود.
- لزوم اشتغال در یک محیط قانونی مرتبط

دانشجویان بین المللی

- همانند موارد فوق
- داوطلبان باید مطابق با الزامات شورای تخصصی بهداشتی و مراقبتی تسلط در زبان انگلیسی (معادل استاندارد نمره ۷ برای سطح IELTS (بدون هیچ بخشی زیر ۶/۵) را دارا باشند.

دروس مربوط به دکترای روانشناسی قانونی در امریکا

دروس دوره دکترای روانشناسی قانونی در امریکا به شرح زیر هستند:

- مداخله در بحران (Crisis intervention)
- ارزیابی و مداخله سوء مصرف مواد (Substance abuse assessment and intervention)
- مسائل عصب روانشناختی، ارزیابی و درمان (Neuropsychological issues, treatment and assessment)
- پایه‌های آسیب شناسی روانی (Bases of psychopathology)
- روش‌های تحقیق (Research methods)
- آمار (Statistics)

- روانشناسی تحقیقاتی و قانونی (Legal and investigative psychology)
- موضوعات در نظام قانونی امریکا (Issues in the American legal system)
- مجازات اعدام و تخفیف آن (The Death penalty and its mitigation)
- محکومیت‌های بناحق: تجزیه و تحلیل موردی (Wrongful convictions: Case analysis)
- تجربه میدانی در دادگاه جنایی/کیفری (Field experience in criminal court)
- روانشناسی، سیاست اجتماعی و قانون (Psychology, social policy, and law)
- روانشناسی رفتار جنایی (Psychology of criminal behavior)
- روانشناسی خشونت جنسی و استثمار (Psychology of sexual violence and exploitation)
- قربانیان خشونت بین فردی (Victims of interpersonal violence)
- ارزیابی قانونی (Forensic assessment)
- روانشناسی اجرای قانون (Psychology of law enforcement)
- ترسیم نیمرخ فردی: بین‌المللی و سیاسی (Individual profiling: International and political)
- ترسیم نیمرخ گروهی و کشوری: بین‌المللی و سیاسی (Group and country profiling: International and political)
- جرم‌شناسی رفتاری (Behavioral criminology)
- آسیب‌شناسی روانی کودک و نوجوان (Psychopathology of childhood and adolescence)
- روانشناسی و درمان مجرم نوجوان (Psychology and treatment of the juvenile offender)
- قربانی کردن کودک (Child victimization)
- دادرسی/عدالت ویژه نوجوانان (Juvenile justice)

- جامعه اطلاعاتی: نظریه، فرایند و چالش‌ها (The intelligence community: Theory, process, and challenges)
- تجزیه و تحلیل اطلاعاتی ۱ (Intelligence analysis I)
- تجزیه و تحلیل اطلاعاتی ۲ (Intelligence analysis II)
- سازمان ضد جاسوسی (Counterintelligence)
- تروریسم معاصر و واکنش ایالات متحده (Contemporary terrorism and the U.S. response)
- پروژه: روانشناسی قانونی و حقوقی (Project: Forensic and legal psychology)
- کارورزی: روانشناسی قانونی و حقوقی (Internship: Forensic and legal psychology) (دروس دانشگاهی روانشناسی قانونی، ۲۰۱۴).

توصیف دروس دکتری روانشناسی قانونی در امریکا

توصیف دروس دکتری روانشناسی قانونی در امریکا به شرح زیر می‌باشد:

مداخله در بحران (Crisis intervention)

دانشجو را با جنبه‌های مختلف مداخله در بحران از جمله بررسی درمانگر موثر در بحران، ارزیابی بحران، راهبردها و روش‌های مداخله، و تحلیل انتقادی از بحران‌های رشدی، موقعیتی و وجودی آشنا می‌سازد.

ارزیابی و مداخله سوء مصرف مواد (Substance abuse assessment and intervention)

هدف آشنا ساختن دانشجو با جنبه‌های مختلف سوء مصرف مواد و درمان آن است. مباحث عبارتند از تعاریف و مفهوم سازی‌های سوء مصرف مواد، مدل‌های پزشکی اجتماعی و رفتاری اعتیاد، داروشناسی روانی مواد، و راهبردها و روش‌های مداخله.

مسائل عصب روانشناختی، ارزیابی و درمان (Neuropsychological issues, treatment) (and assessment)

تأثیر عوامل زیست شناختی و فیزیولوژیکی بر عملکرد روانشناختی انسان، با تمرکز اولیه بر نحوه تأثیر این عوامل بر روی سبب شناسی اختلال‌های روانپزشکی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارزیابی عوامل عصب فیزیولوژیک و گزینه‌های درمانی موجود و در دسترس نیز مورد بحث قرار می‌گیرند.

پایه‌های آسیب‌شناسی روانی (Bases of psychopathology)

دیدگاه‌های مختلف معاصر رفتار غیر طبیعی مانند مدل‌های پزشکی، رفتارگرایی و انسان‌گرایی، و نظریه‌های شخصیت را بررسی می‌کند. اختلالات در قالب عوامل فردی، زیست شناختی و سبب ساز از نظر اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

روش‌های تحقیق (Research methods)

این درس یک درک دقیق از چگونگی انجام پژوهش در علوم اجتماعی را به دانشجویان ارائه می‌کند. دانشجویان دانش اینکه چگونه یک سوال پژوهشی را به طور عملیاتی تعریف کنند، انواع مختلف طرح پژوهشی را به کار بگیرند، بر موضوعات اخلاقی تأکید کنند، که طی پژوهش به وجود می‌آید و چگونه به طور موثر پژوهش منتشر را مورد نقد قرار دهند، کسب می‌کنند. علاوه بر این، دانشجویان درک درستی از رابطه بین طرح‌های تحقیقاتی و تجزیه و تحلیل آماری مختلف جهت بهبود توانایی‌شان برای درک و بکارگیری پژوهش‌های منتشر شده به دست می‌آورند.

آمار (Statistics)

این درس درک دقیقی از آمارهای تک متغیره همچنین مقدمه‌ای به آمارهای چند متغیره رایج را به دانشجویان ارائه می‌دهد. دانشجویان دانش اینکه چگونه به طور موثر از نرم افزار SPSS برای ایجاد پایگاه داده‌ها استفاده کنند، تجزیه و تحلیل کنند، و تفسیر خروجی‌ها برای تجزیه و تحلیل‌های مختلف تحت پوشش در کلاس را تفسیر کنند، به دست خواهند

آورد. علاوه بر این، دانشجویان درک درستی از مفاهیمی که زمینه تجزیه و تحلیل‌های مختلف مورد بحث، برای پیشبرد دانش خود در خصوص اینکه چرا تجزیه و تحلیل‌های خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند و تحت آن شرایط یک تجزیه و تحلیل خاص مناسب خواهد بود را کسب خواهند نمود. در نهایت، دانشجویان این دانش را برای خواننده‌های تخصصی یافته جهت پیشبرد توانایی شان برای اینکه پژوهش را به طور انتقادی تحلیل کنند، به کار خواهند گرفت.

روانشناسی تحقیقاتی و قانونی (Legal and investigative psychology)

نقش پژوهش و دانش روانشناختی به طوری که آن را به موضوعات معاصر درون سیستم‌های اجرایی قانونی و حقوقی مرتبط کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. تمرکز خاصی بر استفاده از حوزه‌های تجربی روانشناسی (برای مثال حوزه‌های، اجتماعی، شناختی، فیزیولوژیکی) به موضوعاتی مانند حافظه و شناسایی شاهد، مصاحبه تحقیقی، کشف تقلب، اعترافات دروغین، کالبد شکافی‌های روانشناختی و داوران می‌کند.

موضوعات در نظام قانونی امریکا (Issues in the American legal system)

برای معرفی استدلال قانونی و تجزیه و تحلیل تعامل بین تفکر حقوقی و تفکر روانشناختی طراحی شده است. دانشجویان قانون اساسی ایالات متحده و نظرات دادگاه اصلی منتخب را مطالعه خواهند کرد... آنها ساختار نظام نامطلوب و زیانبار امریکا را مورد بررسی قرار خواهند داد، در مورد نقاط قوت و ضعف آن بحث خواهند کرد، و راه حل‌هایی را برای مشکلات آن پیشنهاد خواهند نمود.

مجازات اعدام و تخفیف آن (The Death penalty and its mitigation)

دانشجویان در مورد نظام قانونی امریکا آن گونه که مربوط به موارد مجازات اعدام است آموزش می‌بینند. اگر چه این درس بر دادخواهی و تخفیف سطح محاکمه مجازات اعدام تاکید می‌کند، دانشجویان همچنین در مورد پس از محکومیت / habeas و عفو اجرایی نیز

آموزش می‌بینند. مطالعه و آموزش بر دادخواهی مجازات اعدام در گذشته و حال، بررسی دفاعیه و تخفیف در صدور حکم، متهمان مجازات اعدام و بهداشت روان، راهبرد، شیوه‌های سطح محاکمه و سایر موضوعات متمرکز خواهد بود.

محکومیت‌های بناحق: تجزیه و تحلیل موردی (Wrongful convictions: Case analysis)

این درس برای دانشجویان فرصتی را برای بررسی یک مورد فعلی واقعی محکومیت بناحق احتمالی برای دیگر کشی، با استفاده از وضعیت هنر تحقیق و روش‌های تحقیقی فراهم می‌سازد. با کمک کارشناسان اجرای قانون، دانشجویان صحنه جرم، استدلال‌های دادستان و کیل مدافع، شهادت شهود، رفتار پلیس و وضعیت روانشناختی فرد محکوم را بررسی می‌کنند. در پایان کلاس، دانشجویان یک تحلیل کتبی از مورد را تهیه می‌کنند که به وکیل یا وکلای مراجع ارائه می‌گردد.

تجربه میدانی در دادگاه جنایی/کیفری (Field experience in criminal court)

این درس به دانشجو فرصتی برای صرف مقدار قابل توجهی از زمان مشاهده در دادگاه جنایی/کیفری تحت مربیگری یک قاضی را فراهم می‌سازد. دانشجویان دفاعیه محاکمه (قسمت‌های محاکمه، دفاعیه موثر، و نقش وکلا، قضات، بخش‌ها و شهود) را مطالعه و نظام دادگاه را از نظر انتقادی ارزیابی خواهند کرد. دانشجویانی که این دوره را طی می‌کنند باید برای قرائت‌های متعدد و ساعات اضافی انجام فعالیت‌های دوره آماده باشند. دانشجویان فرصتی را برای صحبت کردن با قضات و وکلا بر یک پایه منظم خواهند داشت.

روانشناسی، سیاست اجتماعی و قانون (Psychology, social policy, and law)

این درس به دانشجو موضوعاتی در توسعه و پیاده سازی سیاست‌های عمومی در نظام قانونی، با تاکید ویژه بر نقش دانش روانشناختی را معرفی می‌کند. این درس دانشجو را با موضوعات نظری توسعه سیاست و اصول روند قانونگذاری آشنا می‌سازد، همچنین فرصتی برای کار بر روی یک مسئله سیاستگذاری منتخب را فراهم می‌کند.

روانشناسی رفتار جنایی (Psychology of criminal behavior)

این درس یک درک بنیادی از ریشه‌ها و عواقب رفتار مجرمانه از جمله دیدگاه‌های زیست‌شناختی، شناختی، رفتاری، روانی اجتماعی و رشدی را فراهم می‌کند. همچنین نظریه‌های انحراف اجتماعی، تعصبات فرهنگی، و زیربناهای پرخاشگری را بررسی و کاوش می‌کند.

روانشناسی خشونت جنسی و استثمار (Psychology of sexual violence and exploitation)

این درس یک درک بنیادی از ریشه‌ها و عواقب سوء استفاده جنسی، خشونت جنسی، فحشا و روسپی‌گری، قاچاق، و بهره‌کشی جنسی از دیدگاه‌های روانشناختی، اجتماعی و قانونی را فراهم می‌کند.

قربانیان خشونت بین فردی (Victims of interpersonal violence)

بررسی قربانی‌شناسی (Victimology) معاصر آن گونه که با خشونت فیزیکی در روابط شخصی ارتباط پیدا می‌کند. این درس با تاکید بر نظریه‌های فعلی و عمل با توجه به رفتار خشونت آمیز و درمان دولتی و سازمانی قربانیان، به دانشجویان در آگاه شدن از گرفتاری منحصر به فرد قربانیان در جامعه آمریکا کمک می‌کند. این درس خشونت فیزیکی در خانواده‌های آمریکایی از جمله همسر، فرزند، و سوء رفتار با سالمند، و سایر اشکال آسیب بین فردی را بررسی می‌کند.

ارزیابی قانونی (Forensic assessment)

این درس ظرفیت و صلاحیت دانشجویان را برای تجزیه و تحلیل و درک ارزیابی‌های روانشناختی که اغلب در محیط‌های قانونی بیشتر لازم است را رشد می‌دهد. دانشجویان با اجرا و تفسیر آزمون، همچنین طرح آزمون، روش‌شناسی و استانداردسازی داده‌ها با تنوعی از ابزارهای ارزیابی آشنا خواهند شد. پیش‌نیاز درس پایه‌های آسیب‌شناسی روانی است.

روانشناسی اجرای قانون (Psychology of law enforcement)

این درس به دانشجویان یک درک بنیادی از اینکه چگونه روانشناسی برای اجرای قانون، به ویژه نقش روانشناس و استفاده از اصول و دانش روانشناختی در سازمان‌های مجری قانون به کار برده می‌شود را فراهم می‌سازد. نقش‌های سنتی روانشناس، همچنین کارکردهای معاصر، مورد تاکید قرار خواهند گرفت.

ترسیم نیمرخ فردی: بین‌المللی و سیاسی (Individual profiling: International and political)

این درس برای ارائه یک نمای کلی از نظریه و پژوهش در حوزه‌های اصلی روانشناسی فردی قانونی (forensic individual psychology) طراحی شده است، به طوری که آن را به علوم رفتاری میان رشته‌ای مرتبط می‌کند که نیمرخ و ارزیابی‌های روانشناختی رهبران سیاسی، و افراد را در انواعی از موقعیت‌ها ارائه می‌دهند. علاوه بر این، این درس جنبه‌هایی از عرصه عملیات روانشناختی و نقش فرهنگ و مذهب در نیمرخ شخصیت را پوشش می‌دهد. این درس یک پایه گسترده و کلی از اصطلاحات و مفاهیم روانشناسی سیاسی و ارزیابی‌های فردی را ارائه می‌دهد. این درس برای آشنا کردن دانشجویان با حوزه‌های اساسی پژوهش در عمل در نظر گرفته شده است. در نهایت، این درس برای دانشجویان مهارت‌های مرتبط با تفکر انتقادی و تحلیل مورد نیاز را به هنگام اجرای نیمرخ‌ها و یا ارزیابی‌های فردی فراهم می‌کند.

ترسیم نیمرخ گروهی و کشوری: بین‌المللی و سیاسی (Group and country profiling: International and political)

این درس برای ارائه یک نمای کلی از نظریه و پژوهش در حوزه‌های اصلی روانشناسی گروهی قانونی (forensic group psychology) طراحی شده است، به طوری که آن را به علوم رفتاری میان رشته‌ای مرتبط می‌کند که نیمرخ و ارزیابی‌های روانشناختی گروه‌های سیاسی، و رفتار گروهی کلی ارائه می‌دهند. علاوه بر این، این درس جنبه‌هایی از عرصه عملیات روانشناختی و نقش فرهنگ در نیمرخ گروهی شخصیت را پوشش می‌دهد. این درس

یک پایه گسترده و کلی از اصطلاحات و مفاهیم روانشناسی سیاسی را ارائه می‌دهد، و این درس برای آشنا کردن دانشجویان با حوزه‌های اساسی پژوهش در عمل در نظر گرفته شده است. در نهایت، این درس برای دانشجویان مهارت‌های مرتبط با تفکر انتقادی و تحلیل مورد نیاز را به هنگام اجرای نیمرخ‌ها و یا ارزیابی‌های سیاسی فراهم می‌کند.

جرم‌شناسی رفتاری (Behavioral criminology)

این درس اختیاری آشنایی با جرم‌شناسی رفتاری، تجزیه و تحلیل رفتار مجرمانه و انگیزه‌های اساسی این رفتار از یک چشم‌انداز پژوهشی، همچنین یک چشم‌انداز روانشناختی است. روش‌های درگیر در این حوزه می‌توانند برای کمک به حل و فصل جرم‌ها و شناسایی مجرمان مورد استفاده قرار گیرند.

آسیب‌شناسی روانی کودک و نوجوان (Psychopathology of childhood and adolescence)

این درس مطالعه نظام مند اختلالات رفتاری و هیجانی در کودکان و نوجوانان شامل شناسایی عوامل تاثیرگذار بر انحراف (عوامل ژنتیک، زیست‌شناختی، شناختی، خانوادگی و اجتماعی) می‌باشد.

روانشناسی و درمان مجرم نوجوان (Psychology and treatment of the juvenile offender)

این درس عوامل روانشناختی درگیر در بزهکاری نوجوانان و مسیرهای رشدی معمول در میان مجرمین نوجوان را مورد بررسی قرار می‌دهد. دانشجویان همچنین موضوعات معاصر در نظام دادرسی/عدالت ویژه نوجوانان (juvenile justice system) از دیدگاه روانشناختی و گزینه‌های درمانی مبتنی بر شواهد برای مجرمین و خانواده‌های آنها را مورد کاوش قرار می‌دهد.

قربانی کردن کودک (Child victimization)

قربانی کردن کودک یک مشکل جدی اجتماعی است که توجه فزاینده‌ای را در روانشناسی قانونی به خود اختصاص می‌دهد. در این درس، دانشجویان پژوهش، نظریه و کار

بالینی شامل انواعی از موضوعات مربوط به این حیطه مانند کودک آزاری و غفلت، سوگ آسب ز، شاهدان کودک، قاچاق بین‌المللی انسان، قربانیان کودک به عنوان مجرمین، قلدری، و جرم‌های اینترنتی بر علیه کودکان را مورد بررسی قرار خواهند داد. پیشگیری، مداخله، سیاست‌گذاری، دغدغه‌ها و نگرانی‌های نظام قانونی مورد تاکید قرار خواهند گرفت.

دادرسی/عدالت ویژه نوجوانان (Juvenile justice)

این درس بررسی پیشرفته تاریخچه و هدف نظام دادرسی/عدالت ویژه نوجوانان است که شامل نقش دیوان عالی ایالات متحده آمریکا می‌باشد. این درس همچنین گستره و ماهیت بزهکاری نوجوانان در امریکای معاصر را ارزیابی می‌کند، توصیف و تبیین‌های نظری بزهکاری نوجوانان را مورد بررسی قرار می‌دهد، و بر مشکلات جسمانی، هیجانی و اجتماعی تاکید می‌کند که نوجوانان امروزی با آنها مواجه هستند. دانشجویان همچنین درمان و مجازات مجرمین نوجوان را با استفاده از پژوهش لبه‌برش (Cutting-edge research) بررسی و مطالعه خواهند کرد. لبه‌برش (به روز، نو و تازه) دارای یک مفهوم مثبت و یک صفت مورد استفاده برای توصیف جدیدترین و پیشرفته‌ترین نمونه (version) یک محصول یا خدمت است می‌باشد.

The intelligence community: Theory, (چالش‌ها، فرایند و چالش‌ها) (process, and challenges)

این درس مرور جامع و فراگیری از جامعه اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (IC) U.S. Intelligence Community و نقش حیاتی آن در فرمول‌بندی سیاست خارجی و امنیت ملی ایالات متحده آمریکا را ارائه می‌دهد. این درس این موضوع که اطلاعات چگونه جمع‌آوری می‌شوند و از اطلاعات خام به یک محصول تحلیل شده اتمام یافته مورد استفاده برای اطلاع دادن و مطلع ساختن تصمیم‌گیری‌های سیاستگذار تبدیل می‌شوند را کاوش خواهد کرد. این درس واکنش IC به تروریسم، استفاده از اقدام مخفیانه و پنهانی به عنوان یک ابزار سیاست

خارجی آمریکا و معضلات و موضوعات بغرنج اخلاقی که طی اداره و هدایت عملیات اطلاعاتی به وجود می‌آیند را نیز مورد بررسی قرار خواهد داد.

تجزیه و تحلیل اطلاعاتی ۱ (Intelligence analysis I)

این درس دانشجویان را با مجموعه‌ای از مهارت‌های اساسی آشنا می‌کند که آنها را قادر می‌سازد تا به عنوان تحلیلگران ورود به سطح (Entry level analysts)، در جامعه اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (IC) کار کنند. دانشجویان درک دقیقی از روند تفکر انتقادی را کسب خواهند کرد که برای خلق و ایجاد محصولات اطلاعاتی، بر اساس استدلال تحلیلی درست و دقیق، ضروری و اساسی است و دانشجویان از عوامل روانشناختی‌ای آگاه خواهند شد که بر تحلیل‌ها شامل انواعی از سوگیری‌هایی که ممکن است به طور ناخودآگاه تحلیل‌ها را تحریف کنند و قضاوت‌های تحلیلی را تنزل دهند، تاثیر خواهند گذاشت. دانشجویان همچنین ابزار و مخزنی از روش‌های تحلیلی ساخت یافته (Structured Analytic Techniques (SATs) به دست خواهند آورد که برای تولید و ایجاد ارزیابی‌ها و تحلیل‌ها مطابق با استانداردهای IC مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

تجزیه و تحلیل اطلاعاتی ۲ (Intelligence analysis II)

جهت‌گیری اصلی و عمده این درس، رویکرد یادگیری از طریق عمل/تمرین/ممارست (Learn by doing approach) است. دانشجویان مهارت‌های تفکر انتقادی و روش‌های ساخت یافته‌ای را دریافت خواهند کرد که در تجزیه و تحلیل اطلاعاتی ۱ کسب نمودند و آنها را در ایجاد و خلق انواعی از محصولات و تولیدات اطلاعاتی مورد استفاده در جامعه اطلاعاتی (IC) به کار خواهند گرفت. تأکید بر کسب مهارت‌های نوشتاری/کتبی تحلیلی (Analytic writing skills)، به منظور ایجاد و خلق محصولات و تولیدات تحلیلی خاص، و بر کسب مهارت‌های مختصر سازی (Briefing skills)، به منظور افزایش توانایی برای آمادگی و ارائه مختصر سازی با تاثیر بالا (High impact briefings) به مصرف کنندگان و سیاست‌گذاران IC، قرار داده خواهد شد.

سازمان ضد جاسوسی (Counterintelligence)

این درس به دانشجویان مرور جامع و فراگیری از سازمان ضد جاسوسی امریکا (CI) و اینکه CI به عنوان ابزاری برای محافظت از منفعت راهبردی ایالات متحده امریکا و حمایت از خط مشی / سیاست ایالات متحده امریکا چگونه عمل و خدمت می‌کند، را ارائه می‌دهد. از طریق تجزیه و تحلیل مطالعات موردی و رویکرد دروس آموخته شده (Lessons learned approach)، دانشجویان کاوش و کشف خواهند کرد که سرویس‌های اطلاعاتی خارجی (Foreign intelligence services) و شاکیان/معارضان غیر دولتی (Non-state actors) چگونه به دنبال استفاده از اشکال مختلف جاسوسی، برای به دست آوردن اطلاعات حفاظت شده از نهادهای ایالات متحده آمریکا بوده‌اند و ایالات متحده به این چالش چگونه پاسخ و واکنش نشان داده است.

تروریسم معاصر و واکنش ایالات متحده (Contemporary terrorism and the U.S. response)

این درس یک مرور مقدماتی از تروریسم معاصر و واکنش‌های دولتی به تهدیدات تروریستی در سطح ملی و جهانی را ارائه می‌دهد. دانشجویان دانشی از انواع مختلف سازمان‌های تروریستی، ایدئولوژی‌ها، برنامه‌ها، اهداف، راهبردها و تاکتیک‌های آنها را کسب خواهند نمود. برای دانشجویان نظریه‌های مختلف افراط‌گرایی و محیط‌های متنوع فرهنگی که رفتار افراطی را پرورش می‌دهند، توضیح و شرح داده خواهد شد. این درس با نگاه به واکنش‌های مختلفی که دولت‌ها برای مبارزه با تروریسم نشان داده‌اند، توانایی آنها برای کار کردن به طور مشترک با سایر کشورها بر علیه هدف‌های تروریستی و موفقیت آنها در کاهش تهدیدهای تروریستی خاتمه خواهد یافت. چالش‌های اخلاقی و قانونی‌ای که دموکراسی‌های لیبرال، در پرداختن به و مقابله با تهدیدهای تروریستی، با آنها مواجهه شده‌اند، مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهند گرفت.

پروژه: روانشناسی قانونی و حقوقی (Project: Forensic and legal psychology)

درس پروژه به صورت سمینار فردی، برای بررسی و کاوش، همراه با غور و ژرفای بیشتر در یک حوزه مورد علاقه دانشجوی، سازمان دهی شده است. پروژه ممکن است تنها پس از اینکه ۷۵ درصد از ملزومات طرح و برنامه کلی عملی و تکمیل شدند، حاصل شود. شرط لازم برای درس پروژه، کسب اجازه از مدیر دپارتمان روانشناسی قانونی و حقوقی (Chair of the Forensic and Legal Psychology Department) می باشد.

کارورزی: روانشناسی قانونی و حقوقی (Internship: Forensic and legal psychology)

کارورزی فرصتی را برای یادگیری تجربی در یک محیط ساخت یافته و نظارت شده در اختیار دانشجو قرار می دهد تا وی برای تبدیل شدن به یک متخصص روانشناختی قانونی و حقوقی، دانش علمی و مهارت های مورد نیاز را با یکدیگر ادغام و یکپارچه کند. کارورزی به دانشجو کمک می کند تا گزینه ها و انتخاب های شغلی آینده را ارزیابی کند، ایجاد و برقراری شبکه های ارتباطی با همکاران منحصص را شروع کند و توصیه نامه ها برای گزینه ها و انتخاب های آموزشی و شغلی آینده را بدست آورد. کارآموزی برای کمک به دانشجویان جهت تبدیل شدن به یک متخصص منطقی و خردمند، همچنین به منظور رشد یک هویت حرفه ای، خود-فهمی (Self-understanding) بیشتر، آگاهی اخلاقی عمیق تر و توانایی برای مقابله با موقعیت های پیچیده و مبهم طرح ریزی شده است. ۳۰۰ ساعت کار شامل نشست ها و جلسات سمینار، ضروری می باشند (توصیف دروس دانشگاهی روانشناسی قانونی، ۲۰۱۴).

راهنمایی های کلی بورد روانشناسی امریکا (APA)

اخلاق و رفتار حرفه ای یک موضوع اصلی برای بررسی و معیاری برای ارزیابی در مشاوره و روان درمانی است. اخلاق حرفه ای، قوانینی هستند که برای مشاوران و روانشناسان به عنوان یک راهنما و راهگشای چالش های اخلاقی و حرفه ای می باشند (خاکپور، ۱۳۷۴، نوابی نژاد، ۱۳۸۱، حسینیان، ۱۳۸۵، احمدی، ۱۳۸۷، کیانی، نوابی نژاد و احمدی، ۱۳۸۷، احمدی، ۲۰۰۸، عاطف وحید، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱، فانی و سائلی، ۱۳۹۱، دادفر، عاطف وحید،

کاظمی و کولیوند، ۱۳۹۳، دادفر، عاطف وحید، اصغر نژاد فرید و کولیوند، ۱۳۹۳، عاطف وحید و دادفر، ۱۳۹۳).

احمدی، اخاوی، رئیسی و رحیمی (۲۰۰۸) مطالعه‌ای بر روی ۱۵۰ نفر از مشاوران و روانشناسان شاغل در مراکز مشاوره و روانشناسی دولتی و خصوصی شهر تهران به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که اکثر مشاوران و روانشناسان از کدها و معیارهای اخلاق حرفه‌ای خود آگاه بودند. همچنین، ارتباط معنی‌داری بین جنس، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و آگاهی از اصول اخلاق حرفه‌ای در خصوص تماس فیزیکی، موضوعات بین فرهنگی و استفاده از جلسات مشاوره وجود داشت.

کیانی، نوایی نژاد و احمدی (۱۳۸۷) در یک پژوهش ۱۱۰ نفر از مشاوران و روانشناسان شاغل در مراکز و دفاتر مشاوره‌ی خصوصی شهر تهران را از طریق نمونه‌گیری در دسترس مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی مشاوران و روانشناسان با میزان رعایت اصول اخلاقی توسط آنها رابطه‌ی معنی‌دار داشت. بین بی‌ثباتی هیجانی با اصول سودمندی، خودمختاری و عدالت همبستگی منفی معنی‌داری وجود داشت. افراد دچار بی‌ثباتی هیجانی کمتر از سایرین اصول اخلاقی را در کارشان رعایت می‌کردند. افراد برونگرا نسبت به مراجعان خود سودمندتر بوده و اصل عدالت را بیشتر رعایت می‌کردند. بین ویژگی باز بودن با اصول اخلاقی سودمندی، خودمختاری و عدالت همبستگی وجود داشت. ویژگی شخصیتی توافق تنها با اصل اخلاقی عدالت رابطه معنی‌دار داشت. ویژگی شخصیتی وجدانی بودن با اصول اخلاقی سودمندی، عدم آسیب‌رسانی، خودمختاری و عدالت رابطه‌ی معنی‌دار داشت.

یکی از مسئولیت‌های روانشناسان و متخصصین رشته‌های بهداشت روان، آگاه‌سازی جامعه از نوع خدمات بهداشت روان و مرز و محدودیت‌های جوازهای متعدد شغلی است. قوانین موجود و تصویب شده از جانب بُورد روانشناسی امریکا (APA) به شرح زیر هستند (فرنودی، ۲۰۱۳):

اگر به خدمات بهداشت روانی نیازمندید، احساس تنهایی نکنید. هر ساله میلیون‌ها نفر از مردم آمریکا برای آرامش بیشتر و یا رهایی از انواع ناراحتی‌های روحی به روانشناسان یا سایر متخصصین بهداشت روان مراجعه می‌کنند. آگاهی‌های زیر در انتخاب فرد مورد صلاحیت و سرویس درست بسیار مهم هستند.

روانشناس کیست؟

در ایالت کالیفرنیا کسی که به‌عنوان روانشناس به‌طور مستقل می‌تواند با مراجعین کار کند کسی است که از یک دانشگاه قابل قبول درجه دکتری یعنی (Ed.D، PsyD، Ph.D و...) داشته و امتحان کشوری و امتحان ویژه ایالت کالیفرنیا را قبول شده باشد. اگر چه جواز روانشناسی در فرم عمومی اجازه می‌دهد که روانشناس در زمینه‌های مختلف مانند تست و سنجش روانشناسی، بیوفیدبک، ارزیابی قیومیت و حق سرپرستی کودکان، روانشناسی اعصاب، هیپنوتیزم و روان درمانی فعالیت داشته باشد. ولی روانشناس برای کاربرد این شیوه‌ها، باید آموزش‌های لازم و تخصصی را ببیند و با اطلاعات جدید در آن زمینه آشنا باشد. روانشناس هر دو سال یکبار باید جواز کار خود را تمدید کند و برای تمدید باید ۳۶ واحد جدید در بخش‌های مختلف روانشناسی بگذراند و این قانون به این دلیل شرط تمدید جواز کار است که روانشناس آگاهی‌های خود را در زمینه تحقیقات، قوانین ایالتی، اخلاق حرفه‌ای و تکنیک‌های درمانی را بروز نماید.

چگونه روانشناس خود را انتخاب کنید؟

بسیار مهم است که روانشناس مناسبی را انتخاب نمایید. برای این کار باید اول فردی که احتیاج به کمک دارد و نوع احتیاج او، مشخص گردد. آیا روانشناس برای شما، فرزند شما یا خانواده شماست. سپس نوع سرویس را باید مشخص کرد. آیا مشکل اعتیاد، اختلالات تغذیه، افسردگی، اضطراب یا مشکلات دیگر است. مرحله بعد یافتن روانشناس مجازی است که نیاز شما را می‌تواند بر آورده کند. اگر نامی به شما داده شد و یا فردی روانشناسی را به شما توصیه

کرد، قدم بعدی این است که موقعیت حرفه‌ای روانشناس را و اینکه اجازه درمانگری دارد یا نه با بورد روانشناسی چک کنید.

این کار از طریق تلفن ۲۳۸۲ - ۲۶۳ (۹۱۶) و یا سایت (www.psychboard.ca.gov) مقدور است. بسیار مهم است که مطمئن شوید روانشناس جواز کار معتبر دارد. بورد روانشناسی توصیه می‌کند که در اولین جلسه ملاقات با روانشناس سئوالات زیر را به صورت مصاحبه با او مطرح کنید، کاری که باید برای همه خدمات مهم خصوصی انجام داد. سئوالاتی از قبیل:

- دانشگاهی که روانشناس مدرک دکتری خود را گرفته است.
- سال فارغ‌التحصیلی و زمینه تخصصی
- در زمینه مشکل شما چقدر تجربه دارد؟
- زمان تقریبی که درمان طول خواهد کشید؟
- اینکه روانشناس با رده سنی خاص، اقلیت‌های نژادی و جنسیت مراجع راحت است یا نه؟
- تألیفات و پژوهش‌های روانشناس
- اینکه روانشناس با روانپزشک و یا طبیبی همکاری دارد تا در صورت نیاز دارودرمانی شما را بر عهده بگیرد.
- اینکه ساعات کار روانشناس با ساعات شما تناسب و همزمانی دارد یا نه؟ بعد از این ملاحظات و انتخاب روانشناس، لازم است که به حقوق خود نیز به عنوان مراجع آگاه باشید.

حقوق مراجعین

از حقوق مسلم شماست که:

- ۱- درباره توانایی‌های حرفه‌ای که شامل وضعیت پروانه کار، تحصیلات، دوره‌های تخصصی گوناگون، تجربیات، عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای، و تخصص و صلاحیت‌های ویژه روانشناس منتخب خود درخواست و دریافت اطلاعات کنید.

- ۲- در مورد وضعیت پروانه کار روانشناس با بورد روانشناسی (Board of Psychology) تماس گرفته و درباره هر گونه سابقه وی اطلاعات دریافت کنید. شما می‌توانید این کار را با مراجعه به آدرس زیر انجام دهید: [www. psychboard.ca.gov](http://www.psychboard.ca.gov) سپس روی License Verification بروید.
- ۳- درباره مبلغ ویزیت، مخارج و ترتیب پرداخت، و طبیعت جلسات با روانشناس گفتگو کنید و فرم ویژه نوشته شده را امضاء کنید.
- ۴- زمانی که تحت مراقبت روانشناس هستید برای شما محیطی امن، به دور از سوء استفاده‌های جنسی، جسمی و احساسی فراهم شود.
- ۵- مطمئن باشید که روانشناس، خود شما، نزدیکان، قیم، و یا کسی را که با او رابطه نزدیک دارید وارد رابطه نامشروع جنسی نکند.
- ۶- درباره تشخیص و ارزیابی روانی و همچنین معالجه خود از روانشناس سؤال کنید.
- ۷- از پاسخ دادن به سئوالاتی که باعث آشکار شدن اطلاعاتی می‌شوند که مایل به فاش شدن آنها نمی‌باشید خودداری کنید.
- ۸- از روانشناس بخواهید که هر گونه پیشرفت و بهبودی در وضعیت تان را به شما اطلاع بدهند.
- ۹- آگاه باشید که آیا روانشناس شما با افراد دیگری از جمله سرپرست، مشاور، دانشجو، و یا دستیار خود درباره وضعیت شما بحث و گفتگو خواهد داشت یا خیر.
- ۱۰- در هر زمانی که از نوع شیوه معالجه خود راضی نیستید آن را نپذیرید بدون اینکه هیچگونه احساس وظیفه و یا التزام کنید.
- ۱۱- ضبط الکترونیکی جلسات خود را می‌توانید درخواست کنید و یا رد نمائید.
- ۱۲- یک کپی از مدارک خود را که شامل تشخیص، برنامه درمان، و پیشرفت و نوع معالجه شما می‌باشد درخواست و (در بیشتر مواقع) دریافت کنید.
- ۱۳- رفتار غیر حرفه‌ای روانشناس را گزارش دهید.

۱۴- در هر زمان که بخواهید در مورد معالجه و یا روش‌های درمانی روانشناس خود از روانشناس دیگری نظریه دوم بگیرید، این حق شماست.

۱۵- در زمانی که نیاز باشد درمان شما به شخص دیگری واگذار شود، وظیفه روانشناس شماست که نام‌های متخصصین را به همراه شماره تلفن و آدرس آنها را در اختیار شما بگذارد و از او بخواهید یک کپی از مدارک شما را به روانشناس و یا محل جدید بفرستد.

آیا از کسی دیگر به جز روانشناس می‌توانید برای مشکلات روانی عاطفی خود کمک بگیرید؟

هر وقت که به فکر درمان مشکلات روانی خود می‌افتید باید در نظر بگیرید که روانشناس از ویژگی‌های خاصی برخوردار است اما متخصصین دیگری نیز می‌توانند به شما یاری کنند. از جمله:

• دستیار روانشناس که زیر نظر مستقیم یک روانشناس مجاز کار می‌کند.

شما می‌توانید نام او را روی سایت زیر چک کنید: www.psychboardca.gov و نام روانشناسی که او را سرپرستی می‌کند بدانید. دستیار روانشناس باید حداقل مدرک فوق لیسانس داشته باشد. در اولین جلسه ملاقات با دستیار، فرم مخصوصی که او و روانشناس که سرپرستی پرونده شما را بر عهده دارد باید امضاء کنید. این فرم معمولاً شرایط مالی و محدوده‌های محرمانه بودن اطلاعات را نیز در بر می‌گیرد.

• روانپزشک

روانپزشک مدرک دکترای طب دارد و تخصص در روانپزشکی و مدرک او را در هر ایالت می‌توانید چک کنید. www.psychboard.ca.gov روانپزشکان تنها گروهی هستند که مجاز به تجویز دارو هستند.

• مشاور زناشویی و خانواده

مشاورین باید حداقل مدرک فوق لیسانس در مشاوره و زناشویی داشته باشند. جواز کار مشاورین از جانب بورد علوم رفتاری (Board Of Behavioral Science) صادر می‌شود و برای چک کردن مدرک آنها می‌توانید به آدرس www.bbs.ca.gov مراجعه کنید. مشاورین می‌توانند در زمینه زناشویی، خانواده و روابط انسانی به مراجعین خود خدمت کنند. آنها حق تجویز دارو ندارند و در کاربرد آزمون‌های روانشناختی و سنجش و اندازه‌گیری محدودیت دارند.

• مددکاران اجتماعی بالینی (Clinical Social Workers): این گروه متخصصین باید حداقل مدرک فوق لیسانس در مددکاری اجتماعی داشته باشند. این گروه از متخصصین از بورد علوم رفتاری مجوز کار می‌گیرند و برای چک کردن مجوز خدماتی آنها می‌توانید به آدرس www.bbs.ca.gov مراجعه کنید. این گروه از متخصصین در بهبود روابط مراجع خود با دیگران و رفع اشکالات مراجع با محیط کار و مدرسه و جامعه به شما کمک می‌کنند و از تکنیک‌های روان‌درمانی نیز یاری می‌گیرند.

• روانشناسان تعلیم و تربیت

این گروه حداقل درجه فوق لیسانس دارند و مدرک آنها هم از جانب بورد علوم رفتاری صادر می‌شود (www.bbs.ca.gov). این گروه از متخصصین می‌توانند در مدارس و یا مطب خصوصی به مشکلات آموزشی و سنجش و اندازه‌گیری استعداد و علائق به مراجعین خود یاری کنند.

• تکنسین روانپزشک

این گروه اغلب در بیمارستان‌ها و مراکز توانبخشی و زیر نظر روانپزشک با روانشناس یا پزشک کار می‌کنند و نه حق تجویز دارو دارند و نه کاربرد آزمون‌های روانی. جواز کار آنان از جانب بورد پرستاری و تکنسین‌های روانپزشکی صادر می‌شود و می‌توانید در سایت www.bbs.ca.gov اطلاعات بیشتری دریافت کنید.

• راه‌های دیگر یاری گرفتن

گفتگو با روحانی مورد اعتماد، گروه‌های حمایتی، و خواندن کتاب‌هایی که به فرد کمک می‌کند که با مشکلات خود کنار بیاید.

چه کارهایی را روانشناسان نباید انجام دهند؟

در حالی که اکثر روانشناسان دارای مسئولیت حرفه‌ای می‌باشند و بسیار اخلاقی رفتار می‌کنند، لازم است که به خاطر بسپاریم - همانطور که در دیگر حرفه‌ها هم اتفاق می‌افتد - برخی ممکن است قانون شکنی کنند. اگر این مسئله پیش آید روانشناس می‌تواند به طور مستقیم و یا غیر مستقیم باعث صدمه زدن به مراجع خود شود. در قسمت زیر، مثال‌هایی را می‌بینید که نشان می‌دهند چه کارهایی روانشناسان و یا دستیاران آنها نباید انجام دهند:

• روانشناس نمی‌تواند هیچگونه تماس جنسی با مراجع یا بیمار خود و یا فرد مهم زندگی او داشته باشد. حتی مراجعینی که تا دو سال قبل تحت پوشش درمانی روانشناس بوده باشند شامل این ممنوعیت هستند. منظور از تماس یا بهره برداری جنسی عبارت است از لمس کردن بدون مناسبت، بوسیدن، نزدیکی جنسی و هرگونه رفتاری که مراجع را در موقعیت آسیب پذیر قرار دهد. مسئولیت اخلاقی و قانونی حفظ این حریم بر عهده شخص روانشناس است، حتی اگر مراجع تمایلی در این زمینه نشان دهد. این گونه رفتار هرگز قابل قبول نمی‌باشند و دلایلی هستند برای لغو اجباری اجازه کار روانشناس از طرف بورد روانشناسی (Board of Psychology).

• بی حرمتی به اسرار محرمانه مراجعین

به غیر از مواقع بسیار نادر، روانشناس شما نباید به کسی درباره مواردی که در جلسات محرمانه شما بیرون می‌آید صحبت کند (حتی تأیید اینکه شما را برای معالجه می‌بیند) و فقط با اجازه کتبی شما می‌تواند این کار را انجام دهد. حفظ اسرار محرمانه زیر بنای یک درمان موفقیت آمیز است و باعث به وجود آمدن یک نوع اطمینان دو طرفه بین روانشناس و مراجعه کننده می‌شود.

• روانشناس نمی‌تواند خدماتی را ارائه دهد که در آن هیچ‌گونه تجربه و تحصیلی نداشته و دوره‌ای ندیده است. هر چند که یک روانشناس عمومی با اجازه کار می‌تواند همه گونه خدمات روانشناسی را انجام دهد ولی اگر در قسمت‌هایی که خارج از آموزش اوست به کار پردازد نشان‌دهنده عدم حرفه‌ای بودن می‌باشد و می‌تواند تحت پیگرد قانونی قرار گیرد.

• استفاده از مواد مخدر

برای یک روانشناس، استفاده از هر گونه مواد کنترل‌کننده، داروی خطرناک، آشامیدن الکل، به شکلی که خود او و یا دیگران را به مخاطره بیاندازد و یا اینکه باعث شود که او نتواند در فضایی امن و بی‌خطر به کار خود پردازد اکیداً ممنوع و غیر قانونی می‌باشد و می‌تواند مورد مؤاخذه قرار گیرد.

• کلاهبرداری و یا جرائم دیگر

روانشناسان نمی‌توانند از شرکت‌های بیمه زیادی پول بگیرند تا به شما برگردانند که بتوانید آن سهمی را که مسئولیت خود شماست پردازید. اگر آنها جرائمی از این قبیل مرتکب شوند برای تنبیه و تأدیب به بورد روانشناسی (Board of Psychology) رجوع شود.

• تبلیغات نادرست

روانشناسان فقط می‌توانند در باره خدماتی آگهی کنند که در آنها تحصیل کرده‌اند، دوره‌هایی دیده و یا تجربه دارند. ذکر دقیق مدرکی که روانشناس بر مبنای آن اجازه کار گرفته باید به اطلاع مراجع برسد. عنوان تخصصی در خدمات درمانی، در محدوده مدرک تحصیلی مربوط به این رشته است.

• پرداخت و یا قبول پاداش برای گرفتن مراجعین جدید و یا فرستادن آنها به روانشناسان دیگر این موضوع که به تعارض منافع (Conflict of Interest) نیز معروف است دلیلی برای تنبیه و تأدیب روانشناس است زیرا که این امر باید بدون در نظر گرفتن منافع شخصی انجام گردیده و صرفاً علمی و بی‌طرفانه و فقط به نفع بیمار، تصمیم گرفته شود. روانشناس نمی‌تواند به دلایل شخصی، رفاقت، سود مشترک، مراجعه را به متخصص دیگری ارجاع کند.

• رفتارهای غیر اخلاقی، غیر حرفه‌ای و مسامحه کارانه روانشناس

روانشناسان باید طبق قوانینی که به وسیله انجمن روانشناسی آمریکا (American Psychological Association) و ایالت کالیفرنیا وضع گردیده به معالجه مراجعین خود بپردازند و آگاه سازی مراجعین از این قوانین از مسئولیت‌های روانشناس است.

• کمک به کسی که اجازه کار روانشناسی ندارد.

هر کاری که با خلاف‌های حرفه‌ای ارتباط دارد، برای روانشناسان غیر قانونی است؛ به خصوص آنکه ممکن است باعث صدمه زیاد به عموم به جهت نداشتن اجازه کار معتبر و یا عدم گذراندن دوره‌های کافی باشد. این معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که روانشناس برای کسی که دارای اجازه کار معتبر نیست، موقعیتی درست کند که آن شخص بتواند خدمات روانشناسی ارائه بدهد بدون اینکه به طور قانونی قادر به این کار باشد (معرفی فرد غیر حرفه‌ای به عموم و حمایت از او کاری خلاف قانون است).

• تمرکز روانشناس در زمان درمان، باید بر روی مشکلات مراجع باشد.

برای یک روانشناس، استفاده از وقت درمان مراجعین جهت بحث در مورد مشکلات شخصی خود روانشناس کاملاً غیر حرفه‌ای محسوب می‌شود زیرا آنها مبلغی برای وقت درمان پرداخته‌اند که باید صرف معالجه آنها قرار گیرد نه درد دل روانشناس.

• روانشناس نمی‌تواند در چندین نقش نامناسب که باعث قضاوت نادرست شود خدمت کند.

این شرایط زمانی اتفاق می‌افتد که روانشناس درگیر روابط ثانویه با خود مراجع و یا شخصی که نزدیک به اوست می‌شود که این امر ممکن است باعث مخاطره و قضاوت‌های نادرست در مورد وضعیت مراجع شود (روابط چند گانه با مراجع مجاز نیست).

• رها کردن بیمار به طور ناگهانی

روانشناسان همواره می‌توانند از طرف بورد روانشناسی (Board of Psychology) مورد مؤاخذه قرار گیرند اگر درمان را به طور ناگهانی و در نیمه کار رها کنند در حالی که هنوز احتیاج به ادامه درمان است. در شرایطی که این کار الزامی است، درمانگر باید حتماً برای

مراجع نام و شماره تلفن روانشناسان لایق و تحصیلکرده‌ای که دارای تجربه کافی باشد را تهیه کند تا به درمان شما ادامه داده شود.

اگر روانشناسی در انجام وظایف خود کوتاهی کرد چه باید کرد؟

اگر احساس یا تجربه شما این است که روانشناس شما در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و یا مرزهای قانونی خود را شکسته و به حقوق شما تجاوز کرده است شما می‌توانید مسئله را با:

- یک دوست مورد اعتماد و یا عضو خانواده در میان بگذارید.
- مسئله را به پزشک خانواده بگویید.
- موضوع را به کشیش یا روحانی مورد اعتماد بگویید و اگر موضوع خیلی جدی است، گام‌های دیگری بردارید.
- به مقامات پلیس محلی یا دفتر حقوقی منطقه خود District Attorney اطلاع دهید.
- با وکیل صحبت کنید و شکوائیه قانونی تنظیم کنید.
- پرونده‌های شکایت، تنظیم و به شورای اخلاق حرفه‌ای انجمن روانشناسان ارسال کنید. آدرس این مرکز عبارت است از:

California Psychological Association www.calpsychlink.org

یا: (۹۱۶) ۷۹۷۹-۲۸۶

American Psychological Association : یا

street First750

Washington DC 20002 - 4242

(۲۰۲) ۳۳۶-۵۵۰۰ • www.apa.org

ضمناً برای گزارش هر گونه تخلف در مورد مشاورین، مددکاران اجتماعی و روانشناسان تعلیم و تربیت با Board of Behavioral Science می‌توانید تماس بگیرید (فرنودی، ۲۰۱۳).

انجمن بین‌المللی برای روانشناسی قانونی و تأدیبی

International Association for Correctional and Forensic Psychology (IACFP)

انجمن بین‌المللی برای روانشناسی قانونی و تأدیبی (IACFP) یک سازمان دانشمندان و متخصصان رفتاری است که این افراد بر ارائه خدمات بهداشت روانی با کیفیت بالا به مجرمین کیفری، و بر ترویج و اشاعه پژوهش در سبب‌شناسی، ارزیابی و درمان رفتار مجرمانه متمرکز هستند.

همه اعضای IACFP روانشناس نیستند و همه آنها در کار ارزیابی‌های قانونی یا بهداشت روانی تأدیبی فعال نیستند. با این حال، آنها معمولاً مدرک پیشرفته‌ای در علوم رفتاری دارند و در اجرا، عمل، آموزش یا پژوهش مربوط به جمعیت‌های زندانی و افراد تحت نظارت جامعه مشغول به کار هستند.

اهداف انجمن بین‌المللی برای روانشناسی قانونی و تأدیبی

از سال ۱۹۵۴، اهداف انجمن بین‌المللی برای روانشناسی قانونی و تأدیبی شامل موارد زیر بوده‌اند:

- ارتقاء توسعه کار روانشناختی در عدالت کیفری و محیط‌های اجرای قانون
- کمک به سمت آموزش مناسب روانشناسی جرم و جنایت، بزهکاری و عدالت کیفری
- حمایت از توسعه و استفاده از رویکردهای درمانی موثر برای افراد در مراقبت از نظام عدالت کیفری
- ایجاد انگیزه پژوهش به سمت ماهیت رفتار مجرمانه، برای تبادل چنین اطلاعات علمی، و برای انتشار گزارش‌های تحقیقات علمی در مورد رفتار مجرمانه
- علاقه‌مند کردن خود به موضوعات عمومی، تخصصی و سازمانی که به واسطه کار روانشناسی بر نظام عدالت کیفری تأثیر می‌گذارد یا آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مجله‌های مرتبط با روانشناسی قانونی

مجله‌های مرتبط با روانشناسی قانونی که در کشور آمریکا منتشر می‌شوند، به شرح زیر

می‌باشند:

American Journal of Forensic Psychology
Behavioral Sciences & the Law
Criminal Justice and Behavior
Journal of Forensic Psychology Practice
Law and Psychology Review
Psychology, Crime, & Law
Psychology, Public Policy, and Law

در ایران مجله اختصاصی روانشناسی قانونی وجود ندارد ولی علاوه بر مجلات مرتبط با روانشناسی، چندین مجله نیز مقاله‌های مرتبط با روانشناسی و قانون را منتشر می‌کنند که تعدادی از آنها عبارتند از:

- مجله علمی پژوهشی پزشکی قانونی (Scientific Journal of Forensic Medicine)
- مجله علمی پژوهشی حقوقی دادگستری (The Judiciary Law Journal)
- مجله علمی پژوهشی حقوقی و قضایی دادگستری
- مجله علمی پژوهشی حقوقی کانون وکلای دادگستری
- مجله علمی پژوهشی قضاوت دادگستری استان تهران
- مجله علمی پژوهشی حقوق شهروندی
- فصلنامه حقوق پزشکی
- فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی

لینک‌های مرتبط با روانشناسی قانونی

لینک‌های مرتبط با روانشناسی قانونی به شرح زیر می‌باشند:

American Academy of Forensic Psychology Board-certified forensic experts, continuing education.
American Board of Forensic Psychology Board certification and other information.
All about forensic psychology comprehensive guide to forensic psychology.
American Psychology - Law Society
European Association of Psychology and Law
European Association of Psychology and Law Student Society
resources and fact sheets on forensic psychology
UK Forensic Psychology advice about forensic psychology from the British Psychological Society.
Landmark cases in forensic law
List of forensic Landmark cases chronologically
Open Access Journal of Forensic Psychology
Quality of practice in forensic psychology
Clinical forensic psychology career information, by Dr. Patricia Zapf
Forensic psychology salary, salary, jobs, degree and career information.
ForensicPsychologyOnline.com Forensic psychology online has many resources, including steps to becoming a forensic psychologist and lists of top forensic psychology schools.

عنوان‌های مرتبط با روانشناسی قانونی

عنوان‌های مرتبط با روانشناسی قانونی وجود دارند. می‌توانید به عنوان‌های زیر را مراجعه کنید:

- روانشناسی کاربردی (Applied psychology): استفاده از اصول مختلف روان‌شناختی برای حل مسائل دنیای واقعی

- روانپزشکی قانونی (Forensic psychiatry): متخصصی که باید در موضوعات جنایی/کیفری مرتبط با بیماران روانی نظرات خود را به دادگاه ارائه دهد ولی محدود به انجام معاینات روان پزشکی نیست. مواردی چون بررسی صلاحیت روانی متهم برای حضور در دادگاه و پاسخگویی به اتهام، بررسی حدود مسئولیت جنایی/کیفری (Criminal responsibility) بیماران مبتلا به اختلالات روانی، تعیین میزان خطرناکی بودن مجرمین غیر مسئول (Dangerous patients) و اظهار نظر در مورد لزوم بستری و درمان مجرمین مبتلا به اختلالات روانی نیز بر عهده روانپزشکان قانونی است.

- جنون برطرف شده (Settled insanity)

- ارزیابی صلاحیت (قانون) (Competency evaluation (law)

- فهرست موارد دیوان عالی ایالات متحده فعال بهداشت روانی (List of United States

Supreme Court cases involving mental health). فهرست موارد دیوان عالی ایالات

متحده فعال بهداشت روانی به تفصیل در زیر آمده است.

فهرست موارد دیوان عالی ایالات متحده فعال در بهداشت روانی

List of United States Supreme Court cases involving mental health

دیوان عالی ایالات متحده (USSC) احکام متعددی در مورد بهداشت روان و اینکه جامعه چگونه رفتار می‌کند و به بیماری روانی توجه می‌کند، را صادر کرده است. در حالی که برخی احکام برای موارد بسیار محدودی، شاید فقط برای یک فرد، به کار برده شده‌اند، سایر احکام تاثیر زیادی در حوزه‌های وسیعی داشته‌اند. این احکام صادره منجر به ایجاد قانون/قوانین در ایالات متحده شده‌اند.

سال	مورد	حکم	قانون
		قانون معلولین امریکا Americans with Disabilities Act (ADA)	
۱۹۹۹	آلبرتسون بر علیه کیرکینگ بورگ Albertsons Inc. v. Kirkingburg	دادگاهی که برگزار شد تمام افرادی را که طبق قانون معلولین امریکا (ADA) از نوعی مشکلات جسمانی رنج می‌برند تحت عنوان "معلول" قرار نداد. در عوض افرادی که معتقدند دچار ناتوانی هستند باید ادعای خود را بر مینای مورد به مورد با نشان دادن تاثیرات قابل ملاحظه ناتوانی مورد بحث بر روی یک فعالیت مهم زندگی شان به اثبات برسانند.	؟؟؟
		صلاحیت کیفری Criminal competency	
۱۹۶۰	داسکی بر علیه ایالات متحده Dusky v. United States	تایید حق قانونی یک متهم کیفری/جنایی برای داشتن ارزیابی صلاحیت قبل از روند محاکمه، و داشتن موقعیت استاندارد برای تعیین چنین صلاحیتی	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۶۶	پیت بر علیه رابینسون Pate v. Robinson	صلاحیت دادرسی تحت بند دادرسی قانون اساسی ایالات متحده، ضروری است.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۷۲	جکسون بر علیه ایندیانا Jackson v. Indiana	برای متهمان کیفری که برای محاکمه فاقد صلاحیت شناخته شده‌اند، اجازه تشکیل جلسه دادرسی نامحدود داده نمی‌شود. امکان تغییر متهم فاقد صلاحیت به متهم دارای صلاحیت در یک محدوده زمانی قابل قبول باید وجود داشته باشد.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم

سال	مورد	حکم	قانون
۱۹۷۵	دروپ بر علیه میسوری Drope v. Missouri	هنگام تصمیم‌گیری برای ارزیابی صلاحیت یک متهم کیفری دادگاه باید هر گونه شواهدی دال بر بیماری روانی، حتی صرف وجود یک عامل در بعضی شرایط را مدنظر قرار دهد. بنابراین آستانه برای احراز ارزیابی صلاحیت پایین است. هنگامی که این موضوع مطرح می‌شود، این اقدام باید مفروض شود. متهم نباید متحمل تمامی بار سنگینی بار ناشی از مطرح کردن موضوع شود.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۸۵	آکی بر علیه اوکلاهما Ake v. Oklahoma	متهمان کیفری بی بضاعت از حق ارزیابی صلاحیت برخوردار هستند.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۹۶	کوپر بر علیه اوکلاهما Cooper v. Oklahoma	تنها مزیت، بار اثبات صلاحیت متهم است، روند مقتضی نقض خواهد شد اگر لازم شود که این بار سنگین با شواهد روشن و قانع‌کننده پیش برود.	
مجازات اعدام Death penalty			
۱۹۷۶	پروفیت بر علیه فلوریدا Profitt v. Florida	مقایسه مجاز عوامل تخفیف در مجازات (شامل دلایل بهداشت روانی) و تشدیدکننده برای تصمیم‌گیری حکم‌های مجازات اعدام. (همچنین به فورمن بر علیه جورجیا Furman v. Georgia (۱۹۷۲) و گریگ بر علیه جورجیا Gregg v. Georgia (۱۹۷۶) مراجعه کنید).	قانون اساسی امریکا متمم اول
۱۹۸۶	فورد بر علیه واین‌رایت Ford v. Wainright	پیشگیری از اعدام [مجازات اعدام] مجنون/دیوانه، نیاز به ارزیابی صلاحیت و استماع دادرسی مبتنی بر مدرک و شواهد	قانون اساسی امریکا متمم اول
۱۹۹۳	گودینز بر علیه موران Godinez v.	صلاحیت برای محاکمه متضمن اعتراف به گناه و چشم‌پوشی از حق داشتن وکیل است.	قانون اساسی امریکا متمم اول

سال	مورد	حکم	قانون
	Moran		
۲۰۰۵	روپر بر علیه سیمونز Roper v. Simmons	در حکمی که از واین رایت Wainright (با ارزیابی نوع مجازات‌های بیرحمانه و غیر معمول) تبعیت می‌کند، ممکن است به کودکان حکم مجازات اعدام داده نشود.	قانون اساسی امریکا متمم اول
۲۰۱۰	گراهام بر علیه فلوریدا Graham v. Florida	به علاوه، به کودکانی که جرایم آنها شامل قتل نشود ممکن است مجازات حبس ابد (بدون امکان عفو مشروط) داده نشود.	قانون اساسی امریکا متمم اول
		جنون‌دیوانگی Insanity	
۱۹۷۸	لوکیت بر علیه اوهایو Lockett v. Ohio	مقامات صدور حکم بجای محدود شدن به فهرست خاصی از عوامل، باید از قدرت تشخیص برای مدنظر قرار دادن هر گونه عامل تخفیف دهنده احتمالی برخوردار باشند.	قانون اساسی امریکا متمم اول
		شهادت Testimony	
۱۹۸۱	استل بر علیه اسمیت Estelle v. Smith	همان دکتري که صلاحیت یک متهم کیفری را ارزیابی کرد، در مرحله مجازات دادرسی نیز برای او شهادت داد. که حق متهم علیه خود مقصرشناسی را سلب کرد.	قانون اساسی امریکا متمم پنجم، ششم
		اعتیادها Addictions	
۱۹۶۲	رابینسون بر علیه کالیفرنیا Robinson v. California	یک ایالت نمی‌تواند وضعیت یک فرد معتاد را به عنوان یک جرم تعیین کند، تنها رفتارها می‌توانند کیفری باشند.	قانون اساسی امریکا متمم اول
۱۹۶۸	پاول بر علیه تگزاس Powell v. Texas	مشابه با مورد رابینسون بر علیه کالیفرنیا، یک ایالت ممکن است وضعیت اعتیاد به الکل را بخودی خود جرم نداند، این ایالت ممکن است تنها رفتارهای ناشی از مصرف الکل را ممنوع کند.	
۱۹۸۴	اسپازیانو بر علیه فلوریدا Spaziano v. Florida	برای یک قاضی این مسئله قانونی است که پیشنهاد هیئت منصفه مبنی بر حبس ابد را نادیده گرفته و مجازات اعدام را تحمیل کند. به طور اساسی توسط رینگ بر	

سال	مورد	حکم	قانون
		علیه آریزونا Ring v. Arizona رد شد.	
۱۹۸۵	گلاس بر علیه لوئیزیانا Glass v. Louisiana	اعدام با برق متمم هشتم را نقض نمی‌کند.	
۱۹۸۶	فورد بر علیه واین رایت Ford v. Wainwright	اعدام افراد مجنون/دیوانه طبق متمم هشتم ممنوع است.	
		حق دریافت درمان Right to treatment	
۱۹۷۶	ایستلی بر علیه گمبل Estelle v. Gamble	مشخص شد که زندانیان از حداقل میزان درمان از جمله مراقبت‌های بهداشت روانی برخوردار هستند.	قانون اساسی امریکا متمم هشتم
		حق امتناع از دریافت درمان Right to refuse treatment	
۱۹۷۸	رینی بر علیه کلون Rennie v. Klein	مدنی - بیماری که به طور غیر ارادی مرتکب جرم شد، از نظر قانونی دارای صلاحیت بود و از درمان دارویی امتناع کرد، از حق تجدید نظر پزشکی حرفه‌ای برای تصمیم روانپزشکی معالج برخوردار شد. دادگاه روند تصمیم‌گیری برای متخصصان پزشکی را منسوخ کرد.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۹۰	واشنگتن بر علیه هارپر Washington v. Harper	کیفری - زندانیان برای امتناع از مصرف داروهای روانگردان فقط دارای یک حق بسیار محدودی هستند. نیازهای موسسه مقدم بر حقوق زندانیان است. با این حال، جلسه دادرسی موسسه‌ای رسمی باید برگزار گردد، خطرناک بودن زندانی برای خود یا دیگران باید احراز شود، زندانی مبتلا به بیماری روانی باید تشخیص داده شود، و مراقبت‌های بهداشت روانی باید تصریح کند که داروی تجویز شده بهترین گزینه درمانی برای زندانی است.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم

سال	مورد	حکم	قانون
۱۹۹۲	ریگینز بر علیه نوادا Riggins v. Nevada	کیفری - در قانونی مشابه با هارپر، دادگاه دریافت که در صورتی که نیاز پزشکی به دارو یا نیاز به امنیت بازداشت شدگان، هم برای خود و هم برای دیگران، اثبات شود، ایالت ممکن است مجرم را وادار به مصرف داروهای روانگردان نماید. با توجه به ملزومات هارپر، آنها زبان "جایگزین کمتر محدود کننده ای" را اضافه کردند که ایالت را ملزم به ارائه شواهدی می‌کند مبنی بر اینکه سنجش‌های رفتاری، محیطی یا سنجش‌های در دسترس دیگری وجود ندارند که به یک اندزه موثر باشند.	قانون اساسی امریکا متمم ششم، چهاردهم
		حکم مدنی commitment Civil	
۱۹۷۲	جکسون بر علیه ایندیانا Jackson v. Indiana	فرایند دادرسی مستلزم این است که ماهیت و مدت زمان حکم تعدادی ارتباط معقول معطوف به فردی که حکم برایش صادر شده است را در بر گیرد. با این استدلال که اگر حکم برای درمان و بهبود و اصلاح افراد است، باید با درمان مناسب همراه شود. تعدادی از دادگاه‌های دون پایه حق فرایند دادرسی را به رسمیت شناختند.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۷۹	آدینگتون بر علیه تگزاس Addington v. Texas	بار الزام اثبات جهت حکم مدنی یک فرد، از سودمندی برای شواهد روشن و قانع سازی افزایش یافت. همچنین به دادگاه‌ها برای به تعویق انداختن قضاوت در خصوص نیاز فرد برای حکم به پزشک (پزشکان) مجوز داده شد.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۷۹	پارهام بر علیه جی آر Parham v. JR	دادگاه حکم صادر کرد که برای افراد صغیر ممکن است از لحاظ مدنی به منظور تسهیلات بهداشت روانی بدون یک دادرسی خصمانه حکم صادر شود، در اصل، والدین می‌توانند حق حکم فرزندانشان را به عهده	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم

سال	مورد	حکم	قانون
		بگیرند.	
۱۹۸۲	یانگ برگ بر علیه رومئو Youngberg v. Romeo	هر فردی از یک فرایند دادرسی محافظت شده در خصوص آزادی از حبس و حریم شخصی برخوردار است، تمایل به کاهش میزان حبس تداوم پیدا می‌کند حتی برای افرادی که به واقع مرتکب جرم شده‌اند. آزادی از بازداشت فیزیکی بدون دادرسی و آزادی از شرایط ناایمن حبس.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۷۵	اوکانر بر علیه دونالدسون O'Connor v. Donaldson	از لحاظ تاثیر، اوکانر بر علیه دونالدسون ممکن است مهم ترین تصمیم انتخابی در قانون بهداشت روانی باشد. اوکانر بر علیه دونالدسون توسط مخالفان ارتکاب غیر عمدی برای این استدلال به کار برده شده است که حکم مدنی را فقط محدود به بیماری روانی می‌کند. این تفسیر در اقدامات اضطراری برای انجام تغییرات در قانون حکم (دسترسی محدود به درمان) اهمیت پیدا کرده است. دادگاه اعلام کرد "وجود یافته‌ای از بیماری روانی به تنهایی نمی‌تواند زندانی کردن یک فرد علیرغم تمایل وی و نگهداری او به طور نامحدود در بازداشت ساده سلولی به وسیله فشار یک ایالت را توجیه کند. به طور خلاصه، یک ایالت از نظر قانون اساسی نمی‌تواند فردی را که زیاد خطرناک نبوده و قادر است به تنهایی یا با کمک اعضای خانواده یا دوستان مسئولیت پذیر و مشتاق، آزادانه و با امنیت به زندگی خود ادامه دهد محدود کند.	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم
۱۹۹۳	هالر بر علیه دوو Heller v. Doe	با بازتاب نگرش زمانی محافظه کارانه‌تر (طرفدار دولت)، دادگاه دریافت افرادی که عقب مانده ذهنی هستند در زمره افراد مظنون قرار نمی‌گیرند (نیاز به سطح	قانون اساسی امریکا متمم چهاردهم

سال	مورد	حکم	قانون
		یکسانی از حفاظت به عنوان اقلیت‌های نژادی دارند)، بنابراین دولت‌ها برای تصویب کردن تقریباً هر قانونی جهت حکم دادن از نظر مدنی به آنها آزاد هستند، و دادگاه‌ها دخالت نخواهد کرد (عدم اعمال غیر قانونی یا تمسخر آمیز (بررسی "منطقی" نامیده می‌شود).	
		متفرقه Miscellaneous	
۱۹۸۸	لوین فیلد بر علیه فایز Lowenfield v. Phelps	دریافت که عمل محدود کردن دسته‌ای از قاتلان واجد شرایط مجازات اعدام می‌تواند به وسیله قوانین صریح یا به وسیله یافته‌های شرایط تشدید کننده انجام گردد.	
۱۹۸۸	تامپسون بر علیه او کلاهما Thompson v. Oklahoma	اعدام مجرمین پانزده ساله و جوان‌تر در زمان ارتکاب جرم شان، طبق متمم هشتم، بر خلاف قانون اساسی است.	
۱۹۸۹	استنفورد بر علیه کنتاکی Stanford v. Kentucky	متمم هشتم مجازات اعدام برای جرایم مرتکب شده در سنین ۱۶ یا ۱۷ سالگی را منع نمی‌کند (در روپر بر علیه سیمونز در سال ۲۰۰۵ لغو گردید).	
۱۹۸۹	پنری بر علیه لایناف Penry v. Lynaugh	اعدام افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی نقض کننده متمم هشتم نیست (در آتکینز بر علیه ویرجینیا در سال ۲۰۰۲ لغو گردید).	
۱۹۹۰	والتون بر علیه آریزونا Walton v. Arizona	دریافت صدور احکام قضایی و عوامل تشدید کننده "بویژه عوامل فجیع، بیرحمانه، یا تباه کننده" از نظر قانون اساسی مبهم نیستند. (اولین یافته در رینگ بر علیه آریزونا در سال ۲۰۰۲ لغو گردید).	
۱۹۹۲	مورگان بر علیه ایلینویز Morgan v. Illinois	متهم ممکن است به این دلیل که یک داور آینده نگر به طور خودکار رای به تحمیل مجازات اعدام در هر مورد دعوی را صادر می‌کند، وی را به چالش بکشد.	
۱۹۹۳	هیریرا بر علیه	در صورت عدم وجود سایر زمینه‌های قانونی، شواهد	

سال	مورد	حکم	قانون
	کولینز Herrera v. Collins	جدید دال بر بی گناهی، دلیلی برای دادگاه فدرال به منظور تشکیل یک محاکمه جدید نمی‌باشد.	
۱۹۹۵	شولاپ بر علیه دیلو Schlup v. Delo	توانایی بازگشایی یک پرونده در پرتو شواهد جدید دال بر بی گناهی را افزایش داد.	
۲۰۰۲	رینگ بر علیه آریزونا Ring v. Arizona	در حکم اعدامی که عوامل تشدید کننده ضروری توسط یک قاضی تعیین می‌شود، حق قانونی متهم برای محاکمه توسط هیئت منصفه را نقض می‌کند.	
۲۰۰۲	آتکینز بر علیه ویرجینیا Atkins v. Virginia	اعدام متهمان عقب مانده ذهنی، منع متمم هشتم در مورد مجازات بیرحمانه و غیر معمول را نقض می‌کند.	
۲۰۰۴	تینارد بر علیه درتکی Tennard v. Dretke	مقرر شد که تمامی عوامل تخفیف دهنده مرتبط، نه فقط در مرحله محاکمه، بلکه در مرحله مجازات یک پرونده مجازات اعدام باید در نظر گرفته شود.	
۲۰۰۴	شریرو بر علیه سامرلین Schriro v. Summerlin	مقرر شد که الزام از تصمیم رینگ، یعنی نیاز به هیئت منصفه بجای نیاز به قاضی جهت یافتن عوامل تشدید کننده، عطف به ماسبق به کار گرفته نخواهد شد.	
۲۰۰۵	روپر بر علیه سایمونز Roper v. Simmons	مجازات اعدام برای افرادی که جرم‌های خود را زیر ۱۸ سالگی مرتکب شده بودند، مجازاتی بیرحمانه و غیر معمول شمرده می‌شود و متمم هشتم را نقض می‌کند.	
۲۰۰۶	اورگان بر علیه گوزیک Oregon v. Guzek	ایالت‌ها ممکن است شواهد دال بر بی گناهی متهمی که ممکن است شواهدی در جلسه استماع دادرسی خود ارائه نماید، نسبت به شواهدی که قبلاً در محاکمه اش ارائه نموده است، محدود کنند.	
۲۰۰۶	هیل بر علیه مک دوناو	مجوز دادخواست مبنی بر دلایل نقض حقوق مدنی، حتی پس از دادخواست habeas صادر شد.	

سال	مورد	حکم	قانون
	Hill v. McDonough		
۲۰۰۶	کانزاس بر علیه مارش Kansas v. Marsh	ایالت‌ها از تحمیل مجازات اعدام در زمانی که عوامل تخفیف دهنده و تشدید کننده صدور حکم هر دو موجود هستند، منع نشده‌اند.	
۲۰۰۶	هاوس بر علیه بل House v. Bell	شواهد قانونی DNA پس از محکومیت می‌تواند در تجدید نظر در حکم مجازات اعدام در نظر گرفته شود.	
۲۰۰۸	میدیلین بر علیه تگزاس Medellin v. Texas	الزام تحمیل شده توسط یک معاهده/پیمان اجباری نیست مگر آنکه از طریق اساسنامه به وجود آمده توسط کنگره به تصویب رسیده باشد.	
۲۰۰۸	بیز بر علیه ریس Baze v. Rees	دریافت که روش تزریق کشنده کنتاکی (Kentucky's lethal injection) متمم هشتم را نقض نکرده است.	
۲۰۰۸	کندی بر علیه لوئیزیانا Kennedy v. Louisiana	ایالت‌ها ممکن است مجازات اعدام برای جرمی که " در آن جان قربانی گرفته نشده است"، را تحمیل نکنند.	
۲۰۰۹	هاربیسون بر علیه بل Harbison v. Bell	زندانیان بی بضاعت محکوم به اعدام تحت قانون ایالتی، جهت اقدامات بخشودگی ایالت پس از محکومیت، از حق داشتن وکیل تسخیری (وکیلی که مخارج وی را دولت فدرال می‌پردازد) برخوردار هستند، هنگامی که این ایالت داشتن چنین وکیلی را رد کرده است.	

Cited by: Capital punishment: Legal aspects - Early constitutional intervention and History of the death penalty, University of Alaska Anchorage, Justice Center

آزمون تناسب علایق و نیازهای فردی برای حرفه روانشناسی قانونی

Test of fitness of personal interests and needs for forensic psychology career

آیا در حال فکر کردن به این موضوع هستید که یک روانشناس قانونی بشوید؟ در حالی که روانشناس قانونی می‌تواند یک گزینه شغلی جالب، مهیج و چالش‌انگیز باشد، حائز اهمیت است که ابتدا مشخص کنید آیا علایق و نیازهای شما با حرفه روانشناسی قانونی تناسب دارند. برای اینکه بدانید که آیا شما باید یک روانشناس قانونی بشوید یا نه، به این آزمون کوتاه ده سوالی پاسخ دهید.

خبر	بلی	سوال
		۱- آیا قادر به کنار آمدن با موقعیت‌های استرس‌زای هیجانی مانند مصاحبه با کودکی که قربانی یک جرم خشونت‌آمیز بوده است، هستید؟
		۲- آیا از یادگیری در باره قانون و نظام عدالت کیفری، به ویژه اینکه چگونه این قوانین ممکن است بر روانشناسی و بهداشت روانی تأثیر بگذارند، لذت می‌برید؟
		۳- آیا قادر به برقراری ارتباط خوب با دیگران و کار کردن به عنوان بخشی از یک تیم مانند مشاوره اجرای قانون، وکلا، قضات و سایر روانشناسان هستید؟
		۴- آیا در مواجهه با یک موقعیت بحرانی مانند مشاوره با قربانیانی که صرفاً یک جرم خشونت‌آمیز را تجربه کرده‌اند یا کمک به حل و فصل اجرای قانونی یک مورد پرونده جنایی/کیفری علنی، می‌توانید آرامش خود را حفظ کنید؟
		۵- روانشناسان قانونی اغلب به عنوان یک شاهد متخصص در دادگاه شهادت می‌دهند. در این موقعیت‌ها، ممکن است با میزان زیادی رویارویی و اقدام‌ها برای عدم تایید و رد شهادت خود مواجهه شوید، معهداً حائز اهمیت است که شما آرام، آماده و حرفه‌ای باشید. آیا قادر به دادن شهادت یا عمل به عنوان یک شاهد متخصص در دعاوی مدنی یا جنایی/کیفری هستید؟
		۶- آیا از ارزیابی کردن مضمونین برای تعیین صلاحیت آنها برای محاکمه شدن لذت می‌برید؟
		۷- رشته روانشناسی قانونی همیشه در حال رشد و تغییر است. آیا قادر به انعطاف پذیر بودن و سازگاری و انطباق دادن مهارت‌هایتان در یک دادگاه و محکمه متغیر خواهید بود؟

خبر	بلی	سوال
		<p>۸- آیا مایل هستید به مدت حداقل پنج تا هفت سال در دانشکده تحصیلات تکمیلی برای کسب مدرک دکترا در رشته روانشناسی قانونی، روانشناسی بالینی یا روانشناسی مشاوره وقت صرف کنید؟</p>
		<p>۹- روانشناسان قانونی ممکن است در نهایت با مراجعانی کار کنند که به طرز عمیقی آشفته و به طور بالقوه‌ای بسیار خطرناک هستند. آیا می‌توانید با چنین موقعیت‌های استرس‌زای بالایی کنار بیایید؟</p>
		<p>۱۰- در حالی که فیلم‌های مشهور و برنامه‌های تلویزیونی تمایل دارند روانشناسی قانونی را مهیج و جذاب و مسحور کننده نشان بدهند، واقعیت این است که گاهی اوقات کار می‌تواند خسته کننده و کسل کننده باشد. آیا برای مقابله با کارهای خسته کننده‌ای مانند تدوین یادداشت‌های یک مورد، خواندن گزارش‌ها و اسناد برای موارد، یادگیری در مورد قوانین و رویه‌های قانونی، عمل شهادت دادن مکرر و مصاحبه با افراد متعدد به منظور تدوین یک گزارش کامل برای یک مورد خاص آماده هستید؟</p>

منابع

- احمدی، خدابخش (۱۳۸۷). مباحث اخلاقی در مشاوره و روان درمانی. تهران: انتشارات دانژه.
- امینی، محمدصادق (۱۳۹۱). روانشناسی قضایی (بازجویی و مصاحبه کاربردی بر اساس تیپ شخصیتی افراد برای استفاده قضات، بازجویان و مصاحبه گران). تهران: انتشارات نقش نگین.
- بشیریه، تهمورث (۱۳۸۷). تعامل مفاهیم حقوقی و روانپزشکی (جنون). فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۳، ۸۵-۹۵.
- توقیفی، حسن (۱۳۹۱). سوء استفاده برخی مجرمان از خلاءهای روانشناسی پزشکی قانونی. مقاله ارائه شده در سومین کنگره سالانه بین‌المللی پزشکی قانونی ایران، تهران، ۱۵-۱۳ اردیبهشت ماه.
- جودکی، بهزاد، عباسی، محمود (۱۳۹۳). اجرای احکام کیفری نسبت به مجنون در حقوق کیفری ایران. فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، ۱۲۹-۱۰۱.
- حسینیان، سیمین (۱۳۸۵). اخلاق در مشاوره و روانشناسی. تهران: انتشارات کمال تربیت.
- خاکپور، رضا (۱۳۷۴). ویژگی‌ها و صلاحیت‌های شخصیتی مشاوران و روان‌درمانگران. دانشگاه علامه طباطبائی.
- دادستان، پریخ (۱۳۸۲). روانشناسی جنایی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- دادفر، محبوبه، بیرشک، بهروز، کولیوند، پیرحسین (۱۳۹۳). ارزیابی روانشناختی سالمندان. تهران: انتشارات میرماه.
- دادفر، محبوبه، عاطف وحید، محمد کاظم، اصغر نژاد فرید، علی اصغر، کولیوند، پیرحسین (۱۳۹۳). روانشناسی جامعه نگر. تهران: انتشارات میرماه.
- دادفر، محبوبه، عاطف وحید، محمد کاظم، کاظمی، هادی، کولیوند، پیرحسین (۱۳۹۳). شاخص‌های تشخیصی آزمون‌های روانشناسی. تهران: انتشارات میرماه.
- دارابی، جعفر (۱۳۹۰). چرا برخی مردم قوانین را رعایت نمی‌کنند؟
drdaraby.mihanblog.com/post/148
- دانشنامه رشد (۱۳۹۳). روانشناسی اجتماعی.
- دانشنامه رشد (۱۳۹۳). روانشناسی قانونی.

دلخوش، محمدتقی (۱۳۸۳). کاربرد روانشناسی در عرصه قانون. فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، سال اول، شماره ۱، ۶۷-۹۱.

رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۷۸). آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی، جلد اول، ص ۲۱۰-۲۰۹۰. قم. رفیعی وردنجانی، راضیه، پرمر، زهرا (۱۳۹۲). بررسی حقوق معلولین در حوزه اشتغال از منظر اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی. ویژه‌نامه پنجمین کنگره سایکوسوماتیک (روان‌تنی). دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری، ۸ و ۹ خرداد ماه. روانشناسی جنایی (۱۳۹۲). nahid320.blogfa.com/post/45.

سایت کلینیک الکترونیکی روان‌یار (۱۳۸۷). تاریخچه روانشناسی قانونی. www.ravanyar.com/Psychologyworld/forensic.asp شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، جلد اول، ۱۳۶-۱۲۱، تهران.

شاه‌حسینی، احمد (۱۳۹۳). بررسی جنون از منظر قانون و روانپزشکی و مسئولیت کیفری مجانین. مقاله منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق‌گستر، ۱۲-۱. www.haghgostar.ir

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱). فرهنگ توصیف علوم رفتاری/شناختی. تهران: انتشارات اطلاعات. شیخ، سعید (۱۳۹۲). نقش اختلالات روان‌تنی در ارتکاب جرایم جنسی با تکیه بر کارکرد ضمیر ناخودآگاه. ویژه‌نامه پنجمین کنگره سایکوسوماتیک (روان‌تنی). دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری، ۸ و ۹ خرداد ماه.

شیخ، سعید (۱۳۹۲). نقش روان‌کاوی در توان بخشی مجرمین جنسی مبتلا به اختلالات سایکو سوماتیک. ویژه‌نامه پنجمین کنگره سایکوسوماتیک (روان‌تنی). دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری، ۸ و ۹ خرداد ماه.

صابری، سید مهدی (۱۳۸۷). اختلالات روانی و مسئولیت کیفری، ویژه‌نامه اولین همایش سراسری طب و قضا، تهران، ۶۶-۷۱.

عاطف وحید، محمد کاظم (۱۳۸۹). کارگاه آموزشی ارزیابی و تشخیص برای سازمان‌ها و مراکز مختلف کشور.

عاطف وحید، محمد کاظم (۱۳۸۹). کارگاه آموزشی آزمون‌های روانشناختی برای سازمان‌ها و مراکز مختلف کشور.

عاطف وحید، محمد کاظم (۱۳۹۱). ارزیابی و تشخیص. جزوه و اسلایدهای آموزشی موجود در دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان دانشگاه علوم پزشکی ایران.

روان‌شناسی قانونی / ۱۰۹

عاطف وحید، محمد کاظم (۱۳۹۱). آزمون اندریافت موضوع. جزوه و اسلایدهای آموزشی موجود در دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان دانشگاه علوم پزشکی ایران.

عاطف وحید، محمد کاظم (۱۳۹۱). آزمون رورشاخ. جزوه و اسلایدهای آموزشی موجود در دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان دانشگاه علوم پزشکی ایران.

عاطف وحید، محمد کاظم. نظر سنجی در مورد اصول اخلاق حرفه‌ای روانشناسی از متخصصین بهداشت روانی. (طرح پژوهشی در دست اجرا).

عاطف وحید، محمد کاظم، دادفر، محبوبه (۱۳۹۳). راهنمای اخلاق و رفتار حرفه‌ای در روانشناسی بالینی (برای روانشناسان، مشاوران و روانپزشکان). تهران: انتشارات میرماه.

فانی، داریوش، سائلی، عبدالرسول (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش اخلاقیات مشاوره بر میزان آگاهی اخلاق مشاوران شهر شیراز. مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی پژوهش و درمان در روانشناسی بالینی. دانشگاه آزاد اسلامی تربت جام، ۱۱-۱۰ خرداد ماه.

کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۴). روانشناسی جنایی. ناشر: انتشارات رشد.

کیانی، اردشیر، نوایی نژاد، شکوه، احمدی، خدابخش (۱۳۸۷). ویژگی‌های شخصیتی و رعایت اخلاق حرفه‌ای در مشاوران و روان‌شناسان. اندیشه و رفتار، دوره‌ی دوم، شماره ۸، ۷۹-۹۰.

کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۲). مبانی جرم‌شناسی. جلد اول، ۳۷۴-۳۸۸، تهران.

گورف، فرانسوا (۱۳۸۳). روانشناسی قضایی. مترجم: محمدحسین سروری. تهران: موسسه انتشارات نگاه.

لبافیان، عبدالحمید (۱۳۹۲). آسیب اجتماعی، انحرافات، جامعه.

dkaranjavan.persianblog.ir/post/13

مظلومان، رضا (۱۳۵۳). جرم‌شناسی: کلیات، جلد اول، ۸۶-۸۳، تهران.

نوایی نژاد، شکوه (۱۳۸۱). ارزش‌ها و ملاحظات فرهنگی و اخلاقی و قانونی در مشاوره. سازمان ملی جوانان.

ویکی‌پدیا دانشنامه آزاد (۱۳۹۳). روانشناسی اجتماعی.

ویکی‌پدیا دانشنامه آزاد (۱۳۹۳). روانشناسی قانونی.

ویلا، التا (۱۳۸۹). روان‌شناسی قضایی (جلد اول و دوم). ترجمه مهدی کی‌نیا. تهران: انتشارات مجتمع فرهنگی مجلد.

- Ahmadi, K., Akhavi, Z., Raiisi, F., Rahimi, A. A. (2008). Evaluation the rate of observing ethics among counselors psychologists. *Journal of Applied Sciences*, 8, 24, 4631.
- Academic courses of forensic psychology. (2104). Found online at Marymount.edu/academics/programs/forensicPsych/courseDesc.aspx
- American Board of Forensic Psychology. (2009) Forensic psychology. Found online at <http://www.abfp.com/brochure.asp>
- American Board of Forensic Psychology. (2014) Forensic psychology. Found online at <http://www.abfp.com/brochure.asp>
- Association of Graduate Careers Advisory Services (AGCAS). Forensic Psychology (2014). Found online at www.prospects.ac.uk/forensic_psychologist.htm
- Bartol, C. R., & Bartol, A. M. (2005). History of forensic psychology. In I. B. Weiner & A. K. Hess (Ed.), *The handbook of forensic psychology* (pp.1-27). Hoboken, NJ: Wiley.
- Blau, T. H. (1984). *The psychologist as expert witness*. New York: John Wiley & Sons. 19–25.
- Brodsky, S. L. (1991). *Testifying in court: Guidelines and maxims for the expert witness*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Capital punishment: Legal aspects - Early constitutional intervention. (2014). Found online at law.jrank.org/.../Capital-Punishment-Legal-Aspects-Early-constitutional-intervention.html
- Cattell, J. M. (1895). Measurements of the accuracy of recollection. *Science*, 2, 761–766.
- Cherry, K. (2014). Forensic psychology careers: A closer look at careers in forensic psychology. Found online at psychology.about.com/.../psychologycareerprofiles/.../forensicpsych.htm
- Cherry, K. (2014). History of forensic psychology. An overview of forensic psychology. Forensic psychology basics, history & careers. Found online at psychology.about.com/.../psychologycareerprofiles/.../forensicpsych.htm
- Cherry, K. (2014). History of forensic psychology. Found online at psychology.about.com/.../psychologycareerprofiles/.../forensicpsych.htm
- Cleckley, H. (1982). *The mask of sanity*. New York: Plume Publishing.
- Costanzo, M. M & Krauss. D. (2012). *Forensic and legal psychology. Psychological science applied to law*.
- Course descriptions of forensic psychology. (2104). Found online at Marymount.edu/academics/programs/forensicPsych/courseDesc.aspx
- Darani, Sh. (2006). Behavior of the defendant in a competency-to-stand-trial evaluation becomes an issue in sentencing. *Journal of the American Psychiatric Association Law*, 34, 1,126-128.
- Datz, A. J. (1989). *ABA criminal justice mental health standards*. Washington DC: American Bar Association.
- Defining counsel's role in discovery and disclosure of mental illness - defense counsel's failure to investigate and present defendant's mental health history in

- a death penalty trial. *Journal of the American Academy of Psychiatry and Law*. Retrieved 2007-10-11.
- Executing the mentally ill: The criminal justice system and the case of Alvin Ford. Sage Books. Retrieved 2007-10-03.
- Farnood, N.C (2013). Who is Psychologist? Powered by: California Web Solutions.
- Ford v. Wainwright, 477 U.S. 399. American Psychological Association. January 1986. Retrieved 2007-10-03.
- Forensic psychologist: Education requirements and career information (2014). Found online at [education-portal.com/.../ Criminal_Forensic_Psychologist_Career_Info_Duties_and_Requirements.htm](http://education-portal.com/.../Criminal_Forensic_Psychologist_Career_Info_Duties_and_Requirements.htm)
- Forensic Psychology, retrieved March 12, 2013
- Godwin, G. M. (2000). *Criminal psychology and forensic technology: A collaborative approach to effective profiling*. Hardcover.
- Grisso, T. (1988). *Competency to stand trial evaluations: A manual for practice* (1988 ed.). Sarasota F. L: Professional resource exchange.
- History of the death penalty, University of Alaska Anchorage (UAA), Justice Center (2014). Found online at justice.uaa.alaska.edu/death/
- Holmes, R. (1990). *Profiling violent crimes: An investigative tool*. Newbury Park, CA: Sage.
- Huss, M.T. (2001). What is forensic psychology? It's not silence of the lambs! Eye on Psi Chi 5, 3, 25-27. In Hamblin v. Mitchell 335 F.3d 482 (6th Cir. 2003). Forensic psychology.
- International Association for Correctional and Forensic Psychology (IACFP). (2014). Forensic psychology. Found online at www.aa4cfp.org
- Meloy, J. R. (1996). *The psychopathic mind: Origins, dynamics, and treatment*. Delano, M. N: Brittany Steer.
- Meloy, J. R. (1998). *The psychology of stalking*. San Diego, CA: Academic Press.
- Melton, G. B., Petrila, J., Poythress, N. E., Slobogin, C. & Lyons, Jr., Otto, R. K. (2007). *Psychological evaluations for the courts: A handbook for mental health professionals and lawyers* (3rd ed.). New York: The Guilford Press.
- Millon, T. (1996). *Disorders of personality: DSM-IV and beyond*. New York: John Wiley & Sons.
- Nietzel, M. (1986). *Psychological consultation in the courtroom*. New York: Pergamon Press.
- Pinizzotto, A. J. (2014). Forensic psychologist. Federal Bureau of Investigation. Available from www.apa.org/careers/resources/profiles/pinizzotto.aspx
- Ressler, R. K. (1988). *Sexual homicide: Patterns and motives*. Lexington, MA: Lexington Books.
- Roesch, R., Zapf, P. A., & Hart, D. (2009). *Forensic psychology and law*. Wiley & Wiley. USA.
- Rogers, R. (1986). *Conducting insanity evaluations*. New York: Van Nostrand Reinhold.

- Rogers, R. (1997). Clinical assessment of malingering and deception. Guilford Press.
- Shapiro, D. L. (1984). Psychological evaluation and expert testimony. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Shapiro, D. L. (1991). Forensic psychological assessment: An integrative approach. Needham Heights, MA: Simon & Schuster.
- Smith, S. R. (1988). Law, behavior, and mental health: Policy and practice. New York: New York University Press.
- Speciality guidelines for forensic psychologists. Retrieved 2007-09-14.
- Stern, L.W. (1939). The psychology of testimony. Journal of Abnormal and Social Psychology, 40, 3–20.
- Toch, H. (1989). The disturbed violent offender. New York: Yale University Press.
- Toch, H. (1992). Violent men: An inquiry into the psychology of violence. Washington, DC: The American Psychological Association.
- Tyler Ward, J. (2013). What is forensic psychology? Found online at psychology student network.
- Van Wagner, K. (2007). History of forensic psychology, <http://psychology.about.com>
- What are the roles and responsibilities of a forensic psychologist, retrieved March 12, 2013
- WikiPedia.org. (2014). Forensic psychology.
- Wrightsmann, L. & Fulero, S.M. (2005), Forensic psychology (2nd ed.), Belmont, California: Thomson Wadsworth.
- www.apa.org/ed/precollege/psn/2013/09/forensic-psychology.aspx. Forensic psychology. (2013).
- www.psychboard.ca.gov. (2014). Forensic psychology.
- www.webshad.com. (2014). Forensic psychology mehr-aghajani.com manzel.parsiblog.com

منابعی برای مطالعه بیشتر

- Adler, J. R. (Ed.). (2004). Forensic Psychology: Concepts, debates and practice. Cullompton: Willan.
- American Academy of Forensic Psychology (ACFP). (2014). Forensic psychology.
- American Board of Forensic Psychology (ABFP). (2014). Forensic psychology.
- Bartol, C. R., & Bartol, A. M. (1999). History of forensic psychology. In A. K. Hess & Irving B. Weiner (Eds.), Handbook of forensic psychology (2nd Ed.). London: John Wiley and Sons.
- Blackburn, R. (1996). What is forensic psychology? Legal and Criminological Psychology, 1, Part 1, 3-16.
- Dalby, J. T. (1997). Applications of psychology in the law practice: A guide to relevant issues, practices and theories. Chicago: American Bar Association.
- Davis, J. A. (2001). Stalking crimes and victim protection. CRC Press. 538 pages. ISBN 0-8493-0811-9. (hbk.)

- Duntley, J. D., & Shackelford, T. K. (2006). Toward an evolutionary forensic psychology. *Social Biology*, 51, 161-165.
- Gudjonsson, G. H. (1991). Forensic psychology - the first century. *Journal of forensic psychiatry*, 2, 2, 129.
- Gudjonsson, G. H., & Hawaed, L. R. C. (1998). *Forensic psychology. A guide to practice*. Routledge.
- International Association for Correctional and Forensic Psychology (IACFP). (2014). *Forensic psychology*.
- Ogloff, J. R. P., & Finkelman, D. (1999). Psychology and law: An overview. In R. Roesch, S. D. Hart, & J. R. P. Ogloff (Eds.), *Psychology and law the state of the discipline*. New York: Springer.
- O'Mahony, B. (2013). So, you want to be a forensic psychologist? Create space. *Forensic psychology open access Journal of Forensic Psychology*.
- Ribner, N.G.(2002). California school of professional psychology. *Handbook of juvenile forensic psychology*. Jossey-Bass.
- Roesch, R., & Zapf, P. A. (Eds.). (2012). *Forensic assessments in criminal and civil law: A handbook for lawyers*. NY: Oxford University Press.
- The Institute of Forensic Psychology (IFP). (2014). *Forensic psychology*.
- Wikipedia.org. (2014). *Forensic psychology*.
- YouTube.com – Forensic psychology: The Real world of CSI. (2014).

نمایه موضوعی

بازجویی، ۲۷، ۳۱، ۱۰۷	آ
بزهکار، ۲۴، ۲۹، ۳۰	آسیب اجتماعی، ۲۸، ۱۰۹
بهداشت روانی، ۱۲، ۳۱، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴	
۵۲، ۵۸، ۶۴، ۶۷، ۸۳، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷	ا
۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۹	اختلال شخصیت ضد اجتماعی، ۳۱
بورد روانشناسی تخصصی امریکا، ۴۵	ارائه دهنده درمان، ۱۱، ۴۰، ۴۲، ۴۴
پ	ارتکاب جرم، ۱۶، ۲۳، ۲۶، ۴۲، ۴۴، ۵۳، ۵۶
پزشکی قانونی، ۲۱، ۳۳، ۴۶، ۹۳، ۱۰۷	۵۸، ۵۹، ۱۰۲
پیشگیری، ۱۶، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۶۸، ۶۹، ۷۸	ارزیاب، ۱۱، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۵۴، ۵۶، ۵۸
۹۷	ارزیابی خطر، ۱۶، ۳۲، ۵۲، ۶۷
پیشگیری از جرم، ۱۶	ارزیابی قانونی، ۱۲، ۳۱، ۳۲، ۵۰، ۵۶، ۵۷
ت	۷۵، ۷۰
تبهکار، ۲۳	اصلاح و تربیت، ۲۷
تروریسم، ۲۱، ۷۱، ۷۸، ۸۰	اظهارات شهود، ۱۷، ۱۸، ۲۶
تغییر رفتار، ۲۷	اعتراف، ۱۱، ۲۲، ۳۴، ۹۷
تکرار جرم، ۲۴، ۲۵	اقرار، ۲۷، ۳۵، ۳۶
تمارض، ۱۲، ۳۲، ۵۶، ۵۹	انجمن روانشناسی امریکا، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۴۶، ۲۱
توانبخشی، ۱۶، ۵۲، ۵۴، ۶۸، ۶۹، ۸۷	انجمن روانشناسی کانادا، ۴۶
تیپ‌های جنایی، ۲۷	انحراف اجتماعی، ۲۱، ۳۳، ۷۵
ج	انسان شناسی جنایی، ۲۶
جامعه شناسی جنایی، ۲۶	ب
جرم، ۲۱	بازپرووی، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۴۰

ر

رفتار جنایی، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۶۱، ۷۰، ۷۵
روانشناسان تأدیبی، ۴۲
روانشناسی جنایی، ۱۱، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶،
۳۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹
روانشناسی شهادت، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۷
روان شناسی شهادت دادن، ۱۷، ۱۸
روان شناسی قضایی، ۲۴، ۱۰۹

ز

زیست شناسی جنایی، ۲۶

ش

شاهد متخصص، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۳۲، ۴۰، ۴۲،
۴۳، ۵۳، ۵۵، ۱۰۵
شاهدان عینی، ۱۴، ۲۷، ۳۱، ۴۱، ۶۳
شهادت شهود، ۱۴، ۱۹، ۴۱، ۷۴
شهود متخصص، ۱۹، ۲۰، ۴۲، ۵۱، ۵۴

ص

صلاحیت، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۳۲، ۴۲، ۴۴، ۵۳، ۵۵،
۵۷، ۵۸، ۶۴، ۷۵، ۸۳، ۸۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷،
۹۸، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۷
صلاحیت روانی، ۱۵، ۳۲، ۴۲، ۵۳، ۵۵، ۵۷،
۶۴، ۹۵
صلاحیت متهم، ۱۴، ۵۷، ۹۷

جرم شناسی روانی، ۱۱، ۲۲، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۳
جرم شناسی، ۲۹، ۳۱، ۱۰۸، ۱۰۹
جنایتکار، ۲۴

ح

حریم خصوصی، ۳۸
حقوق، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۴، ۳۸، ۳۹،
۴۷، ۴۸، ۶۳، ۸۴، ۹۱، ۹۳، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۷،
۱۰۸

خ

خدمات پلیس، ۵۱
خدمات عفو مشروط، ۵۱
خشونت، ۳۲، ۳۴، ۴۲، ۴۴، ۵۹، ۶۰، ۶۴، ۶۷،
۷۰، ۷۵، ۱۰۵
خصوصیات روانی، ۲۵، ۲۹

د

دادستان، ۲۶، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۷۴، ۱۰۷
دادگاه، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۳۲، ۳۳،
۳۴، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۱، ۵۲،
۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲،
۶۳، ۶۴، ۶۷، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۹۵، ۹۷، ۹۹،
۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵
دروغ، ۱۱، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۴۱، ۶۳،
دروغ سنج، ۳۴

مجرم، ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۴۰،
۵۲، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۷۰، ۷۷،
۱۰۰

محکومیت، ۲۷، ۳۲، ۵۸، ۶۴، ۷۰، ۷۳، ۷۴،
۱۰۴

محیط‌های قانونی، ۱۳، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۶۰، ۷۵
مداخلات روانشناختی، ۴۴
مدنی، ۳۱

مسائل اخلاقی، ۳۱، ۴۲، ۴۵
مسئولیت کیفری، ۱۶، ۲۳، ۱۰۸
مشاور اجرای قانون، ۱۱، ۴۰، ۴۱
مشاور محاکمه، ۱۱، ۴۰، ۴۴

ن

نظم اجتماعی، ۲۸
نوپروری، ۲۴
نوتوانی، ۲۴

نیمرخ‌های کیفری، ۱۶، ۶۰

ه

هیئت منصفه، ۱۵، ۱۶، ۴۴، ۴۵، ۵۳، ۶۴، ۹۸،
۱۰۳

و

وکلائی مدافع، ۱۴، ۴۴، ۴۵، ۶۴

ع

عدالت، ۱۵، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۴۶، ۵۴، ۵۷، ۵۸،
۶۲، ۶۷، ۷۰، ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۹۲، ۱۰۵

عدالت کیفری، ۱۵، ۳۱، ۴۶، ۵۴، ۵۸، ۶۲،
۶۷، ۹۲، ۱۰۵

علم زندانبانی، ۲۶

ق

قاضی، ۱۶، ۲۶، ۴۳، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۸، ۷۴،
۹۸، ۱۰۳

قانون، ۲۸

قضاوت، ۱۵، ۲۳، ۲۷، ۵۸، ۷۹، ۹۰، ۹۳، ۱۰۰،
قوانین، ۱۴، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۶، ۳۷

۳۸، ۳۹، ۵۰، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۸۲، ۸۳، ۹۰،
۹۶، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸

ک

کجروی، ۲۸

کیفرشناسی، ۲۶

م

متهم، ۱۵، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۳، ۵۳، ۵۴،
۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۹۶، ۹۷

۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳

Forensic psychology



by:

Dr. Mohammad Kazem Atef Vahid

Clinical psychologist
Faculty member of Iran University of Medical Sciences
School of Mental Health & Behavioral Sciences

Mahboubeh Dadfar

PhD student in clinical psychology,
International Campus,
Iran University of Medical Sciences